

کنفرانس بین المللی زنان

خانواده

چالش ها و راه حل های اسلامی



تونس

تدویر کننده: بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

به همکاری حزب التحریر ولایه _ تونس

18 صفر 1440 - 27 اکتوبر 2018م



فهرست موضوعات

مقدمه

۱

آغاز سخن: "خانواده؛ چالش‌ها و راه‌حل‌های اسلامی"

۳

متن سخنرانی اول - حزب‌التحریر-ولایه تونس

۶

بحران خانوادگی؛ اسباب و پیامدهای آن

متن سخنرانی دوم - حزب‌التحریر-هالند

۱۷

ظلمی که مفکوره مساوات بین زن و مرد در خانواده رواداشته است!

متن سخنرانی سوم - حزب‌التحریر-ولایه پاکستان

۲۸

نقش رسانه‌ها در تضعیف ازدواج و زندگی خانوادگی

متن سخنرانی چهارم- حزب‌التحریر-ولایه تونس

۳۶

خشونت‌های خانوادگی؛ عوامل و راه‌حل‌های آن از دیدگاه اسلام

متن سخنرانی پنجم - حزب‌التحریر-ولایه لبنان

۵۰

آجندای برنامه‌های ملی و بین‌المللی علیه قوانین خانوادگی اسلام

متن سخنرانی ششم - حزب‌التحریر-ولایه ترکیه

۶۱

حفظ خانواده از طریق نظام اجتماعی اسلام

متن سخنرانی هفتم- حزب‌التحریر-ولایه اندونیزیا

۷۳

اصلاح مفهوم مادر بودن: اهمیت و نقش اساسی زن به عنوان همسر و مادر

متن سخنرانی هشتم -حزب‌التحریر- خلیج عربی

۸۴

قوامیت مرد بر زن در نظام اسلام

متن سخنرانی نهم- حزب‌التحریر-سرزمین مبارک فلسطین

۹۷

روابط زن و شوهر در زندگی از نظر اسلام

متن سخنرانی دهم-دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر

۱۰۷

خلافت؛ قلعه مستحکم حفاظت از خانواده

۱۱۸

پایان سخن

مقدمه

حمد، ثنا و ستایش ذاتی را سزااست که اسلام را به ما ارزانی داشت و با نعمت اسلام ما را عزت بخشید، و درود و سلام بر پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستادهٔ اوست.

به تاریخ ۱۸ صفر ۱۴۴۰ هـ.ق مطابق با ۲۷ اکتوبر ۲۰۱۸ م، بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر در هماهنگی با حزب التحریر-ولایه تونس، کنفرانس بین‌المللی را تحت عنوان "خانواده؛ چالش‌ها و راه‌حل‌های اسلامی" برگزار نمود که مشکلات، سازگاری، دوام و پیوستگی ازدواج و زندگی خانوادگی را در سراسر دنیا به شمول سرزمین‌های اسلامی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این کنفرانس مهم صدها زن را از تونس و کشورهای دیگر که اکثریت آنان رهبران تأثیرگذار در جوامع‌شان بوده و یا هم در این بخش تجربه کافی داشته‌اند، گرد هم جمع کرد تا در مورد این موضوع مهم بحث و گفتگو نمایند. موضوع با سخنرانی خواهران حزب التحریر از شرق میانه، منطقهٔ خلیج، افریقا، آسیا، جنوب شرق آسیا و اروپا شرح داده شد.

این کنفرانس نقطهٔ اوج و نیز اختتام کمپاین جهانی سه هفته‌یی در موضوع فوق بود که پشتیبانی شدید جوامع، سازمان‌ها، رسانه‌ها و کمپاین‌های فعالان رسانه‌های اجتماعی را در سطح بین‌المللی در بر داشت.

"خانواده" پایه و اساس یک تمدن بوده و خانواده‌های مقاوم قلب جوامع موفق، باثبات و قوی به شمار می‌روند. خانواده‌ها جهت حمایت فیزیکی، عاطفی و ارایهٔ احساس خوب برای اعضای خویش و برای این‌که اطفال نیک را به اجتماع تقدیم نمایند و از آن‌ها مراقبت خوب نمایند، امر حیاتی می‌باشند. امروزه بحران تأثیرگذاری بر خانواده‌ها به شمول خانواده‌های مسلمان در سراسر جهان مسلط شده است که از آن جمله ازدواج از تهداب فرو ریخته و ناسازگاری در زندگی خانواده‌گی یک امر مروج می‌باشد، به مادر بودن ارزش داده نمی‌شود و ازهم پاشیدن فامیل‌ها جهانگیر شده است. این در حالی‌ست که سازگاری و ثبات در زندگی خانوادگی یکی از ویژگی‌های برجستهٔ امت

اسلامی به شمار می‌رفت. ازدواج‌های نا فرجام و زندگی خانوادگی از هم پاشیده، معلول و ناخشنود سبب آشفتنگی بزرگ برای همهٔ اعضای فامیل گردیده و تأثیر ویرانگری بالای کودکان و جامعه از خود برجای می‌گذارد. به همین دلیل، این یک مسئلهٔ حیاتی است و لازم است که توجه جدی برای حل این معضل در خانواده صورت گیرد.

این کمپاین و کنفرانس مهم خطرات تغییر شکل زندگی خانوادگی را در دنیای فعلی به نمایش کشیده و هم‌چنان عوامل اساسی را به شمول نقش رسانه‌ها و دولت‌ها در ازدیاد این بحران معرفی می‌کند که به ثبات ازدواج و زندگی خانوادگی ضرر می‌رساند. در کنار این، آجندا و پلان‌های ملی و بین‌المللی را که برای سیکولرسازی خانواده‌های مسلمان و قوانین اجتماعی به پیش برده می‌شود تا مسلمانان را از دین‌شان دور نمایند، افشاء می‌کند. در نهایت نظام اجتماعی اسلام را به عنوان راه‌حل پیش‌کش نموده و چگونگی دیدگاه این نظام بی‌نظیر را در مورد تنظیم نمودن روابط اجتماعی، با اساسات دقیق آن، ارزش‌ها و قوانین آن را به شمول تعریف واضح از حقوق و نقش مرد و زن در زندگی خانوادگی، حمایت از ازدواج، ایجاد آرامش در زندگی خانوادگی، بلند بردن ارزش و مرتبهٔ مادر بودن به گونه‌ای که شایستگی آن را دارد و تشکیل خانواده‌های باثبات و قوی و مراقبت از آن‌ها را شرح و توضیح می‌دهد. این کمپاین و کنفرانس هم‌چنان نقش رهبری اسلامی را در تحت دولت خلافت برمنهج نبوت در راستای ایجاد، انکشاف و حمایت ازدواج و خانواده‌ها بیان نموده تا نشان دهد که اسلام واقعاً از خانواده حمایت و پشتیبانی می‌کند. این رساله شامل متون سخنرانی کنفرانس "خانواده؛ چالش‌ها و راه‌حل‌های اسلامی" می‌باشد.

بنابر این، از الله ﷻ استدعا می‌نماییم که به تمام کسانی که در برگزاری این کنفرانس و کمپاین مهم سهم داشته و در آن اشتراک نمودند، اجر عظیم عنایت فرموده و تلاش‌های‌شان را در جهت بازگشت دولت خلافت مؤثر سازد تا باشد که جامعه و خانواده‌های ما از بدبختی و پاشیدگی نجات یابند. آمین.

دکتور نسرین نواز

رئیس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر



آغاز سخن

"خانواده؛ چالش‌ها و راه‌حل‌های اسلامی"

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته!

الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَقُلِ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرِسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَسْتَرْدُوْنَ اِلَیْ عَالِمِ الْغَیْبِ
وَالشَّهَادَةِ فِیْئَبِیْبُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ﴾ [توبه: ۱۰۵]

بگو: عمل کنید! الله (ﷻ) و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد.

مهمانان گرامی و خواهران نهایت عزیز! خرسندم از این‌که افتتاح کنفرانس جهانی تحت عنوان: "خانواده؛ چالش‌ها و راه‌حل‌های اسلامی" را اعلام می‌دارم.

مهمانان معزز! به یاری الله ﷻ بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر به همکاری بخش زنان دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه تونس، افتخار برگزاری کنفرانس جهانی زنان را کسب نموده است. بعد از آن که تونس در آغاز انقلاب موسوم به "بهار عرب"، کنفرانس جهانی و تاریخی تحت عنوان: "خلافت، نمونه‌ای روشن برای حقوق زنان و نقش زنان در سیاست" را میزبانی نمود، این کنفرانس بار دیگر ما را گردهم جمع ساخت. هدف این کنفرانس تاج‌گذاری برای کمپاین جهانی می‌باشد که در ۳ اکتوبر ۲۰۱۸م آغاز گردیده و به مدت سه هفته با انجام فعالیت‌های دقیق و همه‌جانبه در رابطه به آنچه که به عنوان بحران و چالش برای خانواده شناخته شده و خانواده از آن رنج می‌برد، و نیز ارائه راه‌حل اسلامی بخاطر نجات آن و به هدف ایجاد یک جامعه سالم و پاینده، ادامه خواهد یافت.

بدون شک بحرانی‌که بالای بنیان خانواده اثر گذاشته یک موضوع حیاتی و مهم در پیشرفت و گسترش خانواده در هر گوشه جهان به ویژه در کشورهای جهان اسلام بشمار می‌رود؛ بحرانی‌که مظاهر فروپاشی خانواده را به همراه داشته و توسط ایجاد اضطراب و بی‌اتفاقی آن را

قربانی ساخته است. خواهرانم! به گونه‌ی مثال: در تونس بر اساس آمار ارائه شده توسط انستیتوت ملی (INS) آمار طلاق بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ م به ۱۸ درصد افزایش یافته، میزان ازدواج کاهش پیدانموده و سطح مجردی میان افراد دارای سنین ۲۵-۲۹ سال از ۳۷.۷ درصد در میان سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۱۱ م تا ۵۴.۴ درصد افزایش یافته است. هم‌چنان طبق مطالعات انجام شده توسط سازمان‌های مختلف زنان، ۸۴ درصد از زنان ازدواج شده قربانی خشونت‌های خانوادگی شده‌اند. خواهرانم! پس کدام یک از ما بزرگی این بحران را که همواره تهداب روابط زناشویی را ویران ساخته، زیربنای خانواده را تضعیف نموده، پایه‌های آن را باریک ساخته تا روابط میان افراد خانواده از هم پاشیده و جدایی و نفرت جای وحدت و محبت را بگیرد، احساس نمی‌کنیم؟ متأسفانه راه‌حل‌های سطحی ارائه شده بصورت فردی جهت جلوگیری از فروپاشی خانواده اقدام بدون آگاهی بوده و از لحاظ فکری نتیجه‌ی فهم سطحی از اسبابی می‌باشد که باعث از بین رفتن نظام خانواده می‌شود.

قابل ذکر است که سیاست‌های دنباله‌رو، روش نظام‌های موجود در کشورهای اسلامی تا حد زیادی در خراب شدن اوضاع خانواده نقش داشته و بحران را عمیق‌تر ساخته و تنها به تطبیق نوشته‌های غربی و بیان میثاق‌های بین‌المللی، که بعداً آن‌ها را در متن قانون اساسی کشورهای شان شامل می‌سازند تا انحراف اخلاقی و انتشار رذایل را در جامعه قانونی ساخته و اندک باقی‌مانده‌ی نظام اجتماعی اسلام را نیز از بین ببرند. قانون احوال شخصیه در تونس و آنچه که از سیکولرسازی قوانین متعلق به خانواده و نظام اجتماعی و نیز تعدیل احکام قطعی‌الثبوت مانند میراث و ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان به بهانه مساوات و اخیراً گزارش ایجاد سازمان آزادی‌های فردی و مساوات شنیده می‌شود، بهترین دلیل برای اثبات این گفته‌های ماست. حضار نهایت محترم! بدون شک خانواده عبارت از ستون اصلی می‌باشد که جامعه توسط آن ساخته می‌شود و شکی نیست آنچه‌که خانواده‌ها در جهان اسلام از آن رنج می‌برند، نتیجه‌ی جنگ‌های فرهنگی غرب علیه اسلام به وسیله‌ی مفاهیم ویرانگر لیبرالی و تبدیل نمودن ارزش‌های هویت اسلامی به ارزش‌های فاسد مادی نظام سرمایه‌داری می‌باشد و جز این نیست



که تلاش‌های غرب بخاطر ازهم پاشیدن خانوادهٔ مسلمان و انحلال وحدت آن، دلیل روشنی بر مانع بودن خانوادهٔ مسلمان در مقابل غرب می‌باشد؛ زیرا خانواده همیشه دریچهٔ امنی را برای حفظ اخلاق، آبرو و نسل بشر تشکیل داده است.

بدین سبب ان شاءالله امروز در این کنفرانس یگانه دیدگاهی را که شریعت اسلامی جهت تنظیم رابطه میان دوجنس و چگونگی انتشار آن در تمام ادوار به صورت کامل ارائه کرده است، تشریح خواهیم نمود و نیز بیان خواهیم نمود که چگونه می‌توان تنها با تطبیق نظام اجتماعی اسلام وضعیت خانواده و جامعه را اصلاح نموده و یک پیوند زناشویی مستحکمی را که قادر به حفاظت از بافت خانواده بوده و فرهنگ گفتگو را میان افراد آن ایجاد می‌نماید، تأسیس نمود.

خواهران گرامی! امروز از حضور و مشارکت‌تان در این کنفرانس و آنچه را که از موضوعات مختلف در زیر چتر خود در بر می‌گیرد، نهایت خوشحال هستیم و از الله تعالی می‌خواهیم تا این عمل را از ما بپذیرد و تا پیاده شدن شریعتش در روی زمین ما را یاری کند. در اخیر با گفتن نام پاک پربرکت الله تعالی و بسم الله الرحمن الرحیم افتتاح کنفرانس "خانواده؛ چالش‌ها و راه‌حل اسلامی" را آغاز می‌کنم. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

استاد حنان الخمیری

سخنگوی رسمی بخش زنان حزب التحریر-ولایه تونس



متن سخنرانی اول

حزب التحریر - ولایه تونس

بحران خانوادگی؛ اسباب و پیامدهای آن

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

الله ﷻ فرموده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [روم: ۲۱]

و یکی از نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) الله ﷻ این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید و در میان شما مهر و محبت انداخت؛ مسلماً در این (امر) نشانه‌ها و دلائلی (بر عظمت و قدرت الله ﷻ) برای افرادی است که (در باره‌ی پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند.

«اللهم صل على سيدنا محمد عبدك ورسولك وعلى المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات»

خواهران عزیز! بشریت در آستانه‌ی هلاکت قرار دارد! سنگ تهداب جامعه (بنیان خانواده) از داخل فرسوده شده و تمام جهان با بحران فروریزی خانواده مواجه است. بحران خانواده و مشکلات ایجاد شده از این بحران از جمله مشکلات اجتماعی، شخصی، فردی و سایر مشکلاتی که غرب را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است؛ هم‌چنین امروزه امت اسلامی را-بهترین امتی که به سود انسان‌ها آفریده شده- در دام خود قرار داده است. آمار ازدواج هر سال رو به کاهش و برعکس آمار طلاق رو به افزایش است؛ به‌طور مثال: آمار طلاق در ترکیه در طول ده سال گذشته ۸۲ درصد افزایش یافته است، در حالی که در سال ۲۰۰۸ م از هر ۳ خانواده در یک خانواده طلاق صورت گرفته بود و در سال ۲۰۱۱ م از هر شش خانواده در یک خانواده طلاق صورت گرفته است.

کشور اردن امروزه بلندترین آمار طلاق را در خاورمیانه دارد. آمار وقایع ثبت شده از



۱۰۰۰ قضیه طلاق در سال ۲۰۱۱ م به ۲۲۰۰۰ قضیه طلاق در سال ۲۰۱۶ م افزایش یافته است؛ علاوه بر این، ۸,۲ درصد از زوج‌ها در جریان سال اول ازدواج شان، منجر به طلاق شده است. در مصر در ۲۰ سال گذشته آمار طلاق ۸۳ درصد افزایش یافته است، که روزانه ۲۶۰ واقعه طلاق درین کشور رخ می‌دهد. در اندونیزیا ۳۸۰ هزار واقعه طلاق مربوط به مسلمانان در سال ۲۰۱۴ م به وقوع پیوسته است که مساوی به ۴۴ واقعه طلاق در هر ساعت و بیشتر از ۱۰۰۰ واقعه طلاق در هر روز می‌گردد و از سال ۱۹۹۹ م الی ۲۰۰۹ م آمار طلاق ده‌ها برابر افزایش یافته است. در ایران، ۲۰ واقعه طلاق در هر ساعت در ماه مارچ سال جاری ثبت گردیده است. تنها در تهران، پایتخت ایرن، طی یک سال آمار واقعه طلاق ۲۲ درصد افزایش یافته است. این حالت با کاهش آمار ازدواج و تأخیر سن ازدواج در میان امت اسلامی، همگام بوده است؛ بطور مثال: آمار ازدواج‌های رسماً ثبت شده در مصر میان سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۶ م حدود ۷۰,۴ درصد کاهش یافته است، در حالی که آمار ازدواج در فلسطین تنها در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ م ۸ درصد کاهش یافته است. در لبنان ۴۷ درصد زنانی که در سنین ۳۵-۳۹ سالگی عمر خود قرار دارند، مجرد هستند. در مالیزیا در سال ۲۰۱۰ م تعداد کسانی که سنین شان بیشتر از ۱۵ سال بود و قطعاً ازدواج نکرده بودند، ۳۵ درصد را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، میانگین سن ازدواج اول، در تمامی سرزمین‌های اسلامی تقریباً ۳۰ سال است.

ما شاهد ضعف اهمیت خانواده در بنیان جامعه، کم‌رنگ شدن کثرت خانواده و افزایش تعداد افراد هستیم؛ هم‌چنان، ما شاهد خانواده‌هایی هستیم که از تولد طفل جلوگیری می‌کنند و نیز شاهد کاهش تعداد خانواده‌هایی که سه طفل مسلسل و بیشتر از آن دارند، هستیم. در عین حال، شمار خانواده‌هایی که دو طفل دارند، به سرعت بلند می‌رود؛ به‌طور مثال: در سال ۲۰۱۶ م میزان باروری مجاز، بالغ بر ۲,۱ طفل است. تا سال ۲۰۱۶ دائماً به میزان باروری در ترکیه اصطلاح "فرا تر از میزان باروری مجاز" استفاده شده است؛ هم‌چنان این سرزمین به سرعت به خطر پیری مواجه است. در بنگلادیش، آمار اجمالی باروری از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۱ م از ۶,۳ درصد به ۲,۳ درصد کاهش یافته که نشان دهنده ۶۴ درصد کاهش باروری است. پاکستان، مصر و سایر سرزمین‌های اسلامی تحولات را در جمعیت‌شناسی باعث نگرانی خوانده است. بنا

بر این، ما به تحرک جمعی به سوی فردگرایی و عدم تولد مواجه هستیم، و یکی از عوامل اساسی این مشکل افزایش عمر میانگین بار اول مادر بودن و کاهش ارزش مقام مادر است.

فروپاشی ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی باعث سوق دادن مردم به اختلافات، بد بختی و خشونت در زندگی زناشویی گردیده است، بطور مثال: خشونت علیه زنان در ترکیه، طی ده سال گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است، تنها در یک سال گذشته، ۴۰ زن به دلیل طلاق به قتل رسیده‌اند. در کنار این، طلاق در ترکیه تصویرهای هولناکی ایجاد نموده است که از جمله شخصی طفل خود را به دلیل این‌که انتقام خود را باید از خانمش بگیرد، به قتل رساند که در سال ۲۰۱۷م به تعداد ۲۰ طفل به دست پدران‌شان به قتل رسیده‌اند.

افزایش آمار طلاق باعث بروز مشکلاتی گردیده است که اطفال و نسل جوان را تحت تأثیر قرار داده است. تحقیقات علمی ثابت ساخته است که آمار جنایات اطفال، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، ناکامی و فرار از مکاتب، مشکلات روحی، فحشاء و تجاوز جنسی، ولادت خارج از چهارچوب ازدواج، قماربازی، خودکشی و سائر مشکلاتی که مستقیماً با آمار طلاق ارتباط دارد، افزایش یافته است. به‌طور مثال: از زمانی که آمار طلاق در ترکیه رو به افزایش نهاده است، از سال ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۳م آمار جنایات اطفال بیشتر از چهار برابر، افزایش یافته است.

خواهران عزیز! انتشار چنین احصائیه‌های هولناک به پایان نمی‌رسد... در حقیقت، بحران مذکور عوارض مسموم شدن به مرضی به سطح طاعون است. انتشار، تطبیق و ترویج ارزش‌های سرمایه‌داری، لیبرالی، حقوق زن، سیکولریزم، عادات، قوانین و نظام‌های غربی امت را مسموم ساخته و طرز تفکر، تمایلات، مفاهیم و معیارات زندگی را طبق خطوط غرب و به دور از اسلام، ترسیم و تشکیل نموده است. ارزش‌ها و قوانین غربی، که بر امت اسلامی تطبیق می‌گردد، هیچ پیشرفت و ترقی را کسب نکرده؛ چنانچه بعضی مردم گمان می‌برند؛ بلکه بر خلاف آن، ما را به فساد اخلاقی، در منجلاب غرب و انبوهی از مشکلات غیر قابل حل دچار کرده است.

ترویج "آزادی‌های لیبرالی" مرز پرورش اجتماعی و روابط میان زن و مرد را از میان برداشته است و در پی آن جامعه اسلامی را به جامعه غیراسلامی مبدل کرده است. افزون بر این، "عفت و حیا" عقب‌مانی تعبیر می‌گردد؛ در حالی که حضرت انس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:



«إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا وَخُلُقَ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ»

هر دین خوی و سرشتی دارد، خوی و سرشت (اخلاق) اسلام حیاء است.

هم‌چنان ابو مسعود البدری روایت نموده است که رسول الله ﷺ حیاء را اساس اخلاق در اسلام قرار داده و فرموده است:

«إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ»

آن چه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند، این است که: هرگاه شرم و حیاء نداشتی، پس هرچه خواستی بکن!

دقیقاً چیزی که آزادی‌های لیبرالی به ما تعلیم می‌دهد، این است: هر فرد آزاد است تا هرچه خواست انجام دهد؛ خجل بودن تو را محکوم به افراط و ناکامی می‌کند؛ زنان بدون لباس اسلامی و با تبرج از خانه بیرون می‌شوند؛ مردان چشمان خود را پایین نمی‌اندازند و روابط نامشروع و خارج از چارچوب ازدواج و اختلاط میان دو جنس مخالف روزه‌روز افزایش می‌یابد، که این کار باعث در هم ریختن، تخریب و تنفر از ازدواج و پای‌بندی به مسئولیت‌ها در ازدواج در زندگی خانوادگی گردیده است؛ در حالی که رسول الله ﷺ طریقهٔ ممانعت و کناره‌گیری ازین "عدم ازدواج" را و تضمین این‌که ازدواج برای حمایت از اخلاق و هماهنگی است، فرموده است:

«النِّكَاحُ مِنْ سُنَّتِي فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»

نکاح از سنت من است، کسی که سنت من را تطبیق نکند، از من نیست!

این آزادی‌های لیبرالی امت اسلامی را از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم دور ساخته و رابطه میان مرد و زن را بر اساس لذت بردن متمرکز ساخته است؛ در حالی که اسلام تعاون صحی میان دو جنس مخالف را در جامعه فرض گردانیده است و این کار غرب، سبب بروز

تفکر جنسی، افزایش روابط نامشروع و حتی انحراف و همجنس‌گرایی علاوه بر چشم‌پوشی از روابط نامشروع و همجنس‌گرایی در جامعه گردیده است که باعث درهم خوردن طبیعی ازدواج و سلامتی بنیان خانواده و فروعات آن گردیده است. این است فرهنگ لیبرالی که هرفرد از تمایلات و خواهشات خود پیروی می‌کند و امت اسلامی به آن آغشته شده است. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا * أَمْ تَحْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ [قرآن: ۴۳-۴۴]

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟! آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط هم‌چون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تراند!

خواهران عزیز! ارزش‌های سرمایه‌داری یکی از عوامل اساسی بحران خانواده در بین امت اسلامی است؛ زیرا در حالی که اسلام عزیز، مسلمانان و حتی غیرمسلمانان را در جامعه به انجام اموری که به ازدواج، اطفال، بنیاد خانواده بهتر و مفید است، مکلف نموده؛ اما سرمایه‌داری، فردگرایی را-که عقلیه‌ی تمرکز بر نیازهای فردی و تمایلات خودپرستانه را ایجاد می‌کند، هم‌چنان، مصرف‌گرایی و ترویج تصویر و موضوعات جنسی فاسد را نیز تقویت می‌بخشد. به‌طور مثال: از خلال صنعت تفریح و خوش‌گذرانی، آرایش و زیباسازی و موضوعات جنسی را به هدف کسب فایده، تقدیر می‌کند. بنابر این، نظام سرمایه‌داری زن را به کالای تجارتي مبدل ساخته است؛ در حالی که سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری متکی به این اصول است. بیمناک‌تر از همه این است که "زن را همچون وسیله‌ی محرک اقتصادی برای جامعه و دولت می‌دانند؛ زیرا زن را از مقام مادر بودن دور ساخته و به بازار کار وارد کرده است. هم‌چنان مادیه‌ی گرائی تمرکز افراد را به عوض آنچه برای خانواده، اطفال و جامعه بهتر است، به تلاش برای کسب ثروت، مال و مقام متمرکز ساخته است. این روش زندگی روشی است که رابطه میان والدین و اطفال را خراب می‌کند، تمامی تعادل و نظام اجتماعی را برهم می‌زند و به انسجام جامعه تهدیدی خطرناکی را ایجاد کرده است.



رسول الله ﷺ برخلاف آن نصیحت کرده است؛ چنانچه از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرموده است:

«لَيْسَ الْغِنَىٰ عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَىٰ غِنَى النَّفْسِ»

غنا به کثرت مال نیست؛ بلکه غنا غنای نفس است.

هم‌چنان یکی از عوامل اساسی، که منجر به طلاق، دوری از ازدواج و متضرر شدن انسجام زندگی خانوادگی گردیده است، همانا نیاز زوجین، والدین و اطفال به وقت است که به سبب ساعات طولانی و کار شاقه و تلاش به رسیدن به سائر اهداف مادی، وقت کافی میان زوجین، والدین و اطفال وجود ندارد.

افزون بر آن، مفکوره‌های حقوق زن همانند تساوی حقوق زن و مرد تأثیری نابود کننده و بسا بزرگ بر خانواده و بنیان جامعه‌ی امت اسلامی گذاشته است. این مفکوره‌ها باعث بروز کشمکش و نزاع در ایفای نقش، مسئولیت‌ها و حقوق زوجی گردیده که ازدواج را در هم زده و از ارزش مادر بودن کاسته است؛ طوری که زنانی به بار آورده است که از وجوب قوامت (سرپرستی) مرد-که الله ﷻ مرد را قوام (سرپرست) زن قرار داده است- انکار نمایند و مردانی به بار آورده است که از وجائب و مسئولیت‌های شان در قبال خانواده‌شان چشم‌پوشی می‌نمایند؛ مگر این که اسلام در تعیین نقش زوجی، جنسیت را ترجیح نمی‌دهد و در هنگام تعیین وجائب و مسئولیت‌های خانوادگی به مساوات مرد و زن اهمیت نمی‌دهد. الله ﷻ فرموده است:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ

مِمَّا كَتَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [نساء: ۳۲]

آرزوی چیزی را نکنید که الله (ﷻ) برخی شما را با (اعطای) آن بر برخی دیگر برتری داده است (و مردان را در بعضی از چیزها بر زنان و زنان را در بعضی از چیزها بر مردان فضیلت داده و مرحمت روا دیده است). مردان نصیبی دارند؛ از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند؛ از آنچه به دست می‌آورند (و هر یک از زنان و مردان دارای سرشتی و حقوقی فراخور حال

خود می‌باشند؛ پس با تلاش و کوشش شبانه‌روزی رحمت و برکت الله سبحانه و تعالی را بجوئید و طلب فضل او کنید؛ بی‌گمان الله (ﷻ) کاملاً آگاه از هر چیزی بوده (و به هر نوعی، چیزی بخشیده است که شایسته‌اش بوده است).

هم‌چنان فرموده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۗ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...﴾ [نساء: ۳۴]

مردان بر زنان سرپرستانند (و در جامعه کوچک خانواده حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که الله (ﷻ) برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است (و بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند...

در کنار تأثیر ارزش‌های لیبرالی، سیکولریستی و سرمایه‌داری غربی بر امت اسلامی، هم‌چنان زنان به منزوی شدن از جامعه و از حیات عامه و نیز به محروم شدن از بعضی حقوق و فعالیت‌هایی که اسلام اجازه داده است و به پذیرفتن ازدواج اجباری و عادات مهرهای هندوییزی و سائر نظریات و توقعات نادرست از ازدواج، مواجه هستند که در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی باعث مظلومیت زن گردیده و بر انسجام زندگی خانوادگی تأثیر افکنده است. تمامی این موارد از اسلام نه؛ بلکه از تمسک به عادات و تقلید از گذشته و غیراسلامی است؛ به‌طور دقیق، دیدگاه غلط و توقعات نادرست از ازدواج در حقیقت زاده فرهنگ تقلیدی غیراسلامی است که باعث نارضایتی، به خشم آمدن و غضب زوجین گردیده است. زنان و مردانی که به این فرهنگ و تقلید متناقض با اسلام دل بسته اند، فرهنگ غربی را جایگزین فرهنگ اسلام نموده و بر احکام شریعت اسلام تعدی نموده اند.

ای خواهران! تمامی این امور ناشی از این است که ما امت اسلامی به فقدان درک اسلام



مواجه هستیم؛ در حالی که احکام شریعت اسلام مربوط به چگونگی تنظیم روابط میان مرد و زن به طور درست و چگونگی تنظیم ازدواج و زندگی خانوادگی به بهترین طریقه برای تضمین انسجام خانواده، کاملاً واضح است. این کار باعث شده است که علاوه بر ایجاد منازعات و جدایی میان شوهر و خانم و سائر افراد خانواده، در بنیان خانواده از اسلام اطاعت ننماییم؛ اما مهم‌تر از همه این است که ما بدون چگونگی راه‌حل واضح و چاره‌ی این مشکل، تنها باقی مانده‌ایم.

باید واضح بوده باشد که این همه نتایج استعمار فرهنگی نیروهای امپریالیستی و پروژه‌ی شان، مبنی بر نابودی اسلام می‌باشد و به کمک حکومت‌های مزدور جهان اسلام پیروز شده‌اند. این حکومت‌ها با نظام‌های مختلف و سازمان‌های غیراسلامی‌شان، که ارزش‌های غربی مضری که بحران خانواده را تغذیه و تقویت می‌کند، از طریق نظام‌های آموزشی و تربیتی، حمایت سازمان‌های مختلف حقوق زن و پروژه‌های شان، تأیید توافقات بین‌المللی که به هدف سیکولرسازی و نابودی احکام اجتماعی اسلام و بنیان خانواده راه اندازی می‌شود، وضع قوانین و سیاست‌های آزادی‌بخش و گوناگون برای مساوات دوجنس به سطح ملی و فراهم‌سازی زمینه‌ی باز برای رسانه‌ها به هدف انتشار و پخش موضوعاتی که به مفکوره‌ی جنسی در جامعه متمرکز بوده و از ارزش ازدواج می‌کاهد و آرامش خانواده را متضرر می‌سازد، ترویج و تطبیق نموده‌اند. به طور مثال: می‌بینیم که دستورهای قوانین جهان اسلام به التزام به تنظیم قوانین محلی طبق توافقات بین‌المللی تصریح می‌کند و تمامی سیاست‌ها و قوانین و لوائح قضائی مربوط به زن و خانواده طبق توافقات بین‌المللی متکی بر سیاست‌های "عمومی‌سازی رعایت مفکوره‌ی جنسی" وضع گردیده است. تمامی حکومت‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی به استثنای فلسطین، ایران، سودان و سومالیا "توافق سیداو" را امضاء نموده‌اند.

ترکیه "قانون جدید مدنی" را تصویب نموده است و با این توافقات همگام است. این قانون عبارتی را که تصریح می‌نمود: "شوهر ارباب (و سرپرست) خانواده است"، حذف نموده و این عبارت را- "شوهر و خانم باهمدیگر پیرامون ازدواج تصمیم می‌گیرند"- جایگزین آن نموده است. ماده‌ی ۴۱ قانون اساسی ترکیه چنین تصریح نموده است: «خانواده اساس جامعه‌ی ترکیه است.»

و نیز افزوده است: «بر اساس مساوات مرد وزن» علاوه بر این، وزارت خانواده و سیاست‌های اجتماعی در منشورات خویش جمله ذیل را استفاده می‌نماید: «خانواده محیط امن برای زن نیست.» و «ازدواج» را عامل خشونت تعریف نموده است.

جنبش‌های طرفدار حقوق زن، بازتاب و تأثیری بزرگی را در سرزمین‌های اسلامی افکنده است و ما همواره به پدیده‌ای تحت نام «حقوق زنان مسلمان» مواجه می‌شویم، که این زنان احکام اسلام مربوط به خانواده و زن را متهم به اهانت به زنان نموده‌اند. هم‌چنان به ازسرگیری تفسیر معاصر احکام فوق، یا به طور مشخص سیکولرسازی آن، احکام را توسط خود زنان فرامی‌خوانند و مطالب‌شان فوراً از سوی پارلمان‌ها پذیرفته می‌شوند.

علاوه بر آن، نظام‌های تعلیمی موجود در سرزمین‌های اسلامی به تطبیق اساسات «اختلاط مرد و زن در جامعه» از طریق نصاب‌های تعلیمی، کتب، معلمین و سائر وسیله‌های‌شان متمرکز هستند و هدف از این کار، تربیه و پرورش نسلی است که مسئولیت‌های زناشویی و خانوادگی‌شان را نمی‌دانند؛ هدفی که برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های جنس مخالف (مرد) به این اعتبار که زن را آزادی می‌بخشد، مبارزه می‌کند؛ نسل‌های که به عوض اطاعت از والدین، برای‌شان درس‌های مساوات مرد و زن را آموزش می‌دهند و تمامی این موارد توسط وزارت معارف صورت می‌گیرد. در کنار تمام موارد فوق الذکر، نظام‌های قضائی سیکولریستی همواره در سرزمین‌های اسلامی به عنوان بازوی دولت برای حمایت از پروسه ازدواج و بنیان خانواده فعالیت می‌کند که در گذشته تحت حاکمیت اسلام به معنای حقیقی‌اش برای هدف مذکور کار صورت می‌گرفت. محاکم همواره به عنوان وسیله‌ی مؤثر برای حل و فصل اختلافات زوجی به هدف حفاظت از ازدواج یا در بخش خشونت خانوادگی برای حمایت از زن، یا برای تضمین فراهم‌سازی زندگی مناسب توسط مرد برای خانواده، یا برای تضمین انجام مسئولیت مرد در برابر زن و بالعکس، فعالیت می‌نماید. برخلاف آن، تمامی تغییرات در قانون خانواده، قضایایی را حل و فصل می‌نماید که بعد از هم‌پاشیدن خانواده به وقوع می‌پیوندد؛ همانند: پرداخت نفقه، دعوای توهین و رسوایی یکدیگر، پرورش اطفال و سائر عناوین فرعی و پروژه‌های برخورد با قضایاء بعد از پایان یافتن ازدواج. گذشته از این، قوانین مذکور از خانواده حمایت و پشتیبانی نه؛ بلکه



در اکثر موارد باعث تشدید و افزایش آمار طلاق می‌گردد؛ به طور مثال: قانون "۶۲۸۴" ترکیه مخصوص حمایت از خانواده و منع خشونت علیه زنان، که به اساس توافق استانبول صادر گردید، در میان مردم مشهور به "قانون تخریب خانواده و لطمه‌زدن به ازدواج" گردیده است. این بدان خاطر است که تمامی تعریفات گنجانیده شده در دستور-از تعریف خشونت آغاز تا تطبیق لوائح- به عوض حمایت از خانواده، تضمین‌کننده‌ی از هم‌پاشیدن خانواده است؛ به طور مثال: عبارتی "برای اثبات خشونت و حکم اخطاریه، دلیل و گزارشی که خشونت را ثابت کند، لازمی نیست"، این عبارت "برائت احتمالی شوهر" را باطل می‌سازد؛ زیرا زنان فرصت طلب، از این قانون به عنوان سلاحی که بتوانند همسران‌شان را با خشونت از خانه اخراج کنند، استفاده می‌کنند.

حقوق زن و مساوات مرد و زن، نمایندگان و روان‌شناسان امور خانوادگی و یا مراکز مشاوره امور خانوادگی به بسیار آسانی مشکلات فامیلی ساده را به وقوع طلاق مبدل می‌کنند و تخمین زده می‌شود که حدود ۱,۵ میلیون تن قربانی این قانون شده‌اند. خلاصه کلام این است که نظام‌های قضائی سرزمین‌های اسلامی، برای تصحیح و حل و فصل قضایاء به طور سریع و مؤثر، نیاز به قدرت و نیرو دارند؛ چون در حل و فصل مشکلات زنان و خانواده ناکام شده‌اند. افزون بر این، نظام‌های فوق به مشکلات اجازه و خامت را می‌دهد که باعث اختلافات گناهکارانه در زندگی زناشویی می‌گردد.

گذشته از آن، در اکثریت موارد به دلیل عدم کفایت بودجه حکومتی برای رسیدگی به محاکم و قضات برای حل و فصل قضایاء و هم‌چنان به دلیل حجم مشکلاتی که بر جامعه تحت سایه نظام‌های فرسوده تأثیر افکنده است، بار سنگینی تلقی می‌گردد. علاوه بر این، قضایای محاکم بسیار پرهزینه و اکثراً از قدرت و مال متأثر است، که تمامی این موارد اسباب مانع حل و فصل منازعات زناشویی به شکل عادلانه و مؤثرانه هستند.

خواهران عزیز! هرگاه بخواهیم این بحران را به طور کامل حل و فصل کنیم، بر ما امت مسلمه من حیث امت اسلامی لازم است که یک راه‌حل بنیادی به عوامل این بحران و آنچه که این عوامل را تقویت می‌کند، بیابیم. الله عز و جل تمام افکار و اسالیب را برای نجات بشریت از

آستانهٔ هلاکت و سوق دادن‌شان از تاریکی و جهالت به سوی روشنی و هدایت، در اختیار ما گذاشته است. بنا بر این، باید راه‌حل‌های اسلامی را پخش نموده و با تمام نیرو و توان خود برای ازسرگیری تطبیق آن به شکل کامل، کار نماییم.

الله متعال فرموده است:

﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ﴾ [ابراهیم: ۱]

الر(این) کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌های(شُرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی(ایمان و عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان در آوری؛ بسوی راه الله عزیز و حمید.

شادیه الصیادی

عضو حزب التحریر-ولایه تونس



متن سخنرانی دوم

حزب التحریر - هالند

ظلمی که مفکوره مساوات بین زن و مرد

در خانواده رواداشته است!

خواهران گرامی! الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [توبه: ۷۱]

مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگر اند.

در این آیت مبارکه، الله ﷻ با حکمت الهی خود به ما می‌آموزاند که نقش و دیدگاه مرد و زن نسبت به یکدیگر و در حمایت از یکدیگر چگونه باید باشد. سبحان الله! این چه قدر زیباست! آیا دقیقاً آنچه که مرد و زن از یکدیگر می‌خواهند و توقع دارند، همین نیست؟ اما پرسشی که باید به آن پاسخ بدهیم، اینست که آیا این هدف مهم از زندگی زناشویی، که قرآن کریم به آن اشاره نموده است، توسط مفکوره "عدالت بین مرد و زن" و یا "مساوات و برابری" قابل حصول و تحقق است یا خیر؟ این موضوعی خواهد بود که به توفیق الله ﷻ، در سخنرانی امروز به آن خواهیم پرداخت.

در نخست باید بدانیم که فراخوانی به مفکوره عدالت و برابری بین مرد و زن، تنها فراخوانی جهت دستیابی زنان بر حقوق سیاسی، اقتصادی، آموزشی و قضایی شان همانند مردان نیست؛ بلکه هدف از آن وضع و حقوق و تعیین نقش‌ها برای مردان و زنان در ازدواج، زندگی خانوادگی و جامعه است که برای دستیابی به این اهداف از پوشش "مساوات بین مرد و زن" استفاده نموده و تفاوت‌های موجود بین مرد و زن را به ظلم و ائتلاف حقوق زن پیوند می‌دهند. به گونه مثال: گاهی گفته می‌شود که مردان و زنان باید در سرپرستی و تمویل مالی خانواده و امور داخل خانه و تربیه فرزندان، نقش یکسان داشته باشند و ادعاء می‌نمایند که این تمثیل‌کننده عدالت و برابری بین مرد و زن است.

مدافعین حقوق زن با پشت‌سر گذاشتن ده‌ها سال، از حق مساوات و برابری بین مرد و زن تحت این شعار-که آن‌ها جهت تضمین حرمت و شخصیت زنان، سعادت و خوشبختی آن‌ها،

ازدواج‌های بهتر و داشتن فرزندان سعادت‌مند و جوامع مترقی و پیشرفته کار و فعالیت می‌نمایند- با به کارگیری اصطلاحات به ظاهر زیبا و شیرین؛ مانند: "جایگاه زن، حقوق زن و عدالت بین مرد و زن" از یک طرف اندیشه‌های خود را نهادینه ساخته و از جانب دیگر، زنان را تحریک و آزمند نموده و عامهٔ مردم را به توجه و رعایت امورشان فراخوانده و در نهادینه‌شدن و جای‌افتادن قوانین دولت‌ها مساعده و همکاری نمودند. در جهت دیگر، کسانی را که با این جنبش‌ها از درِ مخالف پیش آمدند و خواستار این شدند که باید نقش هریک از مرد و زن در خانواده به صورت درست تعریف گردد، عقب‌گرا و مرتجع خواندند و آن‌ها را به حمایت از ستمی که در حق زنان روا داشته می‌شود، متهم نمودند؛ با این وجود، پوشش به ظاهر شیرین آن‌ها، طعم و مزهٔ تلخ و تندی را در خود پنهان نموده است.

بلی، طعم مساوات بین مرد و زن، دقیقاً یک تجربهٔ خطرناک در مهندسی جامعه بوده که باعث خرابی‌های غیرقابل جبران و فراوانی در قضیهٔ ازدواج، مسایل مادری و یکپارچگی خانواده می‌گردد و علاوه از تولید بستهٔ بزرگی از مشکلات برای جوامع، فقر و دشواری‌های غیرقابل توصیف را برای زنان، اطفال و مردان به بار آورده و می‌آورد. این از جهت این بود که مفکورهٔ تساوی‌خواهی، زنان را تشویق و تحریک می‌نمود که باید حقوق و وجایب خود را به گونهٔ یکسان به دست آورند؛ صرف نظر از این‌که چی چیز برای زنان، اطفال و مردان و در کل برای جامعه بهتر و شایسته‌تر است. رویکردی که بر محور زنان در تنظیم زندگی خانوادگی می‌چرخید و رویکرد کوتاه‌بینانه‌ای که مبتنی بر جنسیت استوار گردیده بود، در حل مشکلات جامعه منجر به سردرگمی گردیده و باعث اختلاف در زندگی زناشوی و مسئولیت‌های والدین شده بود که این همه باعث نادیده گرفتن حقوق اطفال و آسایش آن‌ها گردیده، جایگاه مادری و مادر بودن را پایین برده و نقش برانندهٔ زن را به عنوان مادر و رئیس خانه، نابود ساخته است. دابلی اولیری، روزنامه نگار زن و استاد در امریکا و یکی از مخالفان فلسفهٔ فمینیستی (زن‌گرایی) در کتاب خود نوشته است: «طرفداران و مدافعین فمینیزم ادعاء نموده‌اند که پیشرفت و تقویت زنان را ترویج می‌دهند؛ اما به نظر من، فمینیزم یک ایدهٔ بسیار تحریف‌شده و زشت در بارهٔ معنای زن بودن است و ایدهٔ دورتر از آن‌چه که پیشرفت نامیده می‌شود، می‌باشد.»



جدا از این همه، عدالت بین مرد و زن و مفکورهٔ اساسی آن در مورد تساوی و برابری بین دو جنس، از خواستگاه و زادگاه آن، که کشورهای غربی است، در نتیجه سیاست‌های استعماری، قوانین نظام‌های سیکولر و حکومت‌هایی که ارزش‌ها و دیدگاه‌های غربی را ترویج می‌دهند، پافراتر گذاشته و به سرزمین‌های اسلامی سرایت و انتقال نموده‌است. دولت‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی با راه‌اندازی برنامه‌های حقوق زن، از مجراهای مختلفی؛ مانند: جای‌دادن آن در قوانین اساسی و سایر قوانین، رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی در صدد ترویج این مفکوره‌ها هستند؛ چنان‌چه این امر در قانون احوال شخصی کشور تونس قابل مشاهده و دید است و این قانون جدا از قانون اساسی جدید است که در آن از حق مساوات و برابری کامل بین مرد و زن در جامعه، دفاع و حمایت شده است و نیز ترویج این مفکوره را می‌توان از خلال جنبش‌ها و حرکت‌های موجود در سرزمین‌های عربی، که خواستار نهادینه‌سازی آن از طریق نظام آموزش و پرورش شده بودند، مشاهده نمود. بهترین مثال در این زمینه کتاب‌های تعلیمی هستند که زن را مادر و همسر تصویر نموده‌اند؛ اما امروزه این کتاب‌ها کهن و قدیمی خوانده شده و گفته می‌شود که باید در آن‌ها تغییر و دگرگونی آورده شود. هم‌چنان دولت‌های سیکولر در سرزمین‌های اسلامی به جنبش‌های فیمینستی اجازهٔ هر نوع فعالیت را در جهت پخش و نشر افکار فاسدشان، در داخل این جوامع داده‌اند. این علاه بر پیمان‌ها و توافقنامه میان کشوری، مانند موافقتنامهٔ مبارزه علیه تمام انواع تبعیض علیه زن، که ترویج‌کنندهٔ قوی مساوات بین مرد و زن، از طریق قوانین و سیاست‌های دولت‌ها می‌باشد.

در نتیجه، افراد زیادی از امت اسلامی نوع دیگری از قانون مساوات میان مرد و زن و افکار فیمینستی را به باور این‌که این افکار و مساوات باعث احترام و پیشرفت زن در کشورهای اسلامی و هم‌چنان باعث ارتقای جوامع‌شان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد شد، اختیار نمودند. در واقع آن‌ها شکل‌گیری دیدگاه ما را بر ضد این موضوع-که پیشرفت زن مسلمان به عنوان یک خانم و مستقل از شوهرش، از لحاظ مالی که در نقش‌ها و مسئولیت‌های او شرکت نموده و به جای این‌که یک خدمت‌گذار مخلص برای پروردگارش؛ کسی که پیشرفت و کامیابی او را به عنوان یک همسر تضمین نموده است، فقط یک وظیفهٔ پیشرفته داشته باشد،

تحقق می‌یابد- تجدید نموده‌اند که در نتیجه این کار شک و بدبینی‌هایی را میان افراد زیادی از امت اسلامی در مقابل خانوادهٔ مسلمان و احکام اجتماعی اسلام؛ مانند: سرپرست بودن مردان، اطاعت زن از شوهر، نقش اساسی زن به عنوان خانم خانه و مربی فرزندان، تعدد زوجات، احکام طلاق و احکام میراث به وجود آورده است. این احکام به برتری دادن مردان نسبت زنان یا تعبیر از غلامی زنان برای مردان به سبب اختلافات موجود میان مرد و زن، متهم شده‌اند و به عوض اعتراف به این‌که این اختلافات انعکاس اعتراف اسلام به تفاوت‌های جنسیتی میان مرد و زن بوده و سپس وسیله‌ای برای تنظیم خانواده و ایجاد یک جامعهٔ فعال و سالم می‌باشد، این اتهامات را می‌بندند.

هم‌چنان بعضی از مسلمانان با استفاده از دلایل دروغینی با این ادعاء، که اسلام آن‌ها را تأیید نموده است، مساوات میان مرد و زن را ترویج می‌دهند؛ چنان‌چه امروزه شاهد آنچه که "فیمینیزم اسلامی" نامیده می‌شود، هستیم؛ یعنی زنانی که خواهان اعادهٔ تفسیر نصوص اسلامی از خلال پذیرفتن مساوات میان مرد و زن؛ مانند: احکام اسلامی در مورد میراث، طلاق، نقش و حقوق زناشویی هستند؛ گویا این‌که برای مردان و زنان یکسان می‌باشد؛ ولی در حقیقت مسلمانانی که داستان عدالت میان جندر (مساوات بین زن و مرد) را قبول نموده و پذیرفته‌اند، در فهم مفاهیم حرکت‌های فیمینستی به اشتباه رفته‌اند؛ طوری که مفکورهٔ مساوات میان مرد و زن، در حقیقت دعوت به سوی این نظریه، که بالای زن لازم است تا حقوق و نقش خود را در زندگی خودش تعیین نماید، بوده و این مفکوره به شکل اساسی با عقیدهٔ اسلامی در تناقض قرار دارد؛ زیرا در اسلام مردان و زنان حقوق، وجایب و مسئولیت‌های‌شان را بر اساس مساوات یا هم بر اساس علایق خاص خودشان تعیین نمی‌کند و تنها بر اساس احکام الهی این کار را می‌کند، چنانچه الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُّبِينًا﴾ [احزاب: ۳۶]

هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که الله (ﷻ) و پیغمبرش (ﷺ) دآوری کرده باشند (و آن را



مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند(و اراده ایشان باید تابع اراده الله ﷻ و رسول ﷺ باشد) هرکس هم از دستور الله(ﷻ) و پیغمبرش(ﷺ) سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد.

علاوه بر آن، اسلام احکامی را در مورد بعضی از تفاوت‌های روشن در وظایف، مسئولیت‌ها و حقوق مردان و زنان در داخل خانواده و در جامعه ارائه نموده است؛ چنانچه الله ﷻ می‌فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾

[نساء: ۳۴]

مردان بر زنان سرپرستانند(و در جامعه کوچک خانواده حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که الله ﷻ برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است (و بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود(برای خانواده) خرج می‌کنند.

هم‌چنان پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ، وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (صحیح مسلم؛ حدیث شماره ۱۸۲۹)

ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: هرکدام از شما مسئول است و هریک از شما در مورد زیردستانش سؤال خواهد شد. امیری که بر مردم گماشته شده، مسئول رعیت می‌باشد. مرد مسئول خانواده و زیردستانش می‌باشد. زن در خانه شوهر مسئول زیردستان و فرزندان خود است. خدمت‌گذار مسئول است و از او در مورد اموال صاحبش و مسئولیت‌های دیگرش

سؤال خواهد شد. همه شما مسئول هستید و از شما در مورد مسئولیت‌تان، سؤال خواهد شد.

علاوه بر این، زن مسلمان کامیابی خود را در خلال مقایسه خودش با مرد و حقوق و وجایب او نمی‌داند؛ بلکه به روشی تکیه می‌کند که خالقش برای او ترسیم نموده و از طریق انجام وظایفی که الله ﷻ برای او توصیف نموده است، به این هدف دست می‌یابد؛ چنان‌چه الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [نساء: ۳۲]

آرزوی چیزی را نکنید که الله (ﷻ) برخی شما را با (اعطای) آن بر برخی دیگر برتری داده است (و مردان را در بعضی از چیزها بر زنان و زنان را در بعضی از چیزها بر مردان فضیلت داده و مرحمت روا دیده است). مردان نصیبی دارند؛ از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند؛ از آنچه به دست می‌آورند (و هر یک از زنان و مردان دارای سرشتی و حقوقی فراخور حال خود می‌باشند؛ پس با تلاش و کوشش شبانه‌روزی رحمت و برکت الله سبحانه و تعالی را بجوئید) و طلب فضل او کنید؛ بی‌گمان الله ﷻ کاملاً آگاه از هر چیزی بوده (و به هر نوعی، چیزی بخشیده است که شایسته‌اش بوده است).

در واقع مسلمانانی که گروهی افکار جنبش فیمینستی گردیده‌اند، در شناخت این افکار-که مفاهیم آن نتیجه تجارب تاریخی از ظلم، سرکوب و نابودی حقوق سیاسی، اقتصادی، تعلیمی و قانونی زنان در کشورهای غربی می‌باشد و زنان در کشورهای غربی به سبب زندگی کردن در تحت نظام سیکولریستی ساخته‌بشر دچار آن گردیده‌اند- ناکام گشته‌اند و تاریخ و تجربه در اسلام و احکام اسلامی هیچ نقشی ندارد؛ ولی مهم‌تر از آن، مسلمانانی که داستان عدالت میان مرد و زن را پذیرفته‌اند، در شناخت حقیقت میزان ویرانی اجتماعی، که مفکوره مساوات میان مرد و زن و سایر مفاهیم فیمینستی را برای بنیاد خانواده، زنان، اطفال و تمام جامعه به بار آورده است، ناکام گشته‌اند که قرار ذیل خلاصه می‌کنیم:



۱. کاهش در میزان ازدواج‌ها، فاصله میان ولادت‌ها و افزایش روابط خارج از چارچوب ازدواج در کشورها: اولاً این‌که جنبش فیمینستی و مساوات میان مرد و زن، بیزاری‌ها را نسبت به ازدواج با چند همسر با ادعای این‌که یک میکائیزم سرکوب‌کننده برای زنان بوده و فایده‌مرد نسبت به زن در آن بیشتر است و این‌که زن در لباس همسر، در واقع غلامی برای شوهرش می‌باشد، ایجاد نموده است؛ چنان‌چه این مفکوره باعث شده تا بیشتر زنان به نقش مادری و همسر بودن خودشان به عنوان نقش درجه دوم نگرسته و کم‌ترین تلاش را در عرصه انجام وظایف‌شان به خرج دهند. تمام این موارد باعث شده تا اکثریت زنان اقدام به تأخیر و یا نپذیرفتن ازدواج یا هم مادر نشدن نمایند که سبب کاهش در میزان ازدواج‌ها و ولادت‌ها گردیده است و در کشورهایی که بیشتر باشندگان آن‌ها را افراد مسن و سالخورده تشکیل می‌دهند، از نتایج همین مفکوره می‌باشد. علاوه بر آن، تشویق جنبش‌های فیمینستی به آزادی‌های جنسیتی باعث افزایش چشمگیری در روابط خارج از چارچوب ازدواج؛ منجمله زنا گردیده است؛ چیزی که عامل اصلی مرض ویرانگر برای ازدواج بوده و منجر به پیدایش تعداد زیادی از اطفال در خانواده‌ها از هم پاشیده و در اثر روابط خارج از چارچوب ازدواج گردیده است و به تعقیب آن، افزایش در موارد بیرون‌راندن فرزندان از کشور از اسباب ایجاد درد و رنج در نزد خانواده‌ها می‌باشد.

۲. نزاع و کشمکش در میان زن و شوهر: ثانیاً حرکات فیمینستی و مساوات میان مرد و زن، در پیدایش نزاع و اختلافات در زمینه مسئولیت‌های هریک از پدران و مادران به وسیله قبولاندن نقش‌ها و وظایف مشخص و روشن در داخل خانواده‌ها از آن‌چه که به زن و شوهر از تمویل خانواده، کارهای منزل و سرپرستی فرزندان تعلق می‌گیرد، نقش اساسی داشته است.

۳. فشار آوردن بالای زنان بخاطر کار نمودن: سوم، بدون شک داستان فیمینستی (مساوات میان مرد و زن) به این هدف، که باید نقش مردان و زنان در زندگی یکسان بوده و این‌که ارزش زن توسط کار نمودن در بیرون و داشتن استقلال مالی از مردان به دست می‌آید، باعث ایجاد جوامعی گردیده است که در آن‌ها کار کردن زنان در بیرون اختیاری نبوده؛ بلکه از آن‌ها توقع می‌رود تا کار کنند. وضعیت این چنین است که حتی مادران ازدواج نکرده باید به تنهایی مسئولیت سرپرستی و تربیت فرزندان‌شان را تحمل نمایند. به همین دلیل، اغلب زنان به پذیرفتن نقش مرد

به عنوان رئیس، برای فامیل‌های‌شان مجبور نشده و با وجود تمایل به ماندن در خانه و سرپرستی فرزندان‌شان، غلامانی برای بازارها می‌شوند.

در سال ۲۰۱۳م، روزنامه انگلیسی گاردین مقاله‌ای را تحت عنوان "طوری که معلوم می‌گردد، افزایش مادران خانه‌دار، کم‌ترین کامیابی در عرصه مساوات می‌باشد" به نشر سپرد؛ چنان‌چه مقاله به آماری از گزارش ارائه شده از سوی مرکز تحقیقاتی بیو که بر اساس آن در ۴۰ درصد از تمام خانواده‌های امریکایی که دارای فرزند هستند، مادران یگانه سرپرست اساسی می‌باشند، استدلال نموده است. مقاله بیان نموده است که چگونه اغلب ۴۰ درصد؛ یعنی ثلث مادران مجرد بوده و اکثریت آنان بخاطر حمل نمودن مسئولیت‌های سرپرستی خانه و فرزندان به پشتیبان نیاز دارند. مقاله تصریح نموده است: «مادران ازدواج‌شده به صورت خاص، بودن‌شان به عنوان سرپرست اصلی خانواده، گویا کم‌ترین کامیابی برای فیمینیزم به سبب آنچه که از مشکلات و فساد گسترده دامنگیر آن‌ها شده و از حمایت کافی برخوردار نیستند، به شمار می‌رود.

۴. پایمال شدن حقوق فرزندان: چهارم این‌که حرکت فیمینستی مادران را به اماکن کاری به نام مساوات میان مرد و زن سوق داده است؛ چیزی که نقش حیاتی آن‌ها را به عنوان مادر ضعیف ساخته و باعث شده است تا احتیاجات فرزندان‌شان را نادیده بگیرند؛ پس با موجودیت پدر و مادر به عنوان سرپرست، این کار بصورت منفی بالای توانایی‌های خانواده در تربیه فرزندان‌شان تأثیر گذاشته است. در یک مطالعه پژوهشی که در مرکز تحقیقاتی بیو در سال ۲۰۱۳م در امریکا انجام شده، ۷۵ درصد از افراد گفته اند که افزایش روزافزون زنان کارگر، خانواده‌ها را در تربیه فرزندان‌شان با مشکل روبرو ساخته است.

پروفسور مارتا البرتسون فینمان، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌ها در نظریه قانون فیمینیزم، ایجاد خانواده دارای پدر و مادر را به یک مؤسسه‌ای که سرپرست توانا ندارد، توصیف نموده است؛ در حالی که بریندا آلموند، استاد فلسفه اخلاقی و اجتماعی و مؤلف کتاب "خانواده ازهم پاشیده" نوشته است که به نظر او بالا رفتن میزان مادران کارگر، حتمی بودن غیاب والدین را از خانه در جریان روز الزامی ساخته است؛ چنان‌چه به سبب زمان کمی که مادران کارگر برای سرپرستی فرزندان‌شان سپری می‌کنند، از سوی تعداد زیادی از افراد جامعه مورد ملامتی قرار



گرفته‌اند؛ زیرا این کار یکی از دلایلی است که باعث ایجاد خصلت کناره‌گیری و غیراجتماعی بودن میان جوانان شده است؛ چیزی که امروزه اکثریت جوامع ما دچار آن گردیده و بالای صحت عقلی و نقش یادگیری فرزندان تأثیر گذاشته است.

۵. دشوار شدن وضعیت زندگی زنان: پنجم این‌که افزایش فشارها بالای زنانی که مجبور به قبول کشمکش میان فشار کار و مسئولیت‌های زندگی خانوادگی هستند، باعث افزایش موارد اضطراب و اندوه در نزد این زنان شده است. مطالعه‌ای که در ۳۰ کشور اروپایی از سوی دانشکده علوم سیستم عصبی و انساج انجام شد و در سال ۲۰۱۱م به نشر رسید، دریافته است اضطرابی در میان زنان اروپایی در طول چهار سال گذشته به سبب هدف غلطی که به وجود آورنده اصلی مجبوری در میان مکلفیت‌های خانوادگی و مطالبات کاری می‌باشد، افزایش یافته است. چنانچه در سال ۲۰۰۹م مرکز ملی معلومات خدمات در انگلیس یادآور شده بود که افزایش چشم‌گیری در میزان زنانی که دچار مجبوری به تلاش شدید به دلیل فشارهای حفظ وظیفه، تربیه فرزندان و سرپرستی والدین سالخورده شده‌اند، به وجود آمده است. به همین دلیل، دعوت به سوی مساوات میان مرد و زن نوعی از انواع ظلم گردیده است؛ چنانچه رویای "ای زن، هرآنچه می‌خواهی به دست آور" به کابوس "ای زن، هرکاری را انجام بده" مبدل شده است؛ طوری که از فشارهای خانم خانه و نان‌آور خانه بودن به حدی که از مشکلات آن فرار کرده نمی‌تواند، به حد کافی رنج می‌برد و این مفکوره دورتر از آنست که برای زن بهشت عدل و انصاف باشد.

۶. مادر بودن ارزش خود را از دست داده است: در اخیر، ترویج فیمینیزم برای مکلفیت‌های زنان خانه و تربیه فرزندان‌شان به مثابه از بین بردن استعدادهای آنها بوده و آنها را از فراهم ساختن امکانات واقعی برای خودشان در جامعه و این‌که گرفتن وظیفه و کار کردن برای آنها ارزش، احترام، کامیابی و آرامش به ارمغان می‌آورد، آنها را با رنج مواجه ساخته است؛ چیزی که تأثیر منفی بالای دیدگاه جامعه در مورد اهمیت حیاتی مادر بودن گذاشته است. آنانی که نظریه نقش اساسی زن را به عنوان همسر و مادر بودن تأیید می‌کنند، به تحقیر زنان و دیدن به آنها به عنوان وسیله‌ای برای تولد فرزند، متهم شده‌اند. این علاوه بر واقعیتی است که سرپرستی سالم



طفل و تربیه او یکی از چندین اصول ارزش‌مند در جامعه به شمار می‌رود.

در نتیجه آن مادرانی که در تربیه فرزندان‌شان مشغول هستند، سرپرستان درجه دوم و غیرقابل احترام به حساب رفته و چنان گشته‌اند تا احساس خجالت نمایند؛ گویا این‌که با نظریه آزادی زن خیانت نموده و به شکل کامل در جامعه سهم نمی‌گیرند؛ به زندگی آن‌ها طوری نگاه می‌شود که گویا آن‌ها نیازمند داشتن هدف بوده و در بسیاری از موارد به عنوان افراد طبقه پایین جامعه، بی‌سواد، دارای کم‌ترین مهارت، کم‌ترین پیشرفت و دارای کم‌ترین ارزش در جامعه به آن‌ها نگرسته می‌شود. از اینجاست که پرداختن به نقش‌های مردان و وظایف آن‌ها، معیار طلایی برای‌شان به شمار می‌رود. دعوت به تأمین مساوات میان مرد و زن باعث نقض کلی نظریه آرامش زن شده است و نیز سبب پایین آمدن ارزش او و حتی پایمال شدن طبیعت بیولوژیکی و خاصیت منحصر به فرد او به عنوان حامل نوع بشر شده است؛ چیزی که ارزش او را به عنوان زن کم ساخته است.

و در خاتمه، خواهران گرامی! مساوات میان مرد و زن یک مفهوم پراکنده و مسبب بدبختی در جامعه بوده که باعث ضرر رساندن بی‌حد به اتحاد و همبستگی زندگی خانوادگی و رفاه فرزندان شده است. نادیده گرفتن طبیعت بیولوژیکی زنان به عنوان حامل‌کنندگان نوع بشر، تلاشی است برای قبولاندن این‌که آن‌ها از این ناحیه دارای هیچ‌گونه اهمیتی نیستند؛ در حالی که لازم است تا این ویژگی آن‌ها عامل اصلی در تعیین نقش‌ها و حقوق آن‌ها در زندگی مشترک و زندگی خانوادگی میان مرد و زن به شمار رود؛ چنان‌چه رد نمودن نظریه مادر بودن-که محور اصلی و مرکزی زندگی طفل می‌باشد- علاوه بر آن، رقابت و کشمکش را در میان مردان و زنان به جای همکاری، حمایت و تأیید یکدیگر به وجود آورده است.

الله ﷻ در آیه قرآنی، که در ابتدای سخنانم یادآور شدم، به آن امر کرده است و از اینجاست که نظریه تعیین نمودن حقوق و نقش‌های زن توسط خودش او را از ظلم نجات نداده؛ بلکه به اشکال گوناگونی از ظلم و بیچارگی دچار می‌سازد؛ زیرا این دیدگاه فردی فشرده و در حد یک نظریه فیمینیزم همیشه نسبت به آنچه که برای تمایلات و مصالح بهتر است، تجاهل نموده و آنچه که برای زن و شوهر، فرزندان و یک زندگی آرام خانوادگی و در مجموع به خیر جامعه است،



نادیده می‌گیرد. علی‌الرغم آن، مفکوره مساوات میان مرد و زن و عدالت میان آن‌ها یک مفکوره بیگانه و غیراسلامی می‌باشد که همیشه از طریق یک سلسله قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌ها به عنوان یک مفهومی که باعث رشد جایگاه زن می‌شود، بالای سرزمین‌های اسلامی تحمیل می‌شود.

بدون شک، بالای همه‌ای ما به عنوان مسلمان لازم است تا به عوض تکرار نمودن تجارب ناکام اجتماعی بیگانه‌ها، به دین، ارزش‌ها قوانین و نظام اسلامی و الهی، که دارای منهج سالم و آزموده شده جهت تنظیم نقش‌ها، وجایب و حقوق مردان و زنان در حداکثر سهولت و هم‌چنان ایجاد وحدت منسجم و مستحکم خانوادگی می‌باشد، استوار بوده و چنگ بزیم؛ زیرا بدون شک، اسلام پاسخ‌ها و ارشادات مفصلی را در تمام عرصه‌های زندگی برای ما ارائه نموده است. بدین سبب، بالای ما لازم است تا جهت حل مشکلات مختلفی که امروزه فواره زنان، فرزندان و خانواده‌ها قرار گرفته است، بسوی دین‌مان متوجه شویم. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [نحل: ۸۹]

و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرده‌ایم که بیان‌گر همه چیز (امور دین مورد نیاز مردم) و وسیله هدایت و مایه رحمت و مژده رسان مسلمانان (به نعمت جاویدان یزدان) است.

یاسمین مالک

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر



متن سخنرانی سوم

حزب التحریر - ولایه پاکستان

نقش رسانه‌ها در تضعیف ازدواج

و زندگی خانوادگی

خواهران عزیز و مهمانان گرامی!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

آنچه روی آن بحث خواهیم کرد، تأثیر رسانه‌ها بالای خانواده‌ها و فامیل‌های مان می‌باشد. برای فهم و طبیعت تأثیر آن اجازه دهید پاکستان را به عنوان مثال به بحث گیریم. طبق گزارش‌ها حدوداً ۵۵,۷ درصد از بانوان خانواده‌های پاکستانی دارای تلویزیون‌های رنگه استند و آمار حقیقی آن به مراتب بیشتر از این است؛ زیرا این آمار تلویزیون‌ها، سیاه و سفید را شامل نمی‌شود. بنابر این، خانواده‌ها معمولاً با یکدیگر متحد شده و پای یک تلویزیون نشسته و تماشا می‌کنند؛ چنانچه تخمین زده شده است، حدود ۱۷ درصد از پاکستانی‌ها از اینترنت استفاده می‌کنند، با توجه به این که درصد واقعی تعداد نت کافی‌ها حتی بالاتر از آن است.

این آمارها پرده از یک واقعیت بر می‌دارد؛ واقعیت این است که رسانه‌های امروزی به شکلی شدید و خطرناکی بر جهان اسلام از جمله پاکستان تأثیر گذاشته است. در پاکستان که فقر گسترده است، تلویزیون‌ها و تلفون‌های هوشمند همراه، امکانات رفاهی مردم است. صرف نظر از این که این دستگاه‌ها نه جوان می‌گوید و نه بزرگ؛ به همه اجازه می‌دهد تا وارد دنیای سرگرمی‌های تلویزیونی و ارتباطات الکترونیکی، منطقه‌یی و جهانی شوند. در پانزده سال اخیر شاهد افزایش تولید مجلاتی هستیم که زنان و مردان خصوصاً جوانان را هدف قرار می‌دهد؛ هم‌چنان روزنامه‌ها دارای برنامه‌های اند که به اخبار افراد مشهور و سرگرمی‌ها اختصاص دارد. این اشکال مختلف رسانه‌ها تأثیر زیادی بر جامعه ما داشته اند؛ آگاهانه یا ناخودآگاه، مردم به دنبال چنین خبرهایی هستند که دنبال می‌کنند و ارزش‌هایی که رسانه‌ها روی آن تمرکز می‌کنند، پایه‌ای برای اقدامات و رفتارشان گردیده است.

این وضعیت زمانی آغاز شد که جنرال مشرف توانست رسانه‌های خصوصی را به شکل سرسام‌آور افزایش دهد؛ افزایش دسترسی به کانال‌های کیبلی، ماهواره‌ای، اینترنتی... در طول این دوره، رسانه‌های چاپی نیز رونق گرفت؛ برای مثال: اگرچه تعداد محدودی از افراد متعلق به آن



هستند، در پاکستان سه غول رسانه‌ای وجود داشته و بسیاری دیگر به زبان اردو و انگلیسی نیز در دسترس عموم هستند. در نتیجه، اکثر مردم تأثیر رسانه‌ها را در زندگی‌شان به ویژه خانواده‌ها و جوانان در پاکستان احساس می‌کنند.

اگر ما به رسانه‌های محلی در پاکستان نگاه کنیم، در می‌یابیم که در طول دو دهه اخیر تغییر واضح به میان آمده که این تغییر هردو گروه از مردان و زنان را شامل و به تأثیر روابط فامیلی در جامعه ما می‌پردازد. از این رو، پاکستان از بازیگران درامه‌هایی که در آن بازیگران غیرمحارم ممنوع بود، که یک دیگر را لمس کنند، به بازیگران درامه‌هایی که بازیگران در آن تعامل آزادانه با توجه به خواست‌های خود برای بیان هنر و مشاهده واقیعت زندگی زناشویی دارند، انتقال نمود. هم‌چنان بازیگران زن و مرد به ستاره‌ای رسانه‌ای مانند بازیگران غربی تبدیل گردیده‌اند و روابط خارج از چارچوب ازدواج را به زبان می‌آورند که عبارت اند از "عشق" یکی بر دیگر است، می‌پردازند. با این حساب، تأثیر ارزش‌های اسلامی و خطوط سرخ از بین رفته و در حال حاضر مدرنیته، آزادی و هنر جایگزین آن گردیده‌است.

چنین درامه‌ها و فیلم‌ها با هدف ریشه‌کن ساختن ارزش‌ها و اصول اسلامی مشاهده کننده‌گان در سرزمین‌های اسلامی از جمله دیدگاه‌ها و انتظارات‌شان از ازدواج در زندگی مطابق با افکار غربی لیبرالیستی؛ مانند مفهوم آزادی جنسی و استفاده از این عقاید غیراسلامی به عنوان اساس برای اصول و مبادی مان در روابط زناشویی به هدف پایین آوردن منزلت ازدواج، ضعیف ساختن و کاهش دادن یکپارچگی خانواده صورت می‌گیرد. با این وجود، روش زندگی و افکار آزادی خواهانه غربی در جوامع ما به یک امر عادی و طبیعی مروج گردیده و این قطعاً توسط دولت‌های منطقه‌ای و سیاست‌های رسانه‌ای‌شان مورد حمایت قرار می‌گیرد.

جنرال مشرف، دسترسی بی‌قید و شرط به کیبل و ماهواره‌های پاکستان را آغاز کرد و به مردم اجازه داد به طور مستقیم به رسانه‌های غربی و هندی دسترسی داشته باشند. می‌توانیم تأثیر این را در جامعه مان به وضوح مشاهده کنیم، تاجایی که این بازیگران مرد و زن از رسانه‌های غربی پیروی کرده و ارزش‌هایی که آنان اتخاذ می‌کنند؛ نحوه لباس پوشیدن و زندگی آنان را که زیبا و عصری گردیده است، در زندگی‌شان تمثیل می‌کنند.

پاکستان در حال حاضر از جانب تمدن هند با مردم دچار مشکل شده‌است، از طریق مفهوم ثقافت و فرهنگ آسیایی و فرهنگ مشترک مان، بسیاری از آداب و رسوم آن‌ها در چشم‌انداز ازدواج، روابط بین شوهر و همسر و خانواده را پیهم تحت تأثیر قرار داده است. مشکلات ناشی از این آداب و رسوم اغلب موضوع بسیاری از نمایش‌ها و برنامه‌هایی گفت‌وگویی است. تصویر کلیشه‌ای از "مادرزن" که بالای دختر و شوهرش در تمام حالات زندگی سیطره دارد، منبع مهمی برای تنش و ناراحتی در بسیار از ازدواج‌ها است و اغلباً در شرایط تراژیدی یا کمیدی از سوی رسانه‌ها نمایش داده می‌شود. بدبختانه که راه‌حل برای از این قبیل مشکلات از ثقافت غربی می‌آید؛ نه از اسلام.

متأسفانه این نه تنها در پاکستان اتفاق می‌افتد؛ بلکه در سراسر جهان اسلام نیز رخ می‌دهد. در سال گذشته، وزیر فرهنگ و سیاحت ترکیه در پارلمان با افتخار اعلام کرد که ترکیه دومین صادرات سریال تلویزیونی را بعد از امریکا برای بار اول در سطح اروپا دارا است. چگونه می‌توان چنین چیزی منع‌گرور و افتخار باشد؛ زمانی که این رسانه‌ها روابط نامحرم و جسارت در شهره‌ساختن اختلاط بین زن و مرد و حتی روابط خارج از چارچوب ازدواج را زیر شعار غربی "عشق بر تمام سختی‌ها غلبه می‌کند"، تبلیغ می‌کنند؛ آن‌ها هم‌چنان برهنگی را بر روی صفحه تلویزیون و اختلاط ممنوعه را در روابط رایج و تبلیغ کردند، تا جایی که عده‌ای حتی با عث فساد جنسی و روسپیگری می‌شوند. آن‌ها این رفتار را طبیعی و قابل قبول ساخته و تنها انگیزه رابطه میان مردان و زنان دانسته شده و یگانه اساس آن "عشق" و جنس مخالف است. با ادعای آزادی کامل آنان را از قیودات و محدودیت‌هایی که اسلام وضع نموده، آزاد می‌نمایند. سریال‌های درامه‌یی و فیلم‌ها، قصه‌های از عشق و رمان‌های جذاب را برای بینندگان به عنوان یک راهنمای کلی از بهر برقراری روابط با جنس مخالف، از جمله انتظارات ازدواج، می‌سازند. با این حال، آنچه‌که در معرض آن‌ها قرار دارد، دور از حقیقت است؛ زیرا انتظارات غیرواقعی را به وجود می‌آورند که منجر به خطا و درک دروغین به آنانی که به دنبال ازدواج هستند، می‌شود. در چنین حالت مفهوم زندگی زناشویی به "رمان‌های خیالی" بر اساس عشق، بدون توجه به مسئولیت‌های ازدواج، سختی‌ها و چالش‌های زندگی استوار می‌گردد.



چنانچه شوهر خیالی و ایده‌آل در این فیلم‌ها و سریال‌ها، خوش‌تیپ، دلکش، زیبا و جوان سرمایه‌دار؛ مردی که برای همسرش دائم هدایایی می‌دهد، به معرفی گرفته می‌شود؛ اما در مورد همسر؛ او باید زیبا، جذاب و همیشه دارای کنسرت‌ها بوده و با شوهرش به هر جا سفر می‌نماید؛ زیرا او نمی‌تواند مسئولیت‌هایی را در زندگی زناشوه‌ری یا واجبات فامیلی است، متحمل گردد. نتیجه این طرز دید و تفکر چنان می‌گردد که پسران جوان و دختران جوان، که چنین درامه‌ها و سریال‌ها را مشاهده می‌کنند، به دنبال این ویژه‌گی‌ها در شریک زندگی‌شان مطابق با استندردهای جسمانی و فیزیکی و توانایی مالی که این سریال‌ها و فیلم‌ها به نمایش می‌گذارند، قطع نظر از دین و اخلاق آنان برآنچه اسلام بدان فرامی‌خواند، می‌گردند. این مردان و زنان جوان به سرعت با واقعیت مسئولیت‌ها و وظایفی که پس از ازدواج به آن‌ها داده می‌شوند، مواجه می‌شوند.

این یک مقدمه برای شکست در زندگی زناشوه‌ری است؛ زیرا هر دو طرف در جست‌وجوی مظهر بدون جوهر است و هریک طرف به دنبال شریک زندگی است که با "داستان عاشقانه" با آن زندگی کند؛ همان‌طوری که در نمایشنامه‌ها می‌بیند.

این طرز تفکر توسط رسانه‌ها توسعه یافته به آنانی که به دنبال ازدواج استند، محدود نمی‌گردد؛ بلکه به زوج‌های متأهل نیز می‌رسد. تعقیب‌کننده‌گان این سریال‌ها، به ویژه زنان دریافته‌اند که زندگی آنان یکنواخت بوده و با سبک زندگی‌ای که بازیگران سریال‌ها دارند، در معرض وسوسه قرار گرفته و تقاضاهای غیرواقعی یا غیرقابل تحقق در زندگی پیدا می‌گردد. تمام این انتظارات غیرواقعی دروازه مشکلات مادی، درگیری‌ها، رقابت و ناراحتی‌ها را در زندگی باز می‌کند؛ بخصوص زمانی که شریک زندگی با معیارهای بدور از واقعیت و از سوی رسانه‌ها ساخته می‌شود، جست‌وجو می‌کند، در نهایت منجر به طلاق می‌شود.

در یکی از مقالات علمی مجلات آکسفورد که در جنوری ۲۰۰۶م به نشر رسیده است، پروفیسور "کریس سیجرین" -بخش روابط در پوهنتون اریزونا- ذکر نموده است: «یکی از دلایل آمار بلند طلاق در جامعه ما اینست: تمرکز بر روی انتظارات و توقعات غیرواقعی که مربوط به ازدواج می‌گردد، از سوی رسانه‌ها به عنوان مصدر و منبع اساسی شناخته می‌شود.» رسانه‌ها به هدف ازدواج برای دستیابی به خواست‌ها و نیازهای شخصی متمرکز شده‌اند. این توقعات



غیرواقعی ازدواج را از جامعه دور ساخته و یا آنچه در روند نسل بشر است، منقرض می‌گردد. بنابر این، استفاده از منهج فردی ادامه دهنده این طرز تفکر بوده و سیمای ازدواج و تمام نواحی آن و زندگی زناشویی را در بر می‌گیرد.

تمام این سریال‌ها و فیلم‌ها اهمیت نقش خانواده را کاهش داده و حتی نقش‌ها و مسئولیت‌های که اسلام با تمام روشنایی برای شوهر و زن معرفی نموده به منظور تعریف دوباره دیدگاه زنان مسلمان برای کامیابی و آنچه برای او سعادت می‌بخشد، مورد حمله قرار می‌دهند؛ به گونه مثال: آن‌ها از طریق یکی از این تصاویر وضعیت زنان را به ما نشان می‌دهند: ضعیف و سرکوب شده‌ای که به هیچ چیز سیطره نداشته و نه دارای کدام ارزشی در جامعه است، در این حالت، نقش او مادر یا زن خانه‌است که پیوسته مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته و با بیچارگی و دست خالی که در آن قرار دارد، با آن‌هم ستمگر معرفی شده، هیچ‌یک از آرزوهایش متحقق نشده و چنین معنی می‌دهد که او در خانه‌اش زندانی بوده و تنها توجه به خانه و تربیت اطفال دارد و دیگر کدام مسئولیتی ندارد. این‌گونه در افکار و اذهان زنان تزریق می‌کنند که راه‌حل مشکلات‌شان در انقلاب آنان نهفته است.

اما تصویر دوم اینست که زنان بدون مردان می‌توانند قادر به مدیریت روابط خود بوده و به اندازه کافی برای نیازهایش شخصاً تصمیم‌گیری نمایند؛ زیرا در فعالیت‌های خود آزاد و مستقل بوده و هرکاری را بدون هیچ‌گونه محدودیتی انجام داده می‌توانند؛ چنان‌چه چیزهایی را که مانع آزادی زنان می‌شوند از جمله حدود و شریعت اسلامی را- از خود دور می‌کنند. این تصویر زن به عنوان تصویر ایده‌آل و مطلوب، طوری نمایش داده می‌شود که باید از آن پیروی گردد و محقق ساختن آن لازمی است که در نتیجه، عدم احترام متقابل بین زوجین و سوءاستفاده و برخورد نادرست در حق شریک زندگی در خانواده مسلمان به وجود آمده و منجر به فروپاشی خانواده‌ها و طلاق می‌گردد.

علاوه بر این، با توجه به طرز تفکر غربی، نقش‌های جندر در ازدواج و زندگی خانوادگی غیرقابل تشخیص است و تفاوت‌ها میان مردان و زنان در انجام وظایف آن‌ها تحت نام برابری جنسیتی مجاز نیست. در ضمن، آرزوها و ایده‌های غرب بر اساس "برابری جنسیتی" و "فمینیسم"



نیز از طریق رسانه‌ها در جهان اسلام ترویج شده و موجب نابودی تعادل نقش‌ها و وظایف میان شوهر و همسر مسلمان شده و مفهوم رضایت و سعادت در نقش‌هایی که الله تعالی آن را محدود ساخته، از اذهان‌شان سلب گردیده است.

این تولیدات هم‌چنان آشکار می‌سازد که رفتارهای آشوب‌گرانه و انتقام‌گیرانه‌ی فرزندان نسبت به والدین‌شان امر قابل قبول و پسندیده و حتی باعث احترام است. این علاوه بر پرورش برخوردهای زشت و منفی نسبت به خویشاوندان و خانواده‌ها گسترده است؛ بلکه همه این‌ها به شکست و فروپاشی روابط خانوادگی کمک می‌کند.

اکنون اجازه دهید نگاهی به اثرات مخرب شبکه‌های ارتباطی الکترونیکی و صفحات اجتماعی مانند وتساپ و برنامه‌های فیسبوک کنیم. در حالی که این برنامه‌ها برای جمع‌آوری اعضای خانواده‌هایی که بین‌شان مسافت و دوری راه است، به وجود آمده‌اند، به مرور زمان ارتباط میان‌شان را از دست خواهند داد و هم‌چنان این شبکه‌ها به شکستن این روابط منجر می‌شوند. چه یک تناقض آشکاری! با گسترش این شبکه‌ها، خانه‌ها باز و حفظ حریم خصوصی از زندگی افراد و خانواده‌ها از بین رفته است. اسرار بسیاری از خانه‌ها باز و جزئیات زندگی خصوصی منتشر شده و باعث ایجاد مشکلات بسیاری در سطح خانواده مانند طلاق و اختلافات زناشویی شده است.

طبق مطالعات مختلف و گزارش‌ها این شبکه‌ها و برنامه‌های کار بردی آنان، در درجه اول مسئول آمار بلند طلاق شمرده شده‌اند. در یک نگاه در برخی از ارقام می‌توانید جدیت این امر را بدانید، در فلسطین محاکم شرعی اعلام کرد که نیمی از موارد طلاق قبل از عروسی به چند دلیل صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آن شبکه‌های الکترونیکی و اجتماعی است. بنابر آمارهایی که در سال ۲۰۱۶م به نشر رسید، در سه سال گذشته اردن شاهد افزایش قابل توجه تعداد موارد طلاق بوده است که هر سال در حدود ۱۰۰۰ مورد طلاق افزایش نسبت به سال قبل به ثبت رسیده است. در نظر گرفتن روش‌های نوین ارتباطی از جمله فیسبوک و وتساپ هردو از علل اصلی بالا بودن آمار بلند طلاق هستند. مطالعات نشان می‌دهد که صفحات شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی سبب ۵۰ درصد موارد طلاق در امارات متحده عربی شده‌اند. بخش رهنمایی‌های فامیلی در



امارات متحده عربی برآورد نموده است که اختلافات زناشویی در حدود ۵۰۰۰ مورد در سال ۲۰۱۵م افزایش یافته است که ۵۰-۶۰ درصد آن مربوط به شبکه‌های الکترونیکی و اجتماعی می‌شوند که بیش از ۱۰۰۰ مورد آن منجر به طلاق می‌گردد.

این آمار و ارقام بیم‌ناک نشان می‌دهد که چگونه این شبکه‌ها، صفحات و برنامه‌های کاربردی بر روی دستگاه‌های همراه، آتش اختلافات خانوادگی را میان کسانی که اجازه می‌دهند زندگی‌شان در تصرف این برنامه‌ها قرار گیرد، برافروخته است. این اعتیاد باعث می‌شود تا والدین در انجام وظایف خود نسبت به فرزندان خود در زمینه آموزش و راهنمایی شکست بخورند و نیز به آن‌ها توجه ویژه‌ای نداشته و به سخنان و مشکلات‌شان توجه نکرده و گوش ندهند، که با این حال آن‌ها را به خطر انداخته و به رفتار غلط سوق می‌دهند.

همانطور برای شوهران، اعتیاد منجر به غفلت، ارتباط ضعیف و عدم انجام وظایف خود نسبت به یکدیگر خواهد شد؛ زیرا شگاف میان آن‌ها را توسعه داده و موجب افزایش مشکلات در ازدواج می‌شود. از سوی دیگر، این شبکه‌ها و برنامه‌های کاربردی که وجود دارد، روابط میان مردان و زنان را خارج از چهارچوب ازدواج تسهیل می‌کند؛ در غیاب ترس از الله ﷻ منجر به افزایش آمار بلند خیانت شده و یکی از اسباب اساسی و دلایل اصلی نظر به آنچه محاکم ثبت نموده اند، شمرده می‌شود.

این‌ها در حقیقت موج از افکار مخربی است که رسانه‌ها به فرزندان و دختران مسلمان در اذهان‌شان تزریق نموده و هدف آن‌ها گسترش فساد در میان امت با زرع مفاهیم غربی و تخریب مفاهیم اسلامی است. آنان با ارائه شیوه زندگی غربی به عنوان الگویی استثنائی که باید پیروی شود، به نمایش می‌گذارند. نباید فراموش کرد که دولت‌های غربی با استفاده از رسانه‌ها کنترل خود را در سرزمین‌های اسلامی اعمال نموده و این یکی از ابزار مهم استعمار ی است.

بنابراین، ما باید علیه نفوذ رسانه‌ها، فساد و بداخلاقی‌هایی که آن را در سریال‌ها، فیلم‌ها یا آهنگ‌ها و یا ارتباطات الکترونیکی به نشر می‌رسانند، مقاومت کنیم. ما باید با استحکام احتیاط عمل کنیم و نباید به پسران و دختران مسلمان اجازه دهیم که لقمه دهان آنان گردند. از این رو ما از همه مسلمانان خواسته‌ایم که نقش خود را در مراقبت از خانواده‌ها و محافظت از



آن‌ها در برابر تمام فساد و زهرهایی که پخش می‌کنند، انجام دهند. آن‌جا که الله ﷻ می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ

شَدَادٌ﴾ [تحریم: ۶]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ خویش را از آتشی که همیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیراند و هرگز فرمان‌الله (ﷻ) را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجراء می‌نمایند.

ما هم‌چنان باید دولت‌های حاکم در جهان اسلام را به خاطر نقش‌شان در حمایت از وجود و گسترش این رسانه‌ها در سرزمین‌های اسلامی، محاسبه نماییم. بالای ما واجب است که صداهای مان را از بهر ذلت در برابر قوت‌های غربی و وابستگی‌شان به سیاست‌های آنان بلند نماییم تا آن‌که الله ﷻ این امت را از شرارت‌شان در امان داشته و مقام و منزلت‌شان را بلند نماید. آمین!

ساره فیروز

عضو حزب‌التحریر



متن سخنرانی چهارم

حزب التحریر - ولایه تونس

خشونت‌های خانوادگی؛ عوامل و راه‌حل‌های آن از دیدگاه اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين
و على آله و صحبه اجمعين!

برای هر مسلمان این یک امر طبیعی است که همین اصطلاح "خشونت خانگی" را در خصلت خود اتخاذ نموده، البته با توجه به این که محیط خانواده باید برای تمام اعضایش، که در چنین شرایط اجتماعی زنده‌گی می‌کنند، امن باشد. از سوی دیگر، همبستگی، درک، همدردی و غمخواری متقابل رابطه را میان اعضای خانواده ایجاد می‌کند. به هر حال، انتشار این پدیده شوم و عوامل آن در سراسر جهان، به خصوص در غرب باعث شده که در جهان اسلام نیز شیوع پیدا کند. در سال ۲۰۱۳م، سازمان صحتی جهان (WHO) تحقیق یا مطالعه‌ای را به همکاری پوهنتون لندن در مورد حفظ‌الصحه و دوا در مناطق گرم‌سیر و مراکز تحقیقات طبی انجام داد که اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس یافته‌های بیشتر از ۸۰ کشور می‌باشد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سه حصه از زنان، تقریباً ۳۰ درصد تمام نفوس زنان جهان که با جنس مخالف ارتباط دارند، در واقع قربانی سوء استفاده جنسی و فزیکتی توسط دوست‌پسر خود شده‌اند. علاوه بر این، میزان جرایم قتل در سراسر جهان در برابر زنانی که از سوی دوست‌پسرشان صورت گرفته، به ۳۸ درصد رسیده است.

در این چهارجوب، کوشش‌های کثیری مانند پروتوکول‌ها، توافقنامه‌های بین‌المللی، قوانین، مقرره‌های بومی، برنامه‌ریزی‌ها، کنفرانس‌ها، ورکشاپ‌ها، برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های حساس‌برانگیز و نشست‌های متعددی تحت نظر وزرای دولت، نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی، نهادهای قانونی، نهادهای حقوق زن و دیگر نهادهای گوناگون به هدف از بین بردن این پدیده، "خشونت خانوادگی" و یا حداقل تحت کنترل قرار دادن آن، صورت گرفته است. سازمان ملل نیز به یک سلسله اصول و قواعد آزاد تکیه زد که در اصول خود لایحه بین‌المللی را از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، تعهد جهانی برای مردم عام، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،



حقوق فرهنگی، توافقنامه حقوق طفل و توافقنامه‌ها برای ازمیان برداشتن هرگونه جنایت در برابر زنان به منظور این‌که اعلانات و آگاهی‌نامه‌ها و تصامیمی را که از کمیته‌های متعدد سرچشمه گرفته پخش کند تا توصیه‌هایش را در جهان اسلام اجباری نماید، پذیرفت.

مجمع عمومی سازمان ملل بطور بسیار مکارانه "خشونت خانگی" را مستقیماً به خاطر هدف قرار دادن زنان ایجاد می‌کنند. بناءً بالای کشورهای فشار وارد می‌کنند تا بخاطر از بین بردن این پدیده از امکانات دست‌داشته‌ی خود استفاده نمایند و محققین را حمایت و اطلاعات را جمع‌آوری می‌کند، بخش‌بندی احصایوی مربوط به گسترش اشکال مختلف خشونت علیه زنان، به خصوص آنانی را که به خشونت خانگی ارتباط دارند، شکل داده و در نهایت محققین را تشویق می‌کند تا در مورد عوامل و اسباب این خشونت‌ها و طبیعت آن، خطرات، عکس العمل‌های آن و این‌که چگونگی راهکاری در پیش گرفته شود تا به این پدیده توقف داده شود و آنانی که در قید آن به سر می‌برند، نجات یابند، دست به کار شوند.

این حقیقتی است که خشونت دقیقاً در اکثریت کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد؛ جایی که تلاش برای انجام مطالعات بخاطر دریافت علت‌های خشونت علیه زنان صورت می‌گیرد؛ از جمله خشونت خانوادگی و شریک ساختن همین یافته‌های مطالعات در مطبوعات و رسانه‌ها به منظور این‌که راه را برای قوانین و مقررات یکنواخت همراه با استانداردها و نیازمندی‌های بین‌المللی هموار کنند.

به عنوان مثال، گاهنامه‌ای در کشور تونس در مورد وضعیت شخصی در سال ۱۹۵۶م به نشر رسید که بعضی قوانین مربوط به امور خانواده را نیز دربر داشت و بسیاری مردم گمان می‌کردند که این یک پیروزی برای زنانی محسوب می‌شود که وضعیت خود را ترقی داده و خود را در میان دیگر زنان در جهان عرب الگو و درخشان ساخته اند. این گاهنامه در سال ۱۹۹۳م به هدف تغییر مطالب فصل ۲۳ تغییر داده شد که در آن نوشته شده بود: «بالای زن واجب است تا از شوهرش اطاعت نموده و به فرمان او تسلیم باشد؛ طوری‌که هر یک از زن و شوهر باید با همدیگر به خوبی رفتار کنند، در رفتار و معامله باهم نجیب باشند و از اعمال هرگونه صدمه بالای همدیگر اجتناب ورزند.»

برای اولین بار در سال ۲۰۰۶م، تجلیل از روز جهانی محو خشونت علیه زن آغاز شد که تا اکنون ادامه دارد. بعداً در سال ۲۰۰۷م، استراتژی ملی برای مقابله با رویه خشونت‌آمیز در میان جامعه و خانواده اعلام شد و پالیسی‌اش تحت نظارت وزارت امور زنان و خانواده با اشتراکات کثیر عامه، نهادها و موسسات رسانه‌ای تطبیق می‌شد. حال آن‌که اولین سرشماری با استفاده از فهرست ملی اتباع جامعه برای خانواده و رشد بشر، که یک نهاد دریافت وراثت تحت وزارت صحت می‌باشد، با برنامه همکاری‌ها میان فهرست ملی و نماینده اسپانیایی‌ها برای همکاری بین‌المللی و توسعه در سال ۲۰۱۰م با توجه به مسئله خشونت علیه زنان انجام شد. در این سرشماری توسط نمونه‌گیری با حضورداشت ۳۸۷۳ زن تونسی در سنین بین ۱۸ الی ۶۴ ساله نشان می‌دهد که محیط خانواده یگانه محلی است که زنان در معرض هرگونه سوء استفاده قرار می‌گیرند. ۴۷.۲ درصد قضایای سوءاستفاده فیزیکی از سوی شریک زنده‌گی زن (شوهر، نامزد و یا دوست پسرش) تحمیل می‌گردد. ۶۸.۵ درصد را سوءاستفاده روانی تشکیل می‌دهد. سوءاستفاده جنسی تقریباً ۷۸.۲ درصد قضایا را تشکیل می‌دهد و ۷۷.۹ درصدش نیز سوءاستفاده اقتصادی را دربر می‌گیرد. قانون‌دانان، کارشناسان و متخصصان مشخص ساختند که دلیل شکست در واقع ناکامی قانون در حل این پدیده سوءاستفاده در تونس است. بناءً قانونی سری کار آمد و در ارتباط با محو سوءاستفاده علیه زنان در ۲۶ جولای ۲۰۱۷م به تصویب رسید و این قانون از ۱۵ فبروری ۲۰۱۸م بدین سو، بعد از فشار شدیدی از سوی نهادهای جامعه مدنی و نهادهای فمینیستی تحت بهانه‌ی محافظت از قربانیان سوءاستفاده و به خصوص خشونت خانگی را تضمین می‌کند، روی کار آمد. برخی افراد فکر کردند که این قانون یک انقلاب حقوقی خواهد بود؛ زیرا آن‌ها احتمالاً به این نتیجه رسیدند که قانون مذکور قادر به انجام حل چند موضوع خواهد شد: نخست محافظت از سوءاستفاده؛ دوم محافظت از قربانیان زن؛ سوم محو سوءاستفاده؛ چهارم از عموم زنانی که تحت قربانی این سوء استفاده قرار گرفته اند، محافظت خواهد کرد.

در مصر، اگرچه تضمین قانون اساسی تحت ماده ۱۱ قانون اساسی مصر بخاطر محافظت زنان از همه انواع سوءاستفاده از سوی دولت وجود دارد، ولی با آن هم تحقیقات به دست آمده از



مرکز تحقیقاتی منطقه نشان داد که خشونت خانگی در جامعه مصر، چه علیه همسر و دختر، خط مقدم سوءاستفاده را شکل می‌دهد. نتایج سرشماری هزینه اقتصادی سوءاستفاده علیه زنان، که توسط آژانس مرکزی برای بسیج و احصایه آمار نشان داده شده است، نشان می‌دهد که فیصدی سوءاستفاده زن توسط شوهر بی سابقه است که در آن حدود ۴۶ درصد زنان در مصر (بین سن ۱۷ الی ۶۴ ساله) شامل کسانی بود که ازدواج کرده بودند و انواع سوء استفاده‌های دیگر نیز از جانب شوهر دیده اند که شامل سوءاستفاده روانی، جسمی و جنسی می‌باشد.

در ترکیه، بر اساس نظرسنجی، که توسط یک دانشگاه معتبر ترکیه در سال ۲۰۰۹م انجام شده است، در حدود ۴۲ درصد از زنان بین سن ۱۵ و ۴۷ سال در مناطق روستایی از سوءاستفاده جسمی و جنسی از سوی شوهر یا شریک زندگی شان در برخی از موارد زنده‌گی شان رنج می‌برند. این در حالی است که ترکیه با ارائه قانون (شماره ۴۳۲۰) حفاظت از خانواده در سال ۱۹۹۷م، که در سال ۲۰۰۷م ویرایش گردید، با ارائه روش‌های مدنی برای حفاظت از خشونت‌های خانوادگی در صدر فهرست کشورها قرار دارد. این قانون یک روشی از حفاظت را فراهم می‌کند که در آن قربانیان سوءاستفاده از دست هر یک از اعضای خانواده خود تا زمانی که در تحت یک سقف زنده‌گی می‌کنند، چه مرد و چه زن، به طور مستقیم و یا از طریق یک نماینده عمومی به خاطر جلب در محکمه خانواده‌گی، احضار می‌شوند. قانون مذکور، در قوانین شهرداری نیز گنجانیده شده است که هدف از آن حمایت شهردار با سرمایه ۵۰ هزار نفری بخاطر ایجاد پناهگاه برای زنان و کودکان برای مبارزه علیه خشونت خانوادگی می‌باشد.

درصدی‌های فوق فقط نشان دهنده شکست سپرهای قانونی در کشورهای مختلف اسلامی بخاطر حل علت واقعی است که منجر به خشونت خانوادگی و ارائه روش‌های صحیح برای جلوگیری از گسترش این پدیده می‌شود. این به دلیل سردرگمی تعریف خشونت خانوادگی است که از معنای لغوی آن تجاوز کرده و باعث آسیب رساندن به فرزندان، همسران، سالمندان یا هریک از اعضای خانواده می‌گردد که در همان خانه ساکن اند؛ درحالی‌که در اصل به سوءاستفاده استوار است و به عنوان عدم برابری بین دو جنس با توجه به رویکرد انسانی در نظر گرفته شده است.

بنابر این، حکم شریعت اسلامی در خصوص نظام اجتماعی از آن‌جا که قوانین شریعت علیه مفاهیم سیکولری و لیبرالی به خصوص مفهوم آزادی و برابری تاخت، طبقه بندی گردیده و تحت کتگوری خشونت خانگی قرار گرفت. این از نتیجه قوانین شریعت اسلامی است که با در نظر داشت آن، طبق دیدگاه مؤسسات حقوقی و سازمان‌های قانونی و بین‌المللی، اولویت مرد، اقتدار او و تصمیم واحدش در مدیریت خانواده یک اصل است. در عین حال، زن برای این‌که از حقوقش مستفید شود، نادیده گرفته می‌شود؛ زیرا این سازمان‌ها معتقد اند که زن نیز مسئولیت‌های مشابهی مرد را دارا می‌باشد. به همین ترتیب، این سازمان‌ها به تبلیغات می‌پردازند که اسلام در مسئله میراث بر یک فضای پدرسالارانه مجاز داده است که منجر به حاشیه کشاندن، اهانت و سرزنش زن از دید مالی می‌شود. آن‌ها این مسئله را با مثالی از اقتدار مرد در ارتباط با زن و تعهد مالی با او و این‌که با مرد به طور یکسان میراث به ارث نمی‌برد، تأیید می‌کنند و از لحاظ اخلاقی، این‌که حکم چند همسری یا طلاق، یا از لحاظ جنسی، وادار کردن زن به روابط نامشروع بدون میل خودش و یا ازدواج‌های نا به هنگام (ازدواج در خورد سالگی) همه و همه به دست مرد صورت می‌گیرد.

لذا این همه گوشه‌ای از اتهامات نامناسب و جاهلانه‌ای است، به هدف زیر سوال بردن قوانین ناب اسلامی و اغفال اساساتی که بر اساس این قوانین استوار اند، به کار برده می‌شود. به همین دلیل است که اصلاحیه چهارم اعلامیه محو سوءاستفاده علیه زنان در دسامبر ۱۹۹۳ م عملاً به مردم صدا زد که تبعیض علیه زنان جرم پنداشته می‌شود و اجازه نمی‌دهد که کشورها از طریق هر سفارشی یا سنت یا آیین‌های مذهبی توجیه کنند تا از تعهد خود برای ریشه‌کن کردن آن شانه خالی کنند و این امر مستقیماً اجازه می‌دهد که ارزش‌های اسلامی و حقوق زن از دیدگاه اسلام در جامعه پایمال شود.

فلهذا ما نباید نقش و نگار مکارانه فمینیسم و روشنفکران سیکولری را در این امر فراموش کنیم که فکر می‌کنند سوءاستفاده علیه زنان در نتیجه تبعیض بوده و عدم قدرت زن و کنترل خانواده از سوی زن با مداخله فرهنگ و مذهب عاملش می‌باشد. مهم‌تر این‌که آداب و رسوم زن را وادار می‌کند تا در زنده‌گی هیچ‌گونه انتخابی نداشته باشد که باعث محدود شدن فرصت‌ها



برایش گردد. آن‌ها تصویری را نشان می‌دهند که اطاعت از شوهرش ضعف و شکست است و از آنجایی که مرد سرپرست خانواده است، او را از تصمیم‌گیری حذف می‌کند. هم‌چنین، آن‌ها برخی از قوانین اسلامی را که به ندرت در بعضی حالات تنبیه نمودن زن را مجاز داده است؛ در موارد مختلف در جامعه به شکل منفی آن به تصویر می‌کشند؛ مثلاً انحراف و سرکشی زن.

﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِن أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [نساء: ۳۴]

و(اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید(و اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آن‌ها دوری نمایید! و(اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایف‌شان نبود) آن‌ها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید(بدانید) الله(ﷻ) بلندمرتبه و بزرگ است(و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست).

جلوگیری از فحشاء، سقط جنین، ازدواج با غیرمسلمان، سفر با نامحرم، پافشاری به پرداخت مهریه خود را ملزم به پوشیدن لباس شرعی دانستن، بازداشتن زن از به نمایش گذاشتن زیبایی‌اش به مرد نامحرم، بازداشتن زن از آمیختن با مردان بدون ضرورت طوری که در شریعت بیان شده است؛ اجازه خواستن از شوهر جهت خارج شدن از منزل، اطاعت از اوامر شوهر، حق دادن به پدر به خاطر نام‌گذاری نوزاد و پذیرفتن این که شهادت یک مرد برابر است با شهادت دو زن و هم‌چنان قوانین دیگری نیز وجود دارند که ادعا می‌کنند مردان به مثابه مانعی در برابر نقش زنان در فامیل و جامعه قرار دارند که این قوانین نوعی از بدرفتاری در برابر زنان بوده و از سوی دیگر، به عنوان یک سلسله مراتب در خصوص قدرت میان زن و مرد جای‌گزین شده است.

روی این ملحوظ، آن‌ها به این باور اند که لازم است تمام این مفاهیم با آنچه که آن‌ها از مساوات، آزادی و توانمندسازی زنان به منظور از میان برداشتن فاصله بین جنس‌های مخالف تعریف دارند، جای‌گزین شود. این در حالی است که هرگاه کسی متون شریعت اسلامی را مورد غور و بررسی قرار دهد، به وضوح در می‌یابد که اسلام مرد و زن را از لحاظ این که یکی بر دیگری برتری داشته باشد، نمی‌بیند. اسلام هرگز یکی از این دو را بر دیگری ترجیح نداده است



و نه هم به یکی از آن‌ها ستم کرده است تا بر دیگری عدالت کرده باشد. به همین ترتیب، اسلام هرگز معیار تبعیض و یا مساوات بین این دو را مطرح نکرده است؛ بلکه اصول و قواعد منظم و منصفانه‌ای را در خصوص نقش و تنوع این دو در نظر گرفته است که سازگار با فطرت، ویژگی‌ها و طبیعت آن‌ها می‌باشد.

بنابر این، بر تمام مسلمانان واجب است تا به تمام این اتهامات و ادعاهای جاهلانه پشت گردانیده و از رگ رگ وجودشان این مفاهیم غلط را پاک نمایند؛ زیرا تمام این ادعاهای غلط و بی‌اساس بهانه‌های خطرناکی اند که به هدف اغفال مسلمین که گویا این همه خشونت‌های درون فامیلی در حال رشد ناشی از قوانین شریعت اسلامی اند، به پیش برده می‌شود تا باشد که مسلمانان را از عقیده اسلامی‌شان به دور ساخته و بر آن‌ها افکار غربی را که ایدیولوژی سرمایه‌داری از آن به وجود آمده است، تطبیق نمایند.

از این رو، بهترین گزینه برای کسانی که می‌خواهند راه‌حل‌های درست در خصوص مشاکل خشونت‌های خانوادگی ارائه دهند، این است که بازنگری و بازبینی دیدگاه‌های روشنگرانه خود را از طریق تحقیقات جامع و کامل در عوامل ریشه‌ای این مشکلات و راه‌حل آن از خود به جای بگذارند. اینک به برخی از نکات در ذیل اشاره می‌کنیم:

- کناره‌گیری از ارزش‌های آزادی‌لیبرالی و مفاهیم غیراسلامی ناشی از ذهن ناقص بشر که روابط میان مرد و زن را حسب هوای نفس تنظیم نموده و مفاهیم درست و نابی که توسط خالق تنظیم شده است، کنار می‌گذارد و این چیزی است که سرشت آدمی را در خانواده تغییر داده خودخواهی را در انسان ایجاد می‌کند و انسان‌ها را بر سری منافع خود دشمن یکدیگر می‌سازد که در نتیجه منجر به پارچه پارچه ساختن خانواده، ایجاد دشمنی و شکاف در روابط میان اعضای خانواده می‌گردد. در کنار این، این آزادی‌ها به بزرگ‌ترین سهم سرگرمی و لذت شخصی تبلیغ می‌کند؛ حتی اگر این کار به نوشیدن مشروبات الکولی و سوءاستفاده از مواد مخدر منتهی شود. خیلی واضح است که تأثیر این فلاکت تنها به فرد معتاد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه از طریق این حالت و وضعیت غیر ثابت و ناتوانی را که در کنترل رفتار خود دارد، به افرادی که نزدیک به او هستند، آسیب



می‌رساند. علاوه بر این، اجازه دادن به این آزادی‌های وحشی مانند عدم اعتماد بین زن و شوهر، حسادت غیرقابل کنترل و فضای واکنشی (برقی) را ایجاد می‌کند که در نتیجه منجر به خشونت‌های زبانی به عنوان یک عکس‌العمل می‌گردد.

- نادیده گرفتن ارزش زن و تنزل مقام او در جامعه از طریق به نمایش گذاشتن تصاویر برهنه و نیمه برهنه در پوسترها به عنوان اعلانات تجارتي به منظور جلب مشتریان و به نمایش گذاشتن قسمتی از بدن آن به روی پاکت محصولات تجارتي به هدف کسب درآمد، بهره‌برداری از جنسیت او در فروشگاه‌ها، باشگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها... چیزی است که این دیدگاه تجاری طماع به بهانه این که او را به استقلالیت اقتصادی می‌رساند، چنان فشاری بر او وارد کرده است که با محروم شدن از ارزش انسانی‌اش به سادگی مورد سوء استفاده قرار گرفته است؛ به حدی که تشویق می‌شود تا دست به فحشا و اعمال نامشروع بزند. در کنار این، همه شیوه‌ها و آداب و رسوم مزخرف و فاسد و سنت‌های موروثی غلط که هیچ‌گونه ارتباطی با اسلام ندارد، در برخی مناطق زنان از ساده‌ترین حقوق خود به عنوان تحصیل محروم می‌شوند، حق نظر ندارند و یا هم رضایت‌شان در خصوص ازدواج نادیده گرفته می‌شود یا این که از میراث محروم می‌گردند و غیره از این قبیل رفتارهای دیگر که اقتدار مرد در رهبری خانواده را به نمایش می‌گذارد؛ طوری که هرکاری را که دلش بخواهد، انجام می‌دهد، خواه به انجام آن اجازه داشته باشد و یا این که حق انجام آن را نداشته باشد. بناءً تمام این‌ها مواردی اند که از طرف مرد بالای زن تحمیل می‌گردد تا در مقابل آن سرخم نموده و از تمام آن مطیعانه اطاعت نماید، از این‌رو، مرد با استفاده از موارد فوق یک فضای مملو از سوء استفاده را ایجاد می‌کند و هرطوری که دلش بخواهد در مقابل زن انجام می‌دهد.

- نبود یک فکره درست در خصوص پیش‌برد حقوق و مسئولیت‌هایی که هریک از زن و شوهر باید آن را رعایت کنند، نبود یک نظام سازمان‌یافته مبنی بر تقسیم مسئولیت‌های که هریک از زن و شوهر مکلف به انجام آن استند و درهم‌پیچیدگی مسئولیت‌ها هرکدام فضای مملو از فشار و درگیری را ایجاد می‌کند. نبود راه‌حل‌های مناسب پیرامون ایجاد

تبادل در خانواده، قطعاً که منجر به مشاجره‌های متداوم در خانواده می‌گردد. این از فضل پروردگار بالای بشریت است که او ﷺ اساسات و محدودیت‌هایی را برای روابط خانوادگی وضع کرده است که به عنوان روش‌های پیش‌گیرانه در جهت تقویت روابط خانواده در مقابل خشونت‌های خانوادگی نقش اساسی را بازی می‌کند و این چیزی است که اسلام به منظور ایجاد یک محیط خانوادگی امن به انجام آن هدایت داده است.

- ایجاد تقوی در روح و روان مردم؛ پس هرکی به آن چنگ زند، وجیبه‌اش را که بر وی فرض گردانیده شده است، درک خواهد کرد و از پروردگارش در آشکار و نهان پروا خواهد کرد. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً، يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» (رواه مسلم)

بنده‌ای که الله (ﷻ) او را بر رعیتی گماشته و در حالی که نسبت به رعیتش غش و خیانت کرده است، می‌میرد، الله (ﷻ) بهشت را بر او حرام گردانیده است.

این حدیث شریف دال بر این است: هر حاکمی که مسئولیتی را بر عهده دارد و هر مردی که مسئول خانواده‌اش می‌باشد و خود را در برابر تأمین حقوق افراد خانواده‌اش مکلف می‌داند، باید آنچه را که برای خانواده لازم می‌داند، فراهم کند و با خانم و فرزندان به نیکویی رفتار کند. با این حال، زن در امور داخلی منزل و کسانی که با او زندگی می‌کنند، نیز مسئول است. روی این ملحوظ، تقوی بهترین تنظیم‌کننده برای فضای تمایلات، خیالات و آرزوهای است که این روابط به وسیله آن به پیش می‌رود. بناءً این تقوی است که به وسیله آن شخص درک می‌کند که یکی از مخلوقات خالق‌اش بوده و بنده او می‌باشد، با تخطی از اوامر پروردگارش مجازات خواهد شد و با انجام اعمال شایسته در مسیر اطاعت از پروردگارش پاداش داده خواهد شد.

تغییر دیدگاه زن از منظر اسلامی در نظر گرفتن جایگاه ویژه و موقف درست و مناسب بر کسانی که الله ﷻ و رسول الله ﷺ آن را جای‌گاه خاصی داده، می‌باشد. روی این ملحوظ، رسول الله ﷺ رفتار درست با همسر، فرزندان، اعضای خانواده و اقارب را از بهترین اعمال



عنوان نموده و کسانی که به انجام این اعمال مبادرت می‌ورزند، از بهترین مردم خوانده است. طوری که می‌فرماید:

«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا مِنْ خَيْرِكُمْ لِأَهْلِي» (رواه ترمذی و ابن ماجه)

بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش بهترین برخورد را دارد و من بهترین شما در امور خانواده‌ام هستم.

اسلام مراقبت از زن را از زمان تولدش در اولویت قرار داده است؛ طوری که تربیت و پرورش آن را وسیله جنت رفتن برای والدینش قرار داده است. عبدالله ابن عباس رضی الله عنه ما می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَلَمْ يَبْدِهَا وَلَمْ يُهْنِهَا، وَلَمْ يُؤْتِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا - يَعْنِي الذَّكَرَ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ» (رواه احمد، تصحیح حاکم)

کسی که صاحب دختری می‌شود و آن را زنده دفن نمی‌کند و بر او اهانت روا نمی‌دارد و پسرش را بر او ترجیح نمی‌دهد، الله تعالی وی را داخل جنت می‌کند.

پس، مادامی که بزرگ می‌شود، تحت محافظت و مراقبت محافظ‌اش (پدر) قرار می‌گیرد و این پدر در واقع از بزرگ‌ترین محافظ او به شمار می‌رود و او را از هرگونه آسیبی محافظت می‌کند. هنگامی که ازدواج می‌کند، مورد احترام قرار گرفته، عزیز می‌شود و بر شوهرش لازم می‌گردد تا با او به نیکویی رفتار کند و با او مهربان باشد. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [نساء: ۱۹]

و با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید.

رسول الله صلی الله علیه و آله تمام خوبی‌ها (رفتارهای نیکو) را در حق آنان بیان کرده است؛ طوری که می‌فرماید:



«اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا» (رواه ابن ماجه)

با زنان به نیکویی رفتار کنید!

هم‌چنان رسول گرامی ﷺ بر شوهران دستور داده است تا نباید در مقابل همسران‌شان به زشتی رفتار کنند، اشتباهات و کمبودی‌های‌شان را نادیده بگیرند و از فضایل و پاکدامنی آن‌ها تقدیر نمایند تا زندگی‌شان به وجه پسندیده به پیش برود:

«لَا يَفْرَكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ» (رواه مسلم)

هیچ مرد مؤمنی با زن مؤمنی بغض نوزد؛ زیرا اگر یک خصلتش او را ناخوشایند سازد، خصلت دیگریش او را خشنود می‌گرداند.

علاوه بر این، پروردگار کائنات مردان را از لت‌وکوب بی‌مورد زنان نهی کرده است؛ زیرا به عوض این‌که در رفتارشان در زندگی زناشوی تغییراتی فراهم کند، منجر به واکنش متقابل می‌گردد. چنان‌چه که رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«لَا يَجْلِدُ أَحَدُكُمْ امْرَأَتَهُ جَلْدَ الْعَبْدِ ثُمَّ يُجَامِعُهَا فِي آخِرِ الْيَوْمِ» (رواه بخاری)

هیچ‌یک از شما زن خود را مانند برده نزنند، چه بسا در پایان روز با او هم‌بستر می‌شود.

مادامی‌که مادر است، اطاعت از وی پس از اطاعت از الله ﷻ واجب می‌گردد و عدم قدردانی و اطاعت از وی و بد رفتاری در برابرش پس از شرک آوردن به الله ﷻ از گناهان کبیره محسوب می‌گردد. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ [اسراء: ۲۳]

و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کم‌ترین اهانتی به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد



مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو!

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ بر ما توصیه کرده است تا با والدین خود به مهربانی رفتار کنیم. او ﷺ می‌فرماید: مادران... مادران... مادران... سپس پدرتان تا باشد که آن‌ها را احترام نماییم و حقوق‌شان را اداء کنیم.

- سوء استفاده جنسی و تبلیغاتی از زنان و مبارزه با این دیدگاه که زنان به عنوان یک جنس پست و یک کالای تجارتي محض هستند و در نظر گرفتن او به عنوان یک امتعه زیبایی و لذت ممنوع می‌باشد؛ بلکه باید از هرگونه تحقیر و اهانت حفاظت شود. بناءً لازم است تا زنان را وادار به پوشیدن لباس اسلامی نموده و از پوشیدن هرگونه وسایل زینتی در مقابل مردان نامحرم باز داشته شوند.
- سازماندهی روابط میان زن و مرد، ممنوعیت از نشست‌های پنهانی، بازداشتن آنان از آمیزش آزادانه با مردان اجنبی، مطمئن بودن از این‌که هیچ‌گونه فضای خاصی وجود ندارد که منجر به روابط نامشروع و یا هم رفتارهای مشکوک که سبب تحریک حسادت، ایجاد شک و تردید، خدشه‌دار کردن فضای اعتماد و روی آوردن به سوء استفاده جنسی شود. علی‌الرغم این، اسلام به مردان و زنان مؤمن واجب گردانیده تا چشمان‌شان را از نگاه کردن به نامحرمان باز داشته و پاکدامنی اختیار نمایند تا باشد که این دو بنیاد محکمی از یک رابطه سالم انسانی را بر مبنای احترام متقابل و یک زندگی مشترک را در میان خود تشکیل دهند.
- مدیریت خانواده یگانه راهی است که از سازماندهی نقش‌ها در خانواده نشئت می‌کند و مسئولیت‌ها را به وجه احسن بر هرکدام از اعضای خانواده حسب توانائی و ظرفیت آنان تقسیم می‌کند؛ این امر به اختلاف و درگیری در فامیل پایان می‌دهد. بنابر این، لازم است تا سطح آگاهی آنانی که مسئولیتی را به پیش می‌برند، بالا برده شود، حجم مسئولیت سپرده شده بر آنان در نظر گرفته شود و جهت گرفتن نظریات آنان اتاقي برای گفتگو برای‌شان در نظر گرفته شود. این امر موجب محدود شدن احتمال اختلاف و درگیری در خانواده می‌گردد.

• ایجاد مثلث زندگی زناشویی: آرامش، مؤدّت و رحمت. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [روم: ۲۱]

از نشانه‌های او اینست که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مؤدّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

زن تکیه‌گاه مرد است که در کنار آن راحت می‌باشد و با او احساس امنیت می‌کند؛ به همین ترتیب، مرد در کنار زن راحت بوده و احساس آرامش می‌کند. پس اگر شوهر او را دوست ندارد، بی‌گمان او نیز با بهترین‌وجه با شوهرش رفتار می‌کند و اگر کدورتی در دل می‌داشته باشد، باید با او به نیکی رفتار کند؛ نه این‌که بر او ستم روا بدارد و او را مورد لت‌وکوب قرار دهد. هم‌چنان این نیز مهم است که ما باید از این مفهوم که اقتدار با مردان است، حمایت کنیم، زیرا این نعمتی از جانب پروردگار متعال به ویژه برای زنان و در مجموع برای خانواده است. از طریق همین اقتدار، مرد مکلف بر انجام دو مسئولیت خطیر است: نخست، حفظ و مراقبت خانواده به بهترین شکل از قبیل خرچ و مصرف؛ مدیریت خانواده و حمایت از آن و ثانیاً ارائه خدمات ایمنی برای اعضای خانواده و متوقف ساختن هرگونه آسیبی که قرار است به خانواده اصابت کند؛ به گونه‌ای که مرد مکلف است تا در مقابل تمام خطرات حتی به قیمت جان خود ایستادگی نماید: رسول الله می‌فرماید:

﴿وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (رواه ترمذی)

کسی که در راه دفاع از خانواده‌اش کشته می‌شود، شهید است.

اسلام طلاق را که از مبعوض‌ترین حلال محسوب می‌شود، مجاز داده است تا هر از گاهی که تنش‌ها و اختلافات میان زوجین اتفاق می‌افتد، به معضلات خانواده‌گی نقطه پایان گذاشته و



احسن‌ترین راهی برای جدایی میان دو زوج باشد. حکم طلاق مستلزم رهایی همسر با بهترین راه ممکن بدون هیچ‌گونه خشونت و سوءاستفاده می‌باشد و این زمانی صورت می‌گیرد که تمام روش‌های مصالحه میان‌شان به ناکامی منجر شده و هیچ‌گونه فرصتی برای زندگی کردن در زیر یک سقف نداشته باشند.

در فرجام باید گفت که خالق کائنات نسبت به آنچه که خلق کرده است (انسان) آگاه است و او تعالی می‌داند که چه چیز برای خلق‌اش بهتر است. از این رو، قوانینی برای آن فرو فرستاده است و هر آن چیزی که از این احکام و قوانین الهی نشئت می‌کند، جز رحمت برای بشریت نیست و همین احکام الهی اند که خانوادهٔ مسلمان را حفظ نموده و به راه راست هدایت می‌کند. با این حال، هرگاه ما از این قوانین بنیادی پا فراتر گذاریم، منجر به انفصال و بدبختی اعضای خانواده میان مرد، زن و کودکان خواهد شد؛ دایرهٔ رهبری خانواده از کار می‌افتد که باعث گسترش و تشدید خشونت خانوادگی شده و امکانات زندگی را که هریک از اعضای خانواده نیازمند آن می‌باشند، فلج می‌سازد؛ به عنوان مثال: کم‌بود امنیت و اختلالات ذهنی را به بار می‌آورد که این امر باعث فروپاشی و پراکنده‌گی خانواده می‌گردد.

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ [طه: ۱۲۳]

پس هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هرکس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه هم در رنج خواهد بود!

هاجر یعقوبی

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر



متن سخنرانی پنجم

حزب التحریر - ولایه لبنان

آجندای برنامه‌های ملی و بین‌المللی علیه قوانین خانواده‌گی اسلام

از شما با این پیام اسلام قدردانی می‌کنم:

السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته!

بسم الله الرحمن الرحيم، الله سبحانه در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الَّذِي هُوَ الْهَادِي
وَلَنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾

[بقره: ۱۲۰]

هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد (تا به طور کامل تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی و) از آیین آنان پیروی کنی. بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن‌که آگاه شدی، هیچ سرپرست و یابوری از سوی الله (ﷻ) برای تو نخواهد بود!

خواهران گرامی! موضوع زنان یکی از موضوعاتی است که غرب برای گسترش تمدن و مفاهیم‌اش، به‌خصوص در جهان اسلام، آن را اختیار کرده‌است. آنان اهداف‌شان را مرتب کردند، طرح‌های‌شان را تنظیم کردند، وسایل‌شان را تعیین کردند و پول هنگفتی را تخصیص دادند تا مدل سیکولر دیموکراتیک‌شان را تحمیل کنند؛ مدلی که بر شکست انسجام خانواده‌های مسلمان متمرکز است تا بتواند پایه‌های جامعه را در سرزمین‌های اسلامی قطع و گره‌های خانواده را پاره کند و از گسترش مفاهیم غربی با تمام ارزش‌های (اخلاقی و رفتاری) ناقص‌اش، مانند جوامع غربی، مراقبت کند؛ طوری که سرانجام به انهدام جامعه در سرزمین‌های اسلامی منجر می‌شود؛ این همان چیزی است که آنان به دنبال‌اش هستند.

پس از آن‌که غرب برای سهولت پذیرش مفاهیم کفری توسط مسلمانان و به منظور ریشه‌کردن‌شان در زنده‌گی اسلامی به عنوان اسلام، عمداً آن‌ها را با نمای اسلامی پوشاند، اخیراً عداوت پنهان‌اش را آشکارا و متکبرانه نشان داده‌است تا بدون ابهام و پیچیده‌گویی،



جنگ بی‌رحمانه‌ای را علیه حدود دین اسلام اعلان کند. بناءً غرب بر عناوین مهم و خطرناکی؛ چون: بازسازی دینی، گسترش خطابه دینی و اصلاح قوانین الهی تمرکز کرد تا با ادعایش به مدرنیته و نوآوری همخوانی داشته باشد و به این ترتیب، برای کسب پیروزی در برابر احکام اسلام، مخصوصاً آن عده احکامی که به خانواده اسلامی مرتبط است، آماده شود. آن‌ها تیرهای زهرآگین‌شان به طرف زنان مسلمان و باعفت هدف می‌گیرند؛ چون اهمیت نقش آنان را در خانواده و زنده‌گی اجتماعی می‌دانند. به منظور اجرای طرح‌های‌شان برای حمله به اسلام و محو آن از قلب‌های مسلمانان، لازم بود تا به طرف زن‌ها بیایند و او را از نخستین نقش‌اش به عنوان یک مادر، یک زن و تولد کننده مردان متقی، هوشیار و آگاه از دین و خلقت بی‌همتایش و یک قهرمان‌ساز دور کنند.

ازین‌رو، امریکا و سازمان ملل با تمام سازمان‌هایش این را کاملاً پذیرفته‌اند. پیمان‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی بسیاری بسته شده‌است؛ مانند عهدنامه حقوق سیاسی زنان در سال ۱۹۵۲م، اعلامیه تهران برای حقوق زنان در سال ۱۹۶۸م، اعلامیه منع هرگونه تبعیض جنسیتی علیه زنان (CEDAW) در سال ۱۹۷۹م و هم‌چنان یک سلسله کنفرانس‌های بین‌المللی بر سر موضوع زنان برای تخصیص و تطبیق این عهدنامه‌ها. اولین کنفرانس در سال ۱۹۷۵م (سال بین‌المللی زنان) در مکزیکو برگزار شد، که به مساوات، ترقی و صلح فرامی‌خواند. کنفرانس کوپنهاک برای زنان در سال ۱۹۸۰م، کنفرانس نایروبی در سال ۱۹۸۵م و کنفرانس نفوس و انکشاف در کایرو در سال ۱۹۹۴م برگزار شد که به دستیابی خدمات صحی جنسی و تکثری، شامل کنترل تولد، اشاره داشت. سپس کنفرانس بیجینگ در سال ۱۹۹۵م و کنفرانس هالند در سال ۱۹۹۹م که در نتیجه، هم‌جنس‌گرایی، سقط جنین و زنا را تحت نام آزادی جنسی جوانان قانونی کردند.

هم‌چنان، از این کنفرانس‌های بین‌المللی، کنفرانس‌های منطقه‌ای نیز برای بحث در مورد زنان ایجاد شده‌اند؛ مانند زنان و آگاهی، زنان و تحصیل، زنان و خانواده، زنان و انکشاف، توانایی اقتصادی زنان و دیگر موضوعاتی که برای گمراهی زنان، که جز لاینفک و سنگ تهداب یک پارچه‌گی و تراکم خانواده اند، طرح شدند. همین‌طور، نباید سازمان‌های گوناگونی؛ چون

یونیسِف، یونیسکو و یونیفم را فراموش کرد که بر روی مفهوم "جندر" تمرکز کرده‌اند و یک فراخوان آشکار برای هم‌جنس‌گرایی می‌باشند؛ قسمی که با ایجاد برابری مطلق میان زنان و مردان و از بین بردن تفاوت‌های ذاتی و حتی بیولوژیکی بین‌شان این قول الله ﷻ را انکار می‌کنند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ﴾ [حجرات: ۱۳]

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم.

هم‌چنان، آن‌ها به مفهوم ازدواج زود هنگام و فرهنگ تکثر تمرکز کرده‌اند که به میزان بلند خانه‌ماندگی زنان و ترویج هرزه‌گی و فساد منجر شده‌است. البته، تمام این سازمان‌ها، انجمن‌ها و کنفرانس‌ها توسط صندوق پول، بانک جهانی و معافیت بین‌المللی ایجاد شده‌اند؛ نه به دلیل محبت و بخشش؛ بلکه به خاطر این آیت مبارکه:

﴿مَا يَوْدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ﴾

[بقره: ۱۰۵]

کافران اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند که از سوی الله ﷻ خیر و برکتی بر شما نازل شود.

خواهران من! اگر به وضعیت زنان در کشورهایی که مدعی حمل مشعل آزادی در سرزمین‌های مان استند، بنگریم، وضعیت بد و شومی را می‌بینیم که زنان تحت نظام سیکولر دموکراتیک به آن دست یافته‌اند. این حقیقت در احصائیه‌های ثبت شده به وضوح انعکاس یافته‌است طوری که این نوشته ظرفیت تذکرش را ندارد؛ اما آن را می‌توان تنها به چند مثال در امریکا که در رأس تمدن غربی قرار دارد، محدود کرد. قسمی که ۷۴ درصد سالمندان فقیر و افراد بی‌خانمان، زنان اند و ۸۵ درصد تنها و بدون همراه زنده‌گی می‌کنند. از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ م تقریباً یک میلیون زن برای روسپی‌گری استخدام شده‌بودند. بر اساس گزارش سازمان کار بین‌الملل، همه‌ساله حدود ۱۰۰ هزار طفل در امریکا به عنوان روسپی (فاحشه) مورد استفاده قرار می‌گیرند که ۹.۸ میلیارد دالر صنعت تجارت جنسی این کشور را شامل می‌شود.

نظر به یک گزارش CNN در نومبر ۲۰۱۷، رقم مجموعی ۲۴۹۰۷۸ طفل از زنان بین سنین



۱۵-۱۹ سال تولد شده‌اند. آن‌ها (غرب و در رأس امریکا) در این قسمت به روابط نامشروع این گروپ سنی در کشورها خودشان نمی‌تازند؛ درحالی‌که ازدواج‌های بین این سنین را در کشورهای اسلامی زود هنگام تلقی می‌کنند. علی‌رغم اطفال نامشروع از دختران جوان بین سنین مذکور در غرب، دیده می‌شود که این موضوع در اولویت برنامه‌های سازمان‌های زنان در کشورهای اسلامی قرار گرفته است. (این سازمان‌ها از این واقعیت انتقاد نمی‌کنند که چرا در غرب خصوصاً امریکا از دختران مجرد اطفال نامشروع متولد می‌شود؛ بل با کمال بی‌شرمی شمشیر انتقادشان را از غلاف بر این امر برکشیده‌اند که چرا زوج‌های جوان در بین سنین ۱۹-۱۵ ازدواج نموده و طفل به دنیا می‌آورند و فاصله میان نوزاد را رعایت نمی‌کنند.

در سال ۲۰۰۰م، ۴۸ درصد خانواده‌های امریکا اعضای غیرمتأهل داشتند و پدران مجرد ۳۵ درصد و مادران مجرد ۴۲ درصد بودند. یک میلیون زن خورسَن در امریکا بدون ازدواج حامله بودند و ۴۰۰ هزار تن آنان دست به سقط جنین زدند. بیشتر از ۵۰ درصد مردان و ۱۰۵ میلیون زن هم‌جنس‌گرا شده‌اند. این تنها گوشه‌ای از حاصل دموکراسی و آزادی است؛ زنده‌گی بی‌نظم و اجتماع فروپاشیده‌ای که آن‌ها در آن زنده‌گی می‌کنند و می‌خواهند به هر وسیله‌ای به ما انتقال دهند.

بناءً خواهران گرامی من! آیا منفعت زنان و خانواده‌های‌شان این‌گونه تأمین می‌شود؟ یا هدف نهفته در عقب این پروژه‌ها و عهدنامه‌ها دستیابی به زنده‌گی اجتماعی مسلمانان و تخریب خانواده‌های اسلامی با فاسد کردن زنان مسلمان و در نتیجه، فاسد کردن تمام نسل مسلمانان می‌باشد؟

من فکر می‌کنم که پاسخ واضح است و متأسفانه، آن‌ها به یک بخش وسیعی از اهداف و برنامه‌های‌شان نیز دست یافته‌اند. این موضوع از چشم کسی که حالت زنده‌گی اجتماعی جهان اسلام را مشاهده می‌کند، پوشیده نیست؛ اوضاع بد و بی‌نهایت متزلزلی که خانواده‌های مسلمان با آن سروکار دارند و پریشانی و اضطرابی که تقریباً تمام جنبه‌های آن را احاطه کرده است.

بلی، این همان وضعیتی است که امروزه خانواده‌ها در آن قرار دارند؛ وضعیتی که به‌خاطر اصلاحات قانونی و مقیاس‌های سیاسی قطع و گم شده است؛ طوری که خانواده‌های‌مان را در تمام

جنبه‌ها از ازدواج و عهدنامه‌های بزرگ گرفته تا مدیریت میزان تولد متأثر کرده‌است. در مصر، رئیس‌جمهور سبسی به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷م بر منع پدیده ازدواج دختران خوردسن سخت فشار آورد که به وضع قانون منع ازدواج پیش از ۱۸ ساله‌گی منجر شد. برعلاوه، سازمان عدالت و توسعه-یک سازمان غیردولتی که بر مبنای اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق و قوانین بین‌المللی بشری توسط سازمان ملل مطرح شده‌است، عمل می‌کند-خواستار وضع قوانین سختی شد که سن ازدواج را برای مردان و زنان تا ۲۰ سال بالا ببرد؛ برعلاوه این که یک قانون برای جرم شناختن ازدواج دختران خوردسن و ازدواج‌های زود هنگام و سنتی وضع شود. هم‌چنان، این سازمان بین‌المللی، به‌خاطر بیان آن چه خطر افزایش نفوس در مصر و افزایش میزان تولد خوانده می‌شود، قانونی را طرح کرده‌است که بر مبنای آن از داشتن بیشتر از دو طفل برای ۱۰ سال ممانعت می‌کند؛ طوری که طفل سوم از گرفتن حمایت و تحصیل رایگان محروم است؛ حال آن‌که، شریعت به‌خاطر افزایش نوع بشر و به‌منظور تولد و تکثیر به ازدواج تأکید می‌کند. رسول الله ﷺ فرمودند:

«تَنَاقَحُوا تَكَاتَرُوا وَتَنَاسَلُوا فَإِنِّي مَبَاهٍ بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

ازدواج و تکثیر کنید؛ چون من در روز قیامت (به فراوانی‌تان) نزد دیگر امت‌ها افتخار می‌کنم.

در تونس وزارت زنان و خانواده بر عهدنامه سیداو (CEDAW) شرایطی را تعیین کرده‌است که با بسیاری از احکام اسلامی، که لازمه اسلام است، تناقض دارد. آن‌ها قانونی را وضع کرده‌اند که به یک مسلمان اجازه می‌دهد با یک غیرمسلمان ازدواج کند؛ درحالی که شارع این نوع ازدواج را به صورت صریح و واضح در این نص حرام قرار داده‌است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ﴾

[ممتحنه: ۱۰]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان باایمان به‌عنوان هجرت نزد شما آیند، آن‌ها را آزمایش کنید؛ الله ﷻ به ایمان‌شان آگاه‌تر است؛ هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آن‌ها را به‌سوی



کفار بازنگردانید؛ نه آن‌ها برای کفار حلال اند و نه کفار برای آن‌ها حلال!

حتی احکام الهی پیرامون نفقه نیز امن نمانده است. قوه قضائیه در یک قانون غیرمعمول مادر را مکلف کرده است که بعد از طلاق از همسرش، در تأمین نفقهٔ اطفالش که تحت مراقب شوهر قبلی اش قرار دارند، شرکت داشته باشد؛ در حالی که شریعت زن را مکلف نکرده است که نفقه را بپردازد؛ حتی اگر توان آن را داشته باشد؛ اما در مقابل، این وظیفه را به دوش سرپرست (مرد) آن‌ها گذاشته است. نفقه حق زن بر مرد است؛ نه مرحمتی از جانب مرد و او آن را با رضایت و دل بستگی می‌گیرد. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [طلاق: ۷]

آنانی که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگ‌دست اند از آن چه که الله ﷻ به آن‌ها داده انفاق نمایند. الله ﷻ هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده است، تکلیف نمی‌کند. الله ﷻ به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد.

و او ﷻ می‌فرماید:

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [بقره: ۲۳۳]

و برای آن کس که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است که خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد).

این برعلاوه‌ی ممانعت از چندهمسری و اجازه دادن زنان برای طلاق دادن شوهرشان بدون کدام دلیل مشروع می‌باشد.

در سودان، قضایای مربوط به نفقه یکی از شایع‌ترین قضایا در محاکم است و در حدود ۷۰ قضیه‌ی مربوط به نفقه در روز اتفاق می‌افتد. این در نتیجه ضعف در وضعیت قانون فردی سال ۱۹۹۱م سودانی‌هاست که بر اصول غیراسلامی استوار بوده و ماده‌هایی که تهیه‌ی نفقه از



دوش شوهر را بر می‌دارد، اجباری ساخته است. این موضوع منتج به یک رنج واقعی برای زنان مطلقه و اطفال شده است.

در اردن، یک شورای عالی برای مردم به هدف کاهش آمار تولد و تناسل از طریق کنترل تولدات و ناباروری به بهانه‌ی بهترساختن وضعیت اقتصادی مردم تأسیس شده و فقر و بیکاری را به رشد خانواده ارتباط می‌دهد؛ حال آن‌که یک گزارش رسمی در سال ۲۰۰۴م منتشر شد و بیانگر این بود که نرخ تولد در سال ۱۹۷۶م ۷,۴ بود و اخیراً به ۱,۲ درصد رسیده است؛ در حالی که بیکاری، فقر و کسر سالانه‌ی بودجه در حال افزایش اند. جنبش متحد و مشهور اخیر، بهترین ثبوت برای ارتباط نادرست بحران‌های اقتصادی با نرخ تولد است که به‌منظور به اغوا نمودن افکار عمومی و منحرف کردن آن از محاسبه‌ی دولت به وجود آمده است؛ به‌خاطری که این تنها چیزی است که این واقعیت رقت‌انگیز را من حیث یک نتیجه برای تطبیق دیدگاه اقتصادی سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی به وجود آورده است.

در ترکیه، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترک در یک سخنرانی‌اش در جریان اشتراک در یک گردهمایی، که به مناسبت روز جهانی زن توسط وزارت خانواده سازمان‌دهی شده بود، گفت: «این ضروری است تا دیدگاه اسلام به‌زور شود؛ هیچ چیزی از اسلام که ۱۴ یا ۱۵ قرن قبل به وجود آمده، قابل تطبیق نیست و این که تطبیق اسلام نظر به مکان، زمان و وضعیت فرق می‌کند و در این جا زیبایی اسلام در نظرات‌اش نهفته است. این در قانون ازدواج کشور منعکس شده و در محاکم مدنی تبارز یافته است.» برعلاوه الغای چندهمسری به طور رسمی در سال ۱۹۲۶م صورت گرفت؛ در حالی که شریعت با این گفته‌ی الله ﷻ آن را جایز گردانیده است:

﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنِي وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا﴾ [نساء: ۳]

از زنان هرچه شما را پسند افتد، دو دو، و سه سه و چهار چهار به نکاح درآورید.

بناءً خواهان من! سازمان‌های غربی همراه با دولت‌ها و رژیم‌های مزدورشان در جهان اسلام و با فریب دادن برخی از سازمان‌های زنان دست به دست هم داده به گسترش فساد و بی‌حیایی تلاش نمودند. سرانجام، نتیجه‌ی فعالیت آن‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های از قبیل حمایت از



آزادی زنان و مساوات آن‌ها با مردان و علی‌رغم آن تعدیل برخی از قوانین به منظور از بین بردن قوانین اسلامی در مورد احوال شخصیه و گذشته از همه از میان برداشتن قوانین الهی در پیش چشم تمام مسلمانان می‌باشد. این رژیم‌های دست‌نشانده و مزدور شروع به کسب درامدشان از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی و تسخیر (فکری) زنان مسلمان با راه‌اندازی این‌گونه برنامه‌ها نموده و آنان را از طریق این برنامه‌ها که گویا برای از بین بردن بی‌عدالتی مهم و ضروری می‌باشد، فریب دادند. این رژیم‌ها طوری زنان مسلمان را فریب دادند که گویا این همه بی‌عدالتی‌ها ناشی از احکام الهی است.

بناءً آن‌ها قوانینی را تصویب نمودند که بتوانند از طریق آن بالای حدود الله ﷻ حمله نموده و زنان افراد متأهل مشروعیت دهند، و آن‌ها احکام الله را در طلاق، میراث، چندهمسری و خلط زن و مرد تحریف کرده اند و ازدواج شرعی را به ازدواج مدنی تبدیل کرده اند؛ ازدواج یک زن مسلمان را با یک کافر اجازه داده و برای مسلمان این حق را داده اند تا با خواهرش که از یک پستان هم‌ریش شیر خورده، ازدواج کند. برعلاوه، دست‌کاری مدت انتظار مشروع دوره‌ی طلاق و کیفری ساختن آن و مبارزه با ازدواج زود هنگام من حیث یک حق مشروع حقوق بشر بوده که این موضوعات را کیفری ساخته است. هم‌چنان، تشویق کردن زنان حامله برای سقط حمل‌شان من حیث اهرم کنترل تولدات استفاده می‌شود. اجرای پالیسی کنترل تولدات به منظور کاهش نرخ بالای رشد تولد، برعلاوه‌ی وجود محبت، مهربانی و آسایش بین زن و شوهر، اطاعت اطفال از والدین‌اش و استحکام ارتباطات بین یک خانواده، در حال تبدیل شدن به یک نگرانی بزرگ برای غرب شده است.

همراه با نتایج منفی این وضعیت، فقر، طلاق، جدایی و پارچه شدن خانواده، پراکنده شدن اعضای آن و مشکلات دیگری؛ مانند هجوم و خلط آزاد زن و مرد در زنده‌گی مسلمانان، پرشدن بیمارستان‌های خصوصی از افراد مسن و گسترش زنانی که برهنه هستند، اگرچه لباس برتن دارند و زیبایی و زینت خود را نمایش می‌دهند... در حال افزایش است. مطالعه‌کننده‌ی خانواده‌ی مسلمان این را در می‌یابد که فساد گسترش یافته و به‌صورت باز و عام آشکار شده است. خانواده تبدیل به مخلوطی از ایده‌های اسلامی و غربی شده است و بیشتر اوقات اینست که افکار کفر

در غیاب مادر پرورش دهنده، ملسط می‌شوند؛ حال آن‌که افکار و مفاهیم اسلام در گوشه‌ی انزوا رفته و از افرادشان بیگانه شده‌اند. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ﴾ [روم: ۴۱]

به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از کارهای‌شان را بچشانند، باشد که بازگردند.

خواهران باعزت! چیزی که ما گفتیم تقویت‌کننده‌ی چیزیست که ما تلاش داریم نشان دهیم که این حیرت‌آور و حتی برای دانستن وقیح است. این کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌ها که ظاهراً بخشی از پروژه‌های انکشافی و توان‌مندی زنان است؛ حال آن‌که درحقیقت آن‌ها بخشی از تلاش‌های بی‌رحمانه‌ی غرب برای منحرف کردن زنان مسلمان از طریقه‌ای است که خالق کائنات، انسان و زنده‌گی برایش ترسیم کرده است و این‌که خانواده‌ی مسلمان را براساس چیزی که خالق کائنات مقرر داشته و با هم پیوسته هستند، به شدت فاسد بسازند. این مشهور است که موضوعات و دیدگاه‌های آن کنوانسیون‌های بین‌المللی فقط برای ریشه‌کن کردن دیدگاه اسلام از زنده‌گی مسلمانان به وجود آمده و پیشرفت کرده است؛ مخصوصاً با احترام به نظام زنده‌گی اجتماعی‌شان، که شماری از دیدگاه‌های درست دین را به طور وسیع فراموش نکرده و درخود دارد.

برای تأکید، در ماده‌ی ۲ CEDAW (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان) تصریح یافته است که: «احزاب دولتی هر قانون موجود، قاعده، عنعنه و تلاشی که تبعیض علیه زنان را ناشی بشود، به شمول آن‌هایی که اساس دینی دارند، آن‌ها را با قوانین بین‌المللی تبدیل خواهیم کرد.» چنان‌چه در ماده‌ی ۴ اعلامیه‌ی جهانی محو خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳م، بیان می‌کند که: «دولت باید خشونت علیه زن را محکوم کند؛ نباید به کدام عنعنه، سنت یا ملاحظه‌ی دینی استناد کند که در تضاد با وجیهی آن-ریشه‌کن کردن خشونت علیه زن- قرارداشته و موجب چشم‌پوشی از آن شود و باید به تمام معنای ممکن و بدون تعویق، پالیسی را تعقیب کند که



هدف‌اش محو خشونت علیه زنان باشد.»

بناءً خواهران باعزت من، ما می‌بینیم، چگونه این امر به خوبی شرح داده شد؛ تمام چیزهایی که زنان آرزو دارند، از امنیت گرفته تا سلامت و رفع بی‌عدالتی از ایشان، فقط توسط رفع موانع از جلو دین به دست خواهند آمد و با مراجعه به دین اسلام؛ چرا که غیر از اسلام دین دیگری وجود ندارد که زنده‌گی تمام بشریت را به وجه احسن تنظیم کند. در نتیجه، آن‌ها تلاش می‌کنند تا راه‌حل‌های شرعی را با کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین‌شان، که ادعاء می‌کنند، نگران زنان، زنده‌گی‌شان و خانواده‌ی‌شان هستند، جایگزین کنند. ما از این نتیجه می‌گیریم که تمام ابتکارات امروزی در حال انجام و کنفرانس‌هایی که برگزار شده و برگزار خواهند شد، مانورهای صلیبی غربی برای فریب و اغوای مردم هستند. به توفیق الله عز و جل، تا زمانی که اذهان، قلب‌ها و چشم‌های مواظب و هوشیار وجود داشته باشند، این مانورها محکوم به شکست اند. چنین تمدنی و بدی‌های آن باید ریشه‌کن شوند؛ برای این‌که این تمدن فقط باعث بدبختی و سختی برای تمام بشریت شده است و نه فقط برای زنان؛ قسمی که در بعد معنوی آن‌ها ناکام مانده‌اند، جنبه‌های اخلاقی بسیار ضعیف شده‌اند و زنده‌گی اجتماعی تماماً در حال تجزیه و فروپاشی است. بناءً هیچ خانواده، اعضای خانواده و کدام تبار خانواده‌گی و غیره وجود ندارد که تأثیرات منفی این تمدن بر مردمش، که ما به بخش کوچکی از آن‌ها اشاره کردیم، برجای نمانده باشد.

بیایید که تلاش کنیم و به آن‌ها اجازه‌ی ادامه در این ویرانی را ندهیم و نگذاریم که آن‌ها به دستان ناپاک‌شان و یا این‌که توسط مزدوران و غلامان‌شان دست به چنین خرابی بزنند. این امر محقق نخواهد شد؛ مگر این‌که امت اسلامی به عقیده و خطوط قرمز خود ثابت قدم باقی بماند. ما مسلمان هستیم و زاویه‌ی دید ما برای موضوعات خورد و بزرگ، فقط باید از نقطه نظر عقیده‌ی اسلامی باشد. بیایید ببینیم که اسلام چه چیزی را برای ما دستور داده و چه طریقه‌ای را برای ما ارائه کرده است تا به آن چنگ زده و به آن عمل کنیم. غرب با تمام توان تلاش می‌کنند تا از احیای حق جلوگیری کنند که احیای حق توسط یک نسل آگاه از دین به وجود خواهد آمد؛ آگاه از این حقیقت که به خوبی، سرفرازی و خوش‌بختی نخواهند رسید؛ مگر توسط دولتی که با قانون الله عز و جل و جهان‌بینی‌اش حکومت کند.

فلهذا بر ما لازم است تا من حیث زنان مسلمان، باید با هر دعوت سیکولر و هر تصامیم بین‌المللی، که با تمام امور ما تضاد دارد، با یک دید اسلامی بجنگیم. ما باید با این دعوت‌های اشتباه و سازمان‌های فاسدی که با با دین حق و ارزش‌های اسلامی در ستیز اند، مقابله کنیم تا باشد که لبه‌گاه این وادی خطرناک قرار نگیریم. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ * وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا
وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ﴾ [طه: ۱۲۳-۱۲۴]

هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه در رنج خواهد بود! و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

رنا مصطفی

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر



متن سخنرانی ششم
حزب التحریر - ولایه ترکیه

حفظ خانواده از طریق نظام اجتماعی اسلام

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

خواهران گرامی! زمانی که رب العالمین می‌فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ [تین: ۴]

به تحقیق که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.

هم‌چنان، او ﷺ می‌پرسد:

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ [قیامه: ۳۶]

آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟!!

دلیل این‌که چرا جوامع سراسر جهان، به شمول جوامع مسلمانان با بحرانی دست و پنجه نرم می‌کند که بر یکپارچه‌گی و هم‌آهنگی زنده‌گی زناشویی و خانواده‌گی اثر می‌کند، نظام‌های خودخواهانه، محدود و ساخته بشر است که توسط اذهان سرگردان‌شان تهیه شده‌است. "خانواده اساس و بنیاد جامعه می‌باشد." اجتماع و خانواده از مرد و زن تشکیل شده‌است. در نتیجه، ما به‌منظور "حفظ خانواده" به نظامی ضرورت داریم که رابطه بین مردان و زنان را به یک روش درست و سودمند و به‌صورت مؤثر برای جامعه تنظیم کند؛ طوری که همکاری متعادل بین مرد و زن را در فعالیت‌های زنده‌گی تأمین و از استحکام واحدهای خانواده حفاظت می‌کند. باید نظامی باشد که تمام حقوق، نقش‌ها و فعالیت‌های اعضای خانواده را به‌صورت مؤثر مشخص کند تا تمام مسئولیت‌های‌شان را کامل و استحکام واحدهای خانواده، آرامش و خوشی آن را تأمین کند. بدون شک، این نظام اجتماعی اسلام است که کاملاً بر مبنای قوانین الهی استوار می‌باشد و از فساد حاصل از اذهان محدود و سرگردان بشر جلوگیری می‌کند. نتایج نداشتن یک نظام اجتماعی با قوانین و مقررات مؤثر پیامدهای ناگواری را در قبال

دارد که از جمله می‌توان به روابط آزاد بین مردان و زنان، که سبب بی‌نظمی و مشکلات بزرگی می‌شود، افزایش روابط خارج از زناشویی، که باعث ازهم گسیختگی خانواده‌ها می‌شود، اطفال بی‌شماری که تولد شده‌اند؛ ولی پدرشان را نمی‌شناسند، حمل دختران نوجوان، امراض مسری قابل انتقال از طریق روابط جنسی نامشروع، صدها هزار مادری که می‌کوشند طفل‌شان را تنها بزرگ کنند و میزان تکان‌دهندهٔ تجاوز و دیگر جرایم جنسی علیه زنان را عنوان کرد. برعلاوه، تلاش‌ها برای "برابرسازی" حقوق، نقش‌ها و وظایف مردان و زنان زیر عنوان مفکورهٔ ناقص "برابری جنسیتی"، عقلی بودن و عدم وضاحت در مسئولیت‌های مردان و زنان، باعث سراسیمه‌گی، هم‌چشمی و اختلاف بین زن و شوهر در زنده‌گی خانواده‌گی و زناشویی شده‌است؛ طوری که به سونامی فروپاشی خانواده در سراسر جهان - به شمول سرزمین‌های مسلمانان - منجر شده‌است.

ایدیولوژی‌ها و رژیم‌های سرمایه‌داری، اشتراکی و سوسیالیستی حاکم امروز تنظیم روابط بین مردان و زنان را ضرور نمی‌دانند. سرمایه‌داری وجود مقررات در تعامل جنسیت‌ها را نمی‌پذیرد؛ چون باور دارد که این امر جامعه را محدود می‌کند و این‌که روابط بین مردان و زنان بجای ازدواج باید بر اساس آزادی شخصی باشد و رضایت‌شان در تمایلات خودخواهانهٔ فردی، مانند ماده‌پرستی، لذت‌پرستی و خودخواهی را تأمین کند. آن‌عهه افرادی که از فرهنگ سرمایه‌داری متأثر اند، اغلب ازدواج و داشتن طفل را مانعی سد راه منافع مادی و غریزشان می‌دانند. به همین ترتیب، ایدیولوژی‌های کمونیستی و سوسیالیستی نه‌تنها وجود خالق را انکار می‌کنند؛ بلکه خالق بشر را از هر نوع ماده در طبیعت می‌جزا می‌دانند. چین کمونیست به‌خاطر ترس از ناتوانی در تهیهٔ مواد غذایی و دیگر مایحتاج مادی برای جمعیت درحال افزایش‌اش، بیشتر از ۳۵ سال است که سیاست "یک خانواده، یک فرزند" را دنبال می‌کند. آن‌ها می‌خواهند از طریق خصی کردن (عقیم ساختن) مردم به رشد و انکشاف دست یابند. در حقیقت، هم سیاست‌های فرهنگی سرمایه‌داری و هم سیاست‌های اختگی کمونیستی فقط به پیری بی‌حد جمعیت و افزایش مشکلات اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. تمام این مقررات بر سازمان‌های ازدواج و خانواده تأثیر منفی داشته‌است. بشر در نبود مقررات کامل و درست، تحت چنین ایدیولوژی‌هایی زنده‌گی می‌کند که از آن در مقابل تغییرات مستمر قوانین، دیدگاه‌ها



و شیوه‌های زنده‌گی یک دستگاه آزمایشگاهی ساخته است.

در مقابل، اسلام تنها روش زنده‌گی و ایدیولوژیی است که از یک نظام اجتماعی جامع و کامل برخوردار است و یک مجموعه کامل از ارزش‌ها، قوانین و محدودیت‌هایی را تضمین می‌کند که روابط بین مردان و زنان را در جامعه به صورت مؤثر تنظیم می‌کند و وظایف خانواده‌گی و زناشویی‌شان را برای ایجاد و حفظ استحکام و هماهنگی واحدهای خانواده مرتب می‌کند. نظام اجتماعی اسلام کاملاً بر اساس عقیده اسلامی بنا شده است و با تنظیم ارتباط بین مردان و زنان می‌کوشد تا زمینه را برای همکاری مردان و زنان در جامعه و در یک محیط سودمند، مفید و امن برآورده کند؛ طوری که جاه و منزلت مردان و زنان حفظ شود و از ازدواج‌ها و خانواده‌های منظم و آرام حفاظت نماید.

همکاری سالم بین مردان و زنان نه در آزاد گذاشتن‌شان در تعاملات و نه در انزوای زنان از جامعه برآورده می‌شود؛ بلکه با انجام یک مجموعه قوانین و مقرراتی بدست می‌آید که بر دیدگاه درست غریزه بقای نوع بنا شده است و این مجموعه قوانین رابطه جنسی بین مرد و زن را که تنها از طریق ازدواج کامل می‌شود، تنظیم می‌کند. نظام اجتماعی اسلام نیز بر اساس این نقطه نظر صحیح ایجاد شده است؛ دیدگاهی که اخلاص، تقوی و عفتی را تضمین می‌کند که همکاری سالم بین مردان و زنان را تأمین و از واحدهای خانواده حفاظت می‌کند؛ قسمی که سبب برقراری آرامش در جوامع می‌شود و باعث ادامه نسل بشر می‌شود.

در جوامع سرمایه‌داری، اشتراکی و سوسیالیستی نیز همانند فرهنگ‌های شرقی غیراسلامی، روابط بین مردان و زنان به جای هدف درست غریزه جنسی، که بقای نسل بشر می‌باشد، بر عناصر جنسیتی و جنبه لذت‌جویانه تمرکز یافته است. این جوامع طغیان و سرکشی غریزه جنسی را چاره‌ناپذیر می‌دانند. ازین‌رو، آن‌ها با ایجاد و انتشار حقایق، وسایل و مواد گوناگون محرک افکار جنسی در جوامع، می‌خواهند غریزه جنسی مردان و زنان را تحریک نمایند. بنابر این، اختلاط آزاد در خانه‌ها، پارک‌ها، جاده‌ها، حوض‌های آب‌بازی، محافل، کلوپ‌ها، فیلم‌ها، آهنگ‌ها، کتب، مجلات، و غیره که باعث تحریک غریزه جنسی می‌شود، حاصل این دیدگاه است و به‌گونه یک امر عادی در جوامع اسلامی طوری دیده می‌شود که در عنصر خوشبختی در



روابط بین جنس‌ها جای گرفته‌است. این‌ها همه عوامل مهم "بحران خانواده" در جوامع لیبرال، کمونیست و سوسیالیست است. بناءً راه‌حل معقول این است: حقایقی را که سبب تحریک غریزه جنسی می‌شود و افکار جنسی را در زنده‌گی عامه برمی‌انگیزد، ریشه‌کن کنیم و دیدگاه جامعه را در مورد ارتباط جنسی مردان و زنان با هدف درست آن، که همانا ازدواج و تولید مثل می‌باشد، جایگزین کنیم.

خواهران گرامی! نگرانی حقیقی و تنها مرجع ما به عنوان مسلمان باید دیدگاه اسلامی باشد. ما به عنوان مسلمان باید غرایز جنسی و جنبه‌های جنسی روابط مرد و زن را فقط در روشنی قرآن و سنت مراقبت کنیم و باید این دورنمای صحیح را با تمام توان در آغوش بگیریم. با انجام این کار و گرفتن آیات قرآن به وضوح می‌بینیم که هدف از وجود غریزه جنسی فقط تولید مثل و ازدواج است؛ حال آن‌که عنصر لذت، که از انجام این غریزه به صورت طبیعی حاصل می‌شود، باید تنها در چارچوب ازدواج محدود شود. برعلاوه، نباید تمرکز دیدگاه روی روابط بین مردان و زنان باشد. الله ﷻ این‌گونه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾

[نساء: ۱]

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید؛ همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و او از آن دو، مردان و زنان بسیاری (در روی زمین) منتشر کرد و از پروردگاری بپرهیزید که (همه‌گی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید. (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود بپرهیز کنید؛ زیرا الله (ﷻ) مراقب شماست.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقُرُونَ﴾ [روم: ۲۱]



و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مؤدّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

﴿وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ [نحل: ۷۲]

الله (ﷻ) برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسران‌تان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت الله (ﷻ) را انکار می‌کنند؟!

این همان دیدگاهی ست که نظام اجتماعی اسلام بر آن استوار است و قوانین‌اش روابط بین مردان و زنان را به صورت مؤثر تنظیم می‌کند؛ چنان‌که تحریک تمایلات جنسی و تکمیل جنبه‌های جنسی تنها به ازدواج محدود می‌شود. اجازه دهید تا ان‌شاءالله برای‌تان چند مثال ارائه کنم:

۱. اسلام به هر مرد و هر زن امر می‌کند تا نگاه‌شان را از عورت جنس مخالف بگردانند.

الله (ﷻ) دستور می‌دهد:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ...﴾ [نور: ۳۰]

به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است...!

و سپس او (ﷻ) خطاب به زنان می‌گوید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ [نور: ۳۱]

و به زنان باایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند...!

هم‌چنان، اسلام مردان و زنان را از نگاه شهوت‌آلود و نگاه به زینت شوهر یا زن دیگران منع کرده‌است. از حضرت علی رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«لَا تُتْبِعِ النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَإِنَّ لَكَ الْأُولَىٰ وَلَيْسَتْ لَكَ الْآخِرَةُ»

به تعقیب نظر اول نگاه نکن! اولی برایت جایز است؛ ولی بعدی نه!

۲. الله ﷻ به زنان امر کرده‌است که در حضور مردان نامحرم تمام بدن‌شان را، بجز صورت و دست‌ها، بپوشانند. هم‌چنان، الله ﷻ به زنان دستور داده‌است تا در صورت خروج از خانه و ورود به اماکن عامه، خمار (شال) و حجاب بپوشند. رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِنَّا لَجَارِيَةٌ إِذَا حَاصَتْ لَمْ يَصْلُحْ أَنْ يُرَىٰ مِنْهَا إِلَّا وَجْهَهَا وَيَدَاهَا إِلَى الْمَفْصِلِ»

(رواه ابو داوود)

زمانی که یک دختر جوان به قاعده‌گی می‌رسد؛ جائز نیست که قسمتی از بدنش، به‌جز صورت و دستانش تا مچ دست، دیده شود!

و الله ﷻ می‌فرماید:

«...وَلَا يُبَدِّينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...» [نور: ۳۱]

و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست، آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» [احزاب: ۵۹]

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشند؛ این



مناسب‌تر است تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و الله (ﷻ) آمرزنده و مهربان است.

۳. الله (ﷻ) زنان را از تبرج (برجستگی اعضای بدن) خود که باعث تحریک غریزه‌ی جنسی در مردان می‌شود، در حضور نامحرم منع نموده است. الله (ﷻ) می‌فرماید:

﴿...مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾ [نور: ۳۱]

...جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند...

﴿...وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...﴾ [نور: ۳۱]

...و چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ...

۴. اسلام خلوت یا حضور یک مرد و زن را به صورت تنها با هم بدون کدام محرم (خلوت) منع کرده است. رسول الله (ﷺ) فرموده اند:

﴿لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا وَمَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ﴾

هیچ مردی نباید با یک زن تنها باشد؛ مگر زمانی که یک محرم برای او وجود داشته باشد!

۵. اسلام به جدایی بین زنان و مردان نامحرم در زنده‌گی خصوصی و عمومی اهتمام زیادی کرده است، تجمع و دیدار آن‌ها را منع کرده؛ مگر با دلیلی که توسط شریعت مشخص شده باشد؛ مانند: تجارت، تحصیل، کار، خدمات صحی، فعالیت‌های سیاسی، تحکیم صله‌ی رحم با بسته‌گان و یا حمل دعوت اسلامی، اجازه داده است. پیامبر (ﷺ) در زمان تنظیم کردن صفوف نماز، زنان را از مردان جدا می‌کرد. وقتی که پیامبر (ﷺ) دید که مردان و زنان در زمان بیرون‌شدن از مسجد با هم خلط می‌شوند، به آن‌ها دستور داد تا جدا شوند و حتی برای اطمینان از جدایی به آن‌ها گفت تا دروازه‌های متفاوتی برای مردان و زنان بسازند. ابو‌اسید رحمة‌الله علیه روایت می‌کند که از پیامبر صلی‌الله علیه وسلم شنیده است: زمانی که او صلی‌الله علیه وسلم از مسجد



بیرون می‌شد و دید که زنان و مردان در راه با هم یکجا می‌شدند، او ﷺ فرمودند:

«اسْتَأْخِرْنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكِنَّ أَنْ تَحْقُقْنَ الطَّرِيقَ عَلَيَّكِ بِحَافَاتِ الطَّرِيقِ» (رواه ابوداؤود)

توقف کنید! شما نباید در بین راه قدم بزنید؛ در کنار راه بایستید تا این‌که زنان به اندازه‌ای دور شوند که لباس‌شان دیده نشود!

ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمودند:

«لَوْ تَرَكْنَا هَذَا الْبَابَ لِلنِّسَاءِ» (رواه ابوداؤود)

ما باید این دروازه (دروازه‌ی مسجد) را برای زنان واگذار کنیم.

هم‌چنان پیامبر صلی الله علیه وسلم برای تدریس اسلام برای زنان و مردان، صنف‌های جداگانه‌ای را تنظیم کرده اند.

۶. و در آخر، اسلام نمایش هرزه‌گی در جامعه یا جنسی کردن زنان یا مردان را در جامعه منع نموده است؛ چه در اعلانات، برنامه‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌ها، آهنگ یا هر چیز دیگری که باشد. مسلمانان به عفت و پاکدامنی ملزم شده اند و از هرگونه ارتباط جنسی خارج از ازدواج و هر عملی مانند به آغوش گرفتن، دست هم را گرفتن و یا بوسه زدن مردان نامحرم، منع شده اند. هم‌چنان، برای ارتباط خارج از زناشویی مجازات‌های سخت به شمول مجازات مرگ برای زنا محصنه، در نظر گرفته شده است.

در کنار این همه، اسلام قویاً توصیه به ازدواج می‌کند؛ هم‌چنان ازدواج در سنین پایین، که از اشباع غریزه‌ی جنسی به صورت درست آن اطمینان داده و از فساد ناشی از ازدواج دیر هنگام و عدم ازدواج در جامعه جلوگیری می‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

«يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ» (رواه بخاری، ابن ماجه، مسلم)



ای کسانی که جوان هستید و توانایی ازدواج را دارید؛ پس ازدواج کنید که این برای حفظ عفت و کاستن چشم‌چرانی بسیار مؤثر است و اگر به انجام آن توانایی نداشتید، پس روزه بگیرید!

خواهران عزیز! تمام این موارد بیان‌کننده‌ی یک ارتباط پاک بین مردان و زنان بوده و از همکاری درست میان‌شان اطمینان می‌دهد، بیانگر حرمت ازدواج بوده، نظم خانواده را حفظ می‌کند و زنان و مردان را قادر می‌سازد تا موفقانه به هدف نهایی زنده‌گی، که همانا به دست آوردن رضایت الله ﷻ است، تمرکز کنند.

خواهران باعزت! نظام اجتماعی اسلام بر علاوه‌ی این که برای تنظیم روابط بین زن و مرد در جامعه به طور مؤثری حیاتی است، هم‌چنان برای تنظیم قوانین، حقوق و مسئولیت‌های مرد و زن در ازدواج و در واحد خانواده به طور مؤثری مهم است، تا اندازه‌ای که به جای اغتشاش، مشاجره، اختلاف و غفلت از حقوق همدیگر، آرامش را در ازدواج و سازگاری را در خانواده و بین اعضای خانواده به وجود می‌آورد. در مقایسه با نظام‌های ساخت دست بشر، قوانین، حقوق و مسئولیت‌ها در اسلام نه بر اساس تساوی جنسیت و حق انتخاب، که مشکلات فردگرایانه‌ی مضر را برای زنده‌گی خانواده خلق کرده و نه هم بر اساس سنت‌های غیراسلامی‌ای که زنان را از حقوق و فعالیت‌های مسلم‌شان، که اسلام برای آن‌ها در نظر گرفته، محروم می‌کند، تعریف می‌شود. برعکس، ازدواج اسلامی و حقوق خانواده فقط توسط الله ﷻ تجویز شده است؛ ذاتی که می‌داند چه چیزی برای تمام اعضای خانواده، میان ساختار خانواده-مرد، زن، اطفال، بزرگان و مدل توسعه‌یافته‌ی خانواده- بهترین است. این یک حقیقت است که این حقوق و مسئولیت‌ها در نظام اجتماعی اسلام به صورت الهی وضع شده که بالأخره باعث پیدایش ساختارهای سالم خانواده و یک جامعه‌ی سالم شده است؛ قسمی که در تاریخ گذشته‌ی اسلام تمام مسلمانان خودشان من حیث یک امت می‌دانستند.

به عنوان مثال: مونی‌ور آیاسلی هانیمیفندی، یک "اشراف‌زاده‌ی عثمانی" و نویسنده‌ی سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۹۹م، که در خانواده‌ی عثمانی و تحت حاکمیت خلافت عثمانی تولد شده، تجارب‌اش را چنین بیان می‌کند: «من باور ندارم که زیبایی، پاکی و اخلاص زنده‌گی

خانواده‌ی عثمانی کدام جای دیگری وجود داشته است. زنده‌گی اسلامی عثمانی‌ها در صدر هرم زیبایی قرار داشت... اگر از من بپرسید که زنده‌گی عثمانی چه بود، من در پاسخ خواهم گفت که آن یک گل زیبا بود؛ یک شعر زیبا و منظم.»

این حالت مطلوب یک خانواده است: خانواده‌ی مسلمان باید مانند گلِ سرسبز جامعه باشد که در باره‌اش صحبت می‌شود؛ سازگاری در زنده‌گی این خانواده‌ی شاعرانه از این حقیقت سرچشمه می‌گیرد که نقش‌ها، وظایف و حقوق متفاوت برای مردان، زنان و اطفال توسط اسلام تجویز شده و در ازدواج و زنده‌گی خانواده‌گی، همه مکمل یکدیگر اند. بر علاوه، حالت زناشویی مجزا و مسئولیت‌های خانواده‌گی بین زنان و مردان بر اساس تنوع سرشت و مشخصات‌شان تقسیم شده است. در این ساختار که توسط الله ﷻ سازمان‌دهی شده، مرد سرپرست و تأمین‌کننده‌ی خانواده است؛ در حالی که زن مدیر خانواده و سرپرست کودکان بوده و برایش لازم است تا از شوهرش اطاعت کند. از این‌رو، نگهداری و سرپرستی از کودکان به زن داده می‌شود؛ در حالی که در برخی شرایط مردان سهم بیشتری از میراث نسبت به زنان به‌دست می‌آورند؛ از آن‌جا که او مسئول حمایت مالی نه‌تنها زن و فرزندان خود، بل تعدادی از بسته‌گان (بسته‌گان زن) خود را هم عهده‌دار است؛ در حالی که زن هیچ مسئولیتی برای مصرف سرمایه‌ی خود در خانواده ندارد. کاری که برای زن در خانه داده می‌شود، مستلزم توجه زیاد، تلاش و زمان است، شریعت این مسئولیت را که باید برای خانواده‌اش پول به‌دست بیاورد، برایش لازم نکرده و ترجیحاً این مسئولیت را از شانه‌های زن برداشته و آن را برای مرد واجب ساخته است. این تفاوت‌ها در حقوق جنسیت‌ها و مسئولیت‌های‌شان، منعکس‌کننده‌ی سلسله‌ی مراتب یا برتری مرد بر زن نیست؛ ترجیحاً آن‌ها مسئولیت‌های ساده‌ای هستند که اطمینان می‌دهند تمام نیازهای زنده‌گی خانواده به‌طور مؤثر حفاظت شده است و این‌که تمام اعضای خانواده مسئولیت خود را می‌شناسند؛ بدین وسیله کشمکش‌ها بر سر مسئولیت‌ها را تقلیل داده و وسیله‌ای را برای حل اختلافات ارائه می‌دهد، تا جایی‌که امکان داشته باشد، به‌طور مؤثر از تشنجات جلوگیری خواهد کرد.

بنابر این، قوانین الهی، که ارتباط بین همسران را تنظیم می‌کند، پایه‌های اساسی خانواده‌ی



اسلامی را تشکیل می‌دهد. بر علاوه، برای مرد و زن، هر دو در صورت انجام وظایف محوله‌ی شان در خانواده، ثواب زیادی از جانب الله ﷻ برای شان وعده داده شده است. او ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [نساء: ۳۲]

آرزو مکنید، آن چیزهایی را که بدان‌ها الله (ﷻ) بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است. مردان را از آن چه کنند، نصیبی است و زنان را از آن چه کنند نصیبی و روزی از الله بخواهید که الله بر هر چیزی آگاه است.

خواهران عزیز! این، الگوی موفق اسلامی برای تنظیم زنده‌گی در خانواده بود که منتج به اظهارات کسانی شده است که از نظم زنده‌گی اسلامی پشتیبانی می‌کنند. به‌عنوان مثال: "ایدماندو دی امیکاس"، یک گردشگر ایتالیایی که در قرن نوزدهم از سرزمین‌های خلافت دیدار داشته، چنین روایت می‌کند: «یک ترک در قبال خانواده‌اش مهربان و عادل است. او احترام زیادتری به ازدواج و ارتباطات فامیلی، نسبت به اروپایی‌ها دارد...» در عین حال، "لابارون دوراند دی فونت مگن" سفیر فرانسه در استانبول در سال ۱۸۵۶ م چنین بیان نموده است: «مردها مانند یک دوست بسیار مؤدب با همسران‌شان رفتار می‌کنند؛ احترام آن‌ها به مادرشان بی‌نهایت است.»

پس ای خواهران عزیز! این واضح است که اگر ما مسلمانان می‌خواهیم، از فروپاشی خانواده‌های خود جلوگیری کنیم و اگر می‌خواهیم که کامیابی دنیا و آخرت را به‌دست بیاوریم، باید هرنوع فرهنگ، ارزش و شیوه‌ی زنده‌گی غیراسلامی را در ازدواج‌ها، زنده‌گی خانواده و جامعه در سطح بزرگ، رد کنیم. ما باید دوباره، ارزش‌ها، قواعد و نظام اجتماعی اسلام را از دل و جان بپذیریم؛ چون آن‌ها روابط بین زنان و مردان را به‌صورت درست در جامعه تنظیم کرده و به‌طور کاملاً مؤثر ازدواج و واحد خانواده را به‌سوی به‌دست‌آوردن آسایش و خوشحالی که ما در خانواده‌ی مان در جستجوی آن هستیم، سازماندهی خواهد کرد. بی‌گمان این یگانه راهی است



که توسط آن می‌توان خانواده را از نابودی نجات داد. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ﴾ [طه: ۱۲۳-۱۲۴]

اگر از جانب من شما را راهنمایی آمد، هرکس از آن راهنمایی من متابعت کند، نه گمراه می‌شود؛ نه تیره‌بخت و هرکس که از یاد من اعراض کند، زنده‌گی‌اش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسور می‌سازیم.

نویسنده: زهره مالک

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر



متن سخنرانی هفتم

حزب التحریر - اندونیزیا

اصلاح مفهوم مادر بودن: اهمیت و نقش

اساسی زن به عنوان همسر و مادر

خواهران عزیز!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

خرسندم که امروز در این گردهمایی در کنار شما قرار دارم؛ گردهمایی که از بزرگ‌ترین رابطه سرچشمه می‌گیرد؛ رابطه عقیده اسلامی؛ عقیده‌ای که تک تک ما را از قاره‌های مختلف کنار هم جمع نموده است. الله ﷻ را به خاطر نعمت‌های فراوانش سپاس‌گذاری و بر روان پاک بهترین انبیاء و رسولان و آل و اصحاب‌اش درود و دعا می‌فرستیم. خواهران عزیز! الله ﷻ در سوره فرقان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾

[فرقان: ۷۴]

و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشن‌ی چشمان (ما) باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان!

این آیت به ما می‌آموزاند که چگونه باید به دلیل مسلمان بودن مان، الگوی نیک باشیم؛ به ویژه این بخش آیت که می‌فرماید: ﴿وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ ابن عباس، حسن، سدی، قتاده و ربیع ابن انس در تفسیر این آیت می‌گویند: «منظور پیشوایانی است که از آنان به صفت الگوهای نیک پیروی می‌شوند.» سایر مفسرین می‌گویند: «منظور دعوت‌گرانی استند که دیگران را به جانب خیر فرامی‌خوانند.» آنان خواستند عبادت‌شان به عبادت فرزندان و سلاله‌شان مرتبط باشد و به سوی اندیشیدن و کمک نمودن به دیگران فرامی‌خوانند.

ای خواهران عزیز! مطمئن باشید رهبرانی با این مواصفات هرگز ظهور نخواهند نمود؛ مگر این‌که ما زنان مسلمان چنین رویکردی قرآنی را پیش‌گیریم و سپس در بهبود نقش مان به صفت مادران پرهیزگار سعی و تلاش نمائیم. اما واقعیت اینست که این زندگی مدرن، تحقق چنین

رویکرد قرآنی را بسیار دشوار نموده؛ زیرا ارزش‌های غربی، که سیکولریزم را تقدیس می‌کند و سرمایه‌داری را محرک آن قرار می‌دهد، بالای زندگی مردان سخت سایه افکنده؛ چنان‌که معنای موفقیت در زندگی تنها در برآورده شدن منافع مادی و بهره‌گیری مادی تعریف و تفسیر می‌گردد. زنی کامیاب و موفق شناخته می‌شود که در هنر و وظیفه‌اش موفق بوده و از لحاظ اقتصادی و هنر، مستقل و خودکفا باشد. امروزه بزرگ‌ترین نقش زن فقط در قالب اقتصاد، یعنی چگونگی تولید مواد بیشتر و منافع بیشتر برای شرکت‌های سرمایه‌داری و افزایش واردات و مالیات برای حکومت‌ها ارزیابی می‌گردد. دلیل آن اینست که کسب منافع و سرمایه بیشتر، در نزد دولت‌های سرمایه‌داری حاکم، بر هرازش دیگری از ارزش‌های زندگی ترجیح داده می‌شود و از همین جاست که مادیت و درآمدهای نقدی به سادگی بر مفهوم مادر بودن و آسایش کودکان و خانواده‌ها تسلط دارد. نظام سرمایه‌داری بالای زنان فشار می‌آورد تا وارد بازار کار شوند و در نقش حیاتی خویش به صفت مادر و مدیر امور منزل کوتاهی و حتی از آن دست بردارند. دلیل اصلی این اعمال فشار، فقر فراگیری است که سیاست‌های متعفن و قوانین اقتصادی معیوب این نظام فاسد به بار آورده و می‌خواهد با استفاده از اصطلاحات فریبنده‌ای مانند "فرصت دادن به زنان" و این‌که بهبود وضعیت زندگی اقتصادی زنان بسته‌گی به افزایش اشتغال آنان دارد، روی آن را بپوشد.

راستی که نظام سرمایه‌داری و مفکوره زن‌گرایی هردو در کنار هم برای کاستن اهمیت نقش مادری و دور نمودن زن از ادای این نقش حیاتی به گونه منسجم و برنامه‌ریزی شده فعالیت نموده‌اند و این همان دلیل اصلی و اساسی است که باعث شده تا نمونه‌های برجسته زنان مسلمان و قرآنی سخت کمیاب شوند. بسیاری از زنان مسلمان دیگر به تربیت کودکان و تشکیل خانواده نمی‌اندیشند و در عوض تبدیل به افراد مستقل و منحصر به خودی شده‌اند که بزرگ‌ترین هدف‌شان را منافع مادی تشکیل می‌دهند و از درد و رنجی که دیگران متحمل می‌شوند، چشم‌پوشی می‌کنند. از همین جاست که نظام سرمایه‌داری، دیدگاه بزرگ اسلامی‌مان نسبت به زنان مسلمان را به صفت مادر، از هم دریده و الگوهای بزرگ دین‌مان را مخدوش و افق دید دختران جوان مسلمان را به دست یافتن به یک شغل خلاصه می‌کند و آرزوی پدران را در خصوص آینده کودکان‌شان منحرف می‌نماید.



مشوش و ناپایدار نمودن مفهوم مادری

خواهران عزیز و آگاه! مفکوره سرمایه‌داری به دلیل حرص و آزمندی بیش از حدی که دارد، به سادگی از افکار فیمینیزم و ادعاهای مساوات میان زن و مرد استفاده می‌کند. هرچند روند فیمینیزم ریشه‌های مارکسیستی و خصمانه با نظام سرمایه‌داری دارد؛ اما در حال حاضر خود را با قدرت فاسد سرمایه‌داری وفق می‌دهد. به این مفهوم، از منظر یک اصطلاح نوینی دیده می‌شود که به نام "سرمایه‌داری میان دوجنس" و یا فیمینیزم یاد می‌شود. این اصطلاح نوین نشان می‌دهد که میان مفکوره مساوات میان دوجنس و روند جدید استثمار جهانی در قالب ائتلاف دولت‌های سرمایه‌داری، مؤسسات اقتصادی، سازمان‌های غیرحکومتی و سازمان ملل، که در جریان یک دهه اخیر بالای استثمار زنان و دختران جوان تمرکز نموده، ارتباط مستحکمی وجود دارد؛ چنان‌چه جیم یونگ کیم رئیس بانک جهانی در اظهاراتی در سال ۲۰۱۲م گفت که بیشتر از ۸۰ درصد قرضه‌های داده شده از جانب این بانک، که به بیشتر از ۲۸ میلیارد دالر امریکایی می‌رسد، به پروژه‌هایی مربوط به ایجاد مساوات میان دوجنس اختصاص داده شده است. جای تعجب نیست، زیرا بانک جهانی از سال ۲۰۰۶م اعتراف نمود که فرصت دادن به زن، خود "اقتصاد هوشمند" به شمار می‌رود.

بدون شک، انگیزه آنان از این موقف‌گیری در قبال زن چیزی بجز رشد اقتصادی، پس از بالاگرفتن بحران اقتصادی جهانی نیست؛ بحرانی که دست و پای دولت‌ها و نظام‌های سرمایه‌داری را از پشت بسته؛ چنان‌چه ادريان رابرتز، که یک پژوهشگر دانشگاه مانچستر انگلیس می‌باشد، در این زمینه می‌گوید: «فعالیت‌های تجارتي فیمینیزم جهانی (Transnational Business Feminism) به جانب ستون اصلی بحران اقتصادی جهانی به وجود آمده در سال ۲۰۰۸م در حرکت است.» چنان‌چه هیلاری کلنتن وزیر خارجه سابق امریکا قبلاً گفته بود: «محدود کردن امکانات اقتصادی زن برای هر کشوری به این می‌ماند که پول‌های خویش را بدون استفاده روی میز نگهداری. این کار هیچ معنایی نخواهد داشت؛ به ویژه با توجه به این‌که ما در حال مبارزه برای بیرون رفتن از بحران اقتصادی می‌باشیم.»



این اظهارات کلتنن به وضوح نشان می‌دهد که انگیزه اصلی و واقعی دولت‌های سرمایه‌داری از تشویق زنان به سهم‌گیری در روند اقتصادی، قربانی نمودن آنان برای رشد اقتصادی است؛ زیرا آنان به زن فقط به چشم نیروی کار و محرک رشد اقتصادی می‌بینند و نه به چشم مادر نسل‌های آینده.

شکی نیست که نظام سرمایه‌داری آگاهانه مادران را خوار و ذلیل نموده و از آنان فقط نیروی کار می‌سازد؛ حتی در حد کارگران درجه دوم. در گزارشی که توسط سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۳م منتشر گردید، گفته شده که در سراسر جهان، ۴۳ میلیون زن به صفت تنظیم‌کننده منازل، آشپز و یا خادم خانه استخدام شده‌اند.

در جریان هژده سال اخیر، آمار استخدام افراد به صفت خادم خانه به شدت افزایش یافته و در حال حاضر به ۱۹ میلیون تن در جهان می‌رسد. فقر اقتصادی و کمبود درآمد، میلیون‌ها تن از زنان را در بسیاری از سرزمین‌ها و ادار نموده تا امور تدبیر منازل خویش را به کودکان خود سپرده و خود به دنبال وظیفه باشند. شکی نیست که دلیل اصلی این مصیبت همانا تطبیق شدن نظام سرمایه‌داری در سطح جهانی می‌باشد؛ نظامی که بر اساس منفعت و بازار آزاد استوار بوده و شعار آن اینست که: «بگذار کار کند و بگذرد» و نظامی که سرمایه‌ها را در دست شمار اندکی جمع نموده و فقر طاقت‌فرسا را در سراسر جهان اسلام و دولت‌های جهان سوم گسترش داده است. این واقعیت تلخ در این اواخر منجر به تجمع زنان و مهاجرت کارگران زن منازل گردیده، که خود زمینه سوءاستفاده جنسی را از آنان فراهم می‌سازد.

این ایجاد اختلال در روند مادری، زمینه به وجود آمدن نسل سرکش، بی‌پروا و سردرگمی را فراهم نموده، که خود بهای بس سنگینی‌ست که بشریت در بدل استخدام زنان در روند رشد اقتصادی می‌پردازد. کمیته حمایت کودک اندونیزیا در سال ۲۰۱۶م بیانیه‌هایی در مورد میلیون‌ها کودکی منتشر نمود که مادران‌شان آنان را به دلیل کار در بیرون از منزل ترک نموده‌اند. ۱۱،۲ میلیون کودک اندونیزیایی به دلیل سفر والدین‌شان به خارج برای کار از محبت و حمایت مادر و پدر محروم می‌باشند. این در حالی‌ست که بررسی‌های یونیسف در سال ۲۰۰۸م نشان می‌دهد که در حدود ۶ میلیون کودک در فلپین پس از آن‌که مادران‌شان برای کار سفر نموده‌اند،



کاملاً بی‌سرپرست مانده و هیچ پناهگاهی ندارند. این واقعیت در چین نیز جریان دارد؛ چنان‌چه آمار نشان می‌دهد که در مناطق روستائی چین در حدود ۶۱ میلیون کودک زیر سن ۱۷ سال پس از مهاجرت یک یا هردو تن از والدین‌شان برای کار، به حال خود رها می‌گردند. این کودکان به حال خود رها شده در چین در معرض مشکلات بی‌شماری؛ از قبیل: تجارت کودکان، خشونت جنسی، خودکشی، جنایت و سایر بیماری‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. این معلومات را پروفیسور لی یی فای، که استاد دانشگاه پیکینگ می‌باشد، در سال ۲۰۱۵م بررسی و کشف نموده است.

واقعیت اینست که دولت‌های سرمایه‌داری غرب، مدت‌ها پیش از دولت‌های شرق آسیا از این بحران اجتماعی رنج می‌بردند. درسی که از این واقعیت می‌توان گرفت، اینست که "مرگ مفهوم خانواده" نه فقط در دست لیبرالیسم اقتصادی و مفهوم فیمینیزم آن، بلکه توسط جریان لیبرالیسم اجتماعی نیز صورت گرفته؛ جریانی که ارزش‌های خودخواهانه فردی، مانند لذت بردن از آزادی‌های فردی زندگی به جای مقید نمودن خود به ازدواج و فرزند داری، در آن غالب می‌باشد که در نتیجه باعث به وجود آمدن وبای گسترده‌ی صحتی و ضربه زدن به مفهوم مادری شده است. شرایط به وجود آمده، زندگی خانوادگی را از ریشه متضرر نموده و منجر به فقر دیموگرافی (جمعیت‌شناسی) در ساختار جوامع مختلف اروپا و امریکا گردیده است؛ چنان‌چه در جنوری سال ۲۰۱۸م انگلیس برای امور تنهایی و گوشه‌گیری افراد، وزارت خاصی را ایجاد نمود تا با آنچه که تریزومی نخست‌وزیر انگلیس آن را "واقعیت غم‌انگیز زندگی مدرن" بسیاری از مردم نامید، تعامل نماید. چنان‌چه آمار نشان می‌دهد که در حدود ۹ میلیون تن احساس تنهایی نموده و در حدود ۲۰۰ هزار تن از افراد مسن در انگلیس در جریان بیشتر از یک ماه کامل با هیچ دوست و یا فردی از نزدیکان خویش صحبت نکرده‌اند. اینست پیامد تغییر ساختار خانواده در این دولت‌های لیبرال سرمایه‌داری!

تأثیرگذاری اصلی و اساسی تمدن سیکولیرزم سرمایه‌داری بالای بشریت اینست که مفهوم مادری را مشوش نموده و زمینه "فروپاشی بنیان هزاران خانواده" را در سطح جهان فراهم نموده است. این بدون شک چهره‌سخت و تاریکی‌ست که از انسانیت در عصر ما به نمایش می‌گذارد؛



چهره تاریکی که فرسنگ‌ها از نور اسلام و راهنمایی‌های آن فاصله دارد. این واقعیت ما را به یاد آن فرموده‌الله ﷻ می‌اندازد که می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ [طه: ۱۲۴]

و هرکس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم!

تصور مسئولیت‌های مادری

خواهران عزیز! ما آرزوهایی زیادی داریم، اما آیا روزی شده که آرزوی پشیمان‌تان بودن در چگونگی پیشبرد نقش اساسی و مسئولیت اصلی مان را به عنوان زن، مادر و همسر داشته باشیم؟ آیا باری شده که آرزو کنیم در آفرینش نسل موفق آینده و پشیمان‌تان برای امت اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشیم؟ بسیاری از ما بدون آماده‌گی کامل مادر می‌شویم و فقط در جریان کار است که می‌آموزیم، بدون این‌که آگاهی کافی داشته باشیم. این خود سببی است که ما را به جانب بهبود افکار مادری مان در خانواده و در جامعه می‌کشاند؛ الگوئی که خود رویکرد روشن قرآنی برای ساختن امام متقین و رهبر کسانی که تقوی دارند، می‌باشد. در حقیقت ما می‌دانیم که اسلام عزیز برای مادر چه جایگاه مقدس و محترمی را داده؛ چنان‌چه در یک حدیث چنین گفته شده:

«مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: چه کسی از میان مردم مستحق‌تر است که من با او مصاحبت نیکو داشته باشم؟ فرمود: مادرت. آن مرد گفت: سپس کی؟ فرمود: سپس مادرت. گفت: سپس کی؟ فرمود: سپس مادرت. گفت: سپس کی؟ فرمود: سپس پدرت.»

حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنه که یکی از اصحاب رسول الله ﷺ بود و در عین حال یکی از علمای بزرگ اسلام بود، باری گفت: «برای نزدیک شدن به الله عزوجل کاری بهتر از نیکوئی به مادر نمی‌شناسم.» بناءً پاداش اخروی نیکوئی به مادر بسیار بزرگ است. رسول الله ﷺ فرمود:



«إِنَّ لِلْمَرْأَةِ فِي حَمْلِهَا إِلَى وَضْعِهَا إِلَى فَصَالِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمُرْأَبِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنْ هَلَكَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ فَلَهَا أَجْرٌ شَهِيدٍ»

پاداش زن حامله در جریان حمل تا وضع حمل و دوران شیرخوارگی کودک به سان پاداش مجاهدی است که در راه الله (ﷺ) می‌جنگد و اگر در این جریان (حمل، وضع حمل و شیرخوارگی کودک) از دنیا برود، پاداش‌اش به سان پاداش شهید خواهد بود.

اگر اسلام عزیز برای نقش مادر بودن زن این همه اهمیت قایل است، پس ما قطعاً نیاز داریم احکام اسلام را در این خصوص به خوبی بدانیم. اسلام احکام گوناگونی دارد که برخی از آن مخصوص مردان و برخی دیگر ویژه زنان است. اسلام در برخی از احکام میان مرد و زن فرق گذاشته و دستور داده که هرکسی حکم مربوط به خودش را بپذیرد و بدان عمل کند. مسئولیت‌ها و اوصاف خانوادگی شوهر و خانم را رسول الله ﷺ در این حدیث شریف به وضوح بیان نموده می‌فرماید:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا»

هریک از شما مسئولیتی دارید و در مورد آن پاسخگو خواهید بود. پیشوای مردم در مورد پیروانش پاسخ خواهد داد. مرد مسئول خانواده‌اش بوده و در مورد آن پاسخ خواهد داد و زن در منزل شوهرش مسئول است و از آن پاسخ خواهد داد.

در نتیجه متوجه می‌شویم که شریعت اسلامی برای زن مسئولیت مادر بودن و مدیریت منزل؛ یعنی "اداره تمام امور منزل و رسیدگی به کودکان" را داده. به همین دلیل است، احکامی را که اسلام متوجه ما نموده مربوط به حمل، ولادت، شیردهی، حضانت و عده می‌باشد. هیچ یک از این نقش‌ها را به مرد نداده؛ زیرا تمام این احکام مربوط به ما، به صفت زن، می‌شود. به همین ترتیب، اسلام مسئولیت کودک در خصوص حمل، ولادت، شیرخوارگی و حضانت را بر دوش زن گذاشته است.

بنابر این، ما به صفت زن چنین مسئولیت‌های بزرگ و مهمی را بر دوش داریم و از همین جاست که می‌توان گفت: نقش اساسی زن در زندگی همانا مادر بودن و مدیریت امور منزل است؛ زیرا از خلال همین جریان است که نسل بشریت تداوم پیدا می‌کند و ما در ادای این مسئولیت نسبت به مردها ظرفیت و توانائی‌های بهتر و بیشتر داریم.

هم‌چنین می‌دانیم که شریعت اسلامی به ما اجازه می‌دهد تا در جریان حمل و یا شیردهی، که همزمان با ماه رمضان می‌شود، روزه نگیریم تا مبادا روزه بالای صحت و زندگی ما تأثیر منفی بگذارد. هم‌چنین شریعت ما را در جریان حیض و نفاس از نماز معاف قرار داده و به مرد اجازه نمی‌دهد تا زمانی که مادر حق حضانت کودک را دارد، با کودک‌اش بیرون از شهری که مادر آن کودک در آن سکونت دارد، سفر نماید. تمام این احکام برای آسان نمودن اتمام نقش اساسی است که مادر و مدیر منزل دارد. شریعت اسلامی هم‌چنین مرد و دولت را موظف نموده که نیازمندی‌های زن را برآورده نمایند و زن مجبور نشود نیازمندی‌های خانواده‌اش را خود تأمین کند تا فرصت داشته باشد با نشاط و توجه بیشتر به کودکان و تربیت آنان پردازد.

بناءً اسلام به جایگاه مادر و همسر به صفت یک نقش حیاتی در جامعه نگریسته که باید به درستی به آن پایبندی صورت گرفته و پیوسته از آن پشتیبانی شود.

خواهران عزیز! ما زنان به صفت فرمان‌بران فرامین الهی نیاز داریم به این مسئولیت‌های بزرگ پایبند بمانیم و زندگی مان را از هر نظر برای برآورده شدن اهداف والای اسلامی مجهز کنیم تا برای کودکان خویش بهترین مادران ممکن باشیم. دیدگاه اسلام در مورد مادر بودن باید اولویت زندگی و چگونگی تنظیم آن را تشکیل دهد. به گونه‌ی مثال: ما باید بدانیم که برای برآوردن مسئولیت‌های اساسی خویش به صفت مادر و مدیر منزل باید با تمام نامایماتی که در برابرمان قرار می‌گیرد، دست و پنجه نرم کنیم. نباید این نقشی را که داریم، نقش درجه دوم و یا کم اهمیت‌تر از سایر آرمان‌های موجود در این دنیا بدانیم و در عوض چنین تصوراتی، باید به ازدواج و مادر بودن بیندیشیم و این را محور اساسی زندگی بدانیم. کار در بیرون از منزل و منافع فردی مان نباید باعث شود دست از این مسئولیت بزرگ و حیاتی خویش برداریم و یا از آن چشم‌پوشی نمائیم؛ زیرا ما زنان مسلمان هستیم، نباید موفقیت خویش را بر اساس معیارهای



نظام سرمایه‌داری محاسبه‌نمائی و سعادت را در انباشتن ثروت بی‌شمار و یا پیشرفت در زندگی شغلی مان ببینیم؛ بلکه موفقیت و سعادت را باید در برآوردن تمام مسئولیت‌های اسلامی خویش به بهترین‌وجه ممکن، به شمول بهترین مادر و همسر بودن، بدانیم. این نکات مهم و دارای اهمیت باید فوق‌العاده زیاد در جوامع محلی و محیط کار و دولت در نظر گرفته شود.

خواهران عزیز و گرامی! هرچند مسئولیت اساسی زن اینست که مادر و همسر باشد؛ اما این به معنی خلاصه نمودن نقش زن در این مسئولیت و ممانعت وی از سایر فعالیت‌ها نیست؛ زیرا ما می‌دانیم که اسلام به زن اجازه می‌دهد تا در سیاست، تعلیم و تربیه و اقتصاد، کار، شغل، بستن پیمان‌ها، سرمایه‌گذاری و سایر تعاملات جامعه سهیم شود. مهم اینست که زن و مرد بتوانند در فضای آرام در کنار یک‌دیگر به سر برده و برای ساختن نسل قوی و توانمند آینده، کودکانی سالم و با نشاط تربیت نمایند. اسلام عزیز به عنوان نظام ارزش‌های والا، موفقیت فردی و اجتماعی زن را هم‌زمان تضمین نموده و او را در برآوردن آن یاری می‌کند. برای این‌که یک زن بتواند از خود یک مسلمان واقعی ساخته و موفقیت‌های واقعی خویش را با موفقیت نسل‌های آینده و جامعه پیوند دهد، اسلام عزیز برنامه‌منحصر به فرد و ارزشی استثنائی را در اختیار وی قرار می‌دهد. یک زن مسلمان واقعی زنی‌ست که بزرگ‌ترین آرمان او، رسیدگی به خانواده و فرزندانش باشد و در عین حال، به زندگی عامه و فعال و سهم‌گیری مثبت در رفاهیت جامعه و پیشرفت آن بیندیشد. زن مسلمان همان زنی‌ست که تمام اولویت‌هایی را که اسلام برایش در نظر گرفته به خوبی درک می‌کند؛ چه اولویت‌هایی مربوط به زندگی خاص و یا زندگی عام؛ او می‌داند که برای درست اداء نمودن مسئولیت خویش و تربیت کودکانش بر اساس ارزش‌های اسلامی و تنظیم امور منزل بر اساس این ارزش‌ها، باید در طلب شناخت دین خویش به شکل درست باشد. برای آماده نمودن چنین زن مسلمانی باید تشویق شود تا در فراگیری علم و دانش پیشتاز بوده و زمینه رفاهیت خود و رسیدگی درست به کودکانش را در منزل فراهم آورد. زن مسلمان می‌داند که باید یک فعال سیاسی باشد و در برابر ظلم، فساد ایستاده و حکام را محاسبه نماید. زن مسلمان کسی‌ست که مسئولیت حمل دعوت را بر دوش دارد و بزرگ‌ترین نقشی که می‌تواند در حمل دعوت داشته باشد، اینست که اهمیت دادن به رنج و دردی که امت اسلامی از

آن رنج می‌برد، به کودکش بیاموزد و از آنان حاملین دعوت و مجاهدین راه الله ﷺ بسازد. بدون شک، مادرانی که از ذکاوت و اخلاص برخوردار بوده و به مسئولیت اساسی خویش پی برده‌اند، نسل جدیدی از مسلمانان را به بار می‌آورند که دارای شخصیت اسلامی والا می‌باشند؛ طوری که پیشگامان حمل اسلام و فعالان دولت خویش در تمام عرصه‌ها خواهند بود و باعث می‌شوند، وضعیت اقتصادی و اجتماعی امت اسلامی بهبود پیدا کند.

این دیدگاه منحصر به فرد اسلام در اهمیت دادن به مادر بودن و نیاز به بهبود نقش زن به صفت نگهبان تمدن و مریی نسل‌های آینده است که منجر به چنین دست‌آوردی می‌شود. شریعت اسلامی زن را به عنوان ابزاری برای تولید ثروت برای شرکت‌ها و دولت‌ها تلقی نمی‌کند. در کتاب مقدمه قانون حزب التحریر و در بخش مربوط به نظام اجتماعی اسلام چنین گفته شده: «نقش اساسی زن در اسلام اینست که برای کودکش مادری کند و در اداره امور منزل شوهرش فعال باشد. زن ناموسی ست که حمایت و نگهداری از آن یک وجیبه است.»

جهان برای فرصت دادن به زن، نیازمند رویکرد جدید سیاسی است و این رویکردی است که توانائی استحکام بخشیدن زن به هدف پایبندی قوی برای ساختن نسلی طلائی یک نیاز مبرم است. در واقع اسلام رابطه بزرگ، انسانی و حیاتی موجود میان مادر بودن زن و چگونگی نسل آینده را وابسته به تداوم شغل مادری به بهترین وجه ممکن و فعال در جامعه می‌داند. برعلاوه آن، اسلام خانواده‌ها را به داشتن فرزندان بیشتر تشویق می‌کند؛ چیزی که باعث می‌شود، دولت جوان و دینامیکی عالی داشته باشیم. بسیاری از متون اسلام به ازدواج و داشتن فرزندان زیاد اهمیت داده و به آن اجر بزرگ قایل می‌شود؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«تَزَوَّجُوا الْوُدُودَ الْوُلُودَ فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ»

زن مهربان و بچه‌آور بگیرید؛ زیرا من در روز حشر به زیاد بودن شما افتخار می‌کنم!

در عین حال، دین ما از طریق حمایت نظام‌های تعلیم و تربیت، اجتماعی و اقتصادی تمدن اسلامی، ضمانت ولادت مستمر و تولید بهترین نسل‌ها را می‌کند.

خواهران عزیز! این دیدگاه بزرگ اسلام نسبت به مادر بودن، ضامن خلق نسل مثمر و



دارای صفات رهبری و تقوی می‌باشد و در عین حال، بحران کمبود نفوس را نیز، که امروزه بالای بسیاری از جوامع تأثیر منفی گذاشته، حل و فصل می‌نماید. بنابر این، ما به صفت زنان مسلمان و جوامع اسلامی، لازم است مفهوم واقعی مادر بودن را به زندگی برگردانیم و برای حفظ جایگاه زن و مسئولیت‌های اساسی او در زندگی باید این رویکرد را پیش گیریم. این رویکرد شامل ایجاد و استحکام این مفهوم به گونه قوی در دختران، خواهران و جوامع مان نیز می‌شود تا باشد به همسر و مادر یک بار دیگر به عنوان شرفی نگریسته شود که در جامعه مستحق احترام و بزرگداشت است. تحقق این آرمان نظامی را می‌طلبد که این رویکرد اسلامی را آسان‌تر نموده و از آن پشتیبانی نماید. بدون شک، خلافت برمنهج نبوت اسلام را به گونه همه جانبه تطبیق نموده و جایگاه بزرگی را-که مادر بودن مستحق آن می‌باشد- به آن برمی‌گرداند؛ هم چنان دیدگاه قرآنی را برای ساختن نسل پیشگام و متقی جامعه عمل خواهد پوشاند. ان شاء الله.

نویسنده فیکا کومارا

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

قوامیت مرد بر زن در اسلام

الف: قوامیت شوهر مطابق شریعت؛ نه مطابق عادات و رسوم

وقتی از بحث قوامیت شوهر بر بالای زن سخن می‌زینم، لابد میان دو مسئله تفکیک قایل شویم: یکی حکم شرعی و قواعد و اصولی که شریعت به منظور تشریح این حکم وضع نموده است و دوم برخی مفاهیم باطل و تلاش‌های ظالمانه‌ای است که از روی جهل و نادانی از جانب بعضی مسلمانان به آن ملحق شده است. پس لازمی است تا در این مبحث هر نوع ارتباط میان رسوم و عنعنات نادرست و بی‌بنیاد و شریعت اسلامی از بین برده شود؛ چون این نوع مفکوره‌ها بازمانده مفکوره‌های قدیمی برده‌سازی زن بوده که در آن زن مانند یک موجود حقیر در خانه و فراموش شده در جامعه پنداشته می‌شد. این مفکوره‌ها راه را برای سیکولرها باز کرد تا دروغ‌هایی را با استفاده از این عنعنات و ارتباط دادن آن با شریعت اسلامی بسازند تا اسلام را بدنام نمایند و از این طریق زنان مسلمان را تحریک نمایند تا خویشان را ربهوده تحت سندان و چکش جاهلیت اولی که او را کاملاً به زنجیر کشیده و فشار می‌دهد، دیده و به امواج مطلقاً و سرسخت جاهلیت نوین ببیند که ادعا دارد که او را از هر بند آزاد خواهد ساخت. هم رسوم و عنعنات فاسد در کمین اوست تا او را به نام (اسلام و شریعت) برده سازد و یا هم او این رسوم و عنعنات را رها نموده، در مقابل آن به پا خاسته تا آنهایی را دریابد که خطرناکتر از آن در کمین او بوده تحت شعار (آزادی و مساوات!) او را برابند و از اصالتش دور بسازند.

در اسلامی موضوع حاکمیت شوهر نتیجه مفکوره شخص، عنعنات متأثر از شرق یا هم عکس‌العمل در مقابل غرب نیست؛ در حقیقت مفهومی است که از دلایل شرعی گرفته شده و ساختار خانواده، روابط میان زن و شوهر و حقوق هر یکی آن را تنظیم می‌نماید.

ب: حاکمیت شوهر در اسلام و دلایل آن در قرآن و سنت

حاکمیت شوهر یک حق است که برای شوهر داده شده و بنابر ضرورت موجوده،



مسئولیت‌های شوهر در مقابل زنش؛ مانند تنظیم نمودن امور زن، دادن نفقه، حفاظت، تأمین مصونیت و مصالح او، نگهداری زن در خانه و تادیب او به شکل درست بالای شوهر است.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾

[نساء: ۳۴]

مردان سرپرست و نگهبان زنان اند، بخاطر برتری‌هایی که الله ﷻ از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و بخاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان (در مورد زنان) می‌کنند.

مردان بر زنان سرپرست اند (در جامعه کوچک خانواده حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است)، بدان خاطر که الله ﷻ برای نظم جامعه مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است و بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و از اموال خود برای خانواده‌اش خرج می‌کنند. آیت مبارکه فوق به حاکمیت شوهر بر زن دلالت می‌کند و اکثر علمای تفسیر و فقه بر این موضوع اتفاق نظر دارند.

ابن کثیر در مورد تفسیر این آیت کریمه چنین گفته است: «مرد بر زن قایم است؛ یعنی رئیس، بزرگ، رهنما و در مسیر راه مربی اوست.» قرطبی چنین گفته است: «یعنی مردها نفقه زنان را تأمین می‌کنند، آن‌ها را بر حسب ضرورت حمایت نموده و حفاظت می‌نمایند. افاده قوام بر وزن فَعَال حالت مبالغه فعل به معنی کوشش زیاد بر انجام چیز است.» الجصاص در تفسیر آیه چنین گفته است: «کوشش بر تادیب و تدبیر و حفظ و صیانت زن است و این که الله ﷻ مرد را بر زن در عقل و رأی برتری داده و بر وی الزامی ساخته تا نفقه زن را تأمین نماید؛ به معانی زیاد دلالت می‌کند؛ یکی آن ارجحیت مرد بر زن در حاکمیت است و این که مرد امور زن را مدیریت نموده، تدبیر می‌نماید. این نشان‌دهنده اینست که مرد حق حفاظت زن را در خانه دارد؛ این که او را از برآمدن از خانه مانع شود، زن باید متابعت نماید و اوامر او را بجا آورد تا وقتی که در مخالفت با اوامر الله ﷻ نباشد و هم‌چنان این آیت نمایانگر حق نفقه زن بر شوهر می‌باشد.

ابن‌العربی در مورد تفسیر این آیت در مورد کلمهٔ قَوَّامون چنین گفته است: «کلمات قَوَّام و قیم حالت فعال و فعلی "قَامَ" هستند به معنی امین بودن در حق شان؛ ولی امور و صالح حال شان می‌باشد؛ ابن عباس گفته است که زن باید اطاعت مرد را نماید و مرد باید نفقهٔ او را تأمین نموده و با او به درستی رفتار نماید؛ از او حمایت نموده او را به اطاعت الله ﷻ امر نماید و او را به شعائر اسلام تشویق نماید؛ مانند نماز و روزه. زن باید پول شوهر را حفاظت نموده، به فامیل او احسان نماید و سخن او را در طاعات قبول نماید. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

[بقره: ۲۲۸]

و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند والله ﷻ توانا و حکیم است.

برای همسران حقوق و واجباتی اند که باید شوهران اداء کنند؛ همان گونه که بر آنان حقوق و واجباتی ست که باید همسران به گونهٔ شایسته‌ای که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد اداء نمایند. مردان را بر زنان برتری رعایت و حفاظت در امور خانوادگی است؛ الله متعال باعزت و باحکمت است و برای آنان قوانینی وضع نموده که با حکمت سازگار است. این دلیل دیگری ست که در مورد آن قرطبی گفته است: «لفظ درجه استفاده شده است که به ارجحیت حق مرد نسبت به زن اشاره دارد. الجصاص گفته است که الله ﷻ از این خبر می‌دهد که زوجین بر یکدیگر حق دارند و این که مرد حق خاص بر زن دارد که زن بر مرد ندارد؛ لیکن در این آیه واضح نمی‌سازد که چی حقوقی بر یکدیگر دارند. آیات دیگر و احادیث رسول الله ﷺ این حقوق را واضح ساخته اند. ابن عباس گفته است که درجه به این دلالت، که مرد با خانم خویش رویهٔ نیک داشته و در مال و خُلق با خانمش نیک رفتار باشد و فضیلت اینست که بیشتر بر نفس خویش حاکم باشد.

مطابق به نصوص شرعی در سنت رسول الله ﷺ که بر حاکمیت شوهر نسبت به زن دلالت می‌کند، زن را ملزم به اطاعت از اوامر شوهر مطابق چیزی نموده که شریعت اجازه داده است و



مطابق ظرفیت و توانایی زن است. دلایل بر این موضوع قرار ذیل اند:

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَ أَحْصَتْ فَرْجَهَا، وَ أَطَاعَتْ بَعْلَهَا، فَلْتَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ» (رواه احمد فی مسنده)

اگر زن تنها نمازهای پنجگانه خود را اقامه نماید، روزه ماه رمضان را بگیرد، دامن خود را از هرگونه آلودگی پاک نگهدارد و از شوهرش اطاعت نماید، به او خطاب می‌شود: از هر دری از درهای بهشت که خواستی وارد بهشت شو.

۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَتَأْتِي عَلَيْهِ إِلَّا كَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ سَاخِطًا عَلَيْهَا حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا» (صحیح مسلم)

هرگاه شخصی زنش را به بستر خود بطلبد، او با وی همبستر نشود و شوهرش با حالتی خشمناک بخوابد، فرشتگان تا صبح او را لعنت می‌کنند.

۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَصُومَ وَرَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَأْذَنَ فِي بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (متفق علیه)

برای زن روا نیست که با حضور شوهرش روزه بگیرد؛ مگر با اجازه او و یا کسی را بدون اجازه/اش به خانه/اش اجازه دهد.

۴. جابر رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمُ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرُوشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُوْنَهُ» (رواه مسلم)

در مورد بی عدالتی با زنان از الله بترسید؛ آنان امانت الله صلی الله علیه وسلم نزد شما هستند؛ با کلمه مقدس

الهی بر شما حلال شدند؛ حق شما بر آنان این است که در بستر خواب تان کسی را که خوش ندارند، جای ندهند.

چیزی که از این احادیث استدلال شده می‌تواند، اینست که شوهر بر زن موارد فوق الذکر را مستحق گردیده و بنابراین حاکمیت شوهر بر زن به سبب نکاح است. حاکمیت در موارد ذیل تمثیل می‌گردد: متوجه بودن به زن، اعاده حقوق زن مانند رویه نیک، تأمین نفقه، دادن مهر، اطاعت زن از شوهر تا این که مخالف اوامر الله ﷻ نباشد، گرفتن اجازه از شوهر در وقت برآمدن از خانه، گرفتن اجازه از شوهر در انجام وظیفه، تدبیر امور زن و دادن دستوری به زن که مخالف اوامر الله ﷻ نباشد.

ج: حمله سیکولرها بر حاکمیت شوهر

موضوع حاکمیت شوهر بر زن مورد حملات گوناگون سیکولرها قرار گرفته است و هنوز هم جریان دارد و شاید مسلمان‌ها بعد از سقوط دولت‌شان به این چنین حملات سیکولرها عادت کرده باشند. این حملات مشخصاً خانواده‌های مسلمانان را مورد هدف قرار می‌دهند که مستقیماً با موضوعات معروفی مانند تعدد ازواج، طلاق، ازدواج‌های پیش از وقت، میراث و حاکمیت شوهر ارتباط دارد. اما در این دو دهه اخیر شاهد حملات نوین بر وضعیت خانواده‌های مسلمان بوده ایم و آن تلاش برای هجوم و به چالش کشیدن حاکمیت شریعت اسلامی توسط نوشته‌ها و قوانین در این مورد بوده که توسط سازمان‌های قدرت‌مند بین‌المللی تحمیل می‌گردد.

سازمان‌های فمینیستی، ملی و بشری ستون اساسی قدرت بین‌المللی در تطبیق و تحمیل تمام پالیسی‌هایی بوده که در کنفرانس زن، خانواده و اطفال در مورد آن تصمیم گرفته شده است؛ کنفرانس بیجینگ، مقررۀ منع خشونت علیه زنان، کنوانسیون ژنیوا و قبلاً کنفرانس مصر. آن‌ها می‌خواهند مبارزه عقلانی را برابند و آن را به سوی حاکمیت ظالمانه پالیسی‌های بکشاند که بر اساس وام‌های خارجی و وام‌های بین‌المللی شرط‌گذاری شده اند و از طرف غرب به حکومت‌های مسلمانا داده شده است و سرزمین‌های اسلامی در مقابل این پالیسی‌ها به گرو گذاشته شده اند.



حملهٔ سیکولرها در مورد حاکمیت شوهر با به چالش کشیدن و اهانت به این موضوع شرعی جهت اشتباه ثبوت کردن و از بین بردن آن آغاز شده است؛ پس آن‌ها به آن مهر پدرسالاری و قیمومیت را زدند تا زنان این قانون شرعی را رد کرده و آن را اقتدار پدر سالارانه تلقی نمایند و این‌که زن یک شخصیت ضعیف و منزوی شده بوده و تحت کنترل مرد زندگی کند و فکر کند که مرد حق این را دارد که او را ترک کند و سرزنش کند؛ اگر در مقابل شوهر قرار گرفت؛ بر این اساس بی‌بنیاد و دروغین، غوغاهای برپا شده است که او را از این قانون تحمیلی آزاد خواهد که او را توهین کرده و با او بد رفتاری نموده است و توانایی او برای تحصیل و کار کردن را محدود کرده است، و اینکه از اشتراک در جامعه، دست آورد های خودی، استقلال مالی و اتکا به خود محروم شده است. آنها حاکمیت شوهر بر زن را مانع بزرگ در مقابل عقلانی بودن، رفتار، و استقلال مالی زن می‌دانند چون اجازه گرفتن برای کار نمودن، سفر نمودن، ترک و دخول از خانه به مثابه از دست دادن حقوق اساسی او است و حتی او را در اجتماع، نسل خودش و در دنیای که زندگی می‌کند پسررفته می‌سازد. قسمیکه قبلاً یادآور گردیدیم این حمله در سرزمین‌های اسلامی از دیر زمانی به اینطرف آغاز شده است، اما در هر زمان تازه ساختن آن یک چهره تازه با اغوا نمودن و هیجان بیشتر می‌گیرد. سرزمین‌های حوزهٔ خلیج فعلاً با پروسه تغییر شدید دید از زن و روابط او با مرد، روبرو می‌باشد و این حالتی است که آمریکا بسیار شدید برای آن کار نموده است و هر یک آمریکا و انگلیس برای آن پرداخت نموده اند تا به الغای قانون ولایت دعوت نمایند و همچنان سازمان دیده بان حقوق بشر بنا بر تخطی‌های صورت گرفته در نتیجه آن به از بین بردن حاکمیت مرد بر زن دعوت می‌نماید. بر اساس این حملات خبیث بین‌المللی کمپاین‌های در رسانه‌های اجتماعی عربستان سعودی به راه انداخته شدند و سازمان‌های فمینیستی و حقوق بشر شتافتند تا خواسته‌های خویش را مبنی بر از بین بردن قانون ولایت شوهر بیان نمایند. هم‌چنان بن سلمان اعلان نمود که او این نظریه را حمایت می‌کند و آرزوی او برای کشورش اینست که یک بخش از کلتور بین‌المللی گردد و این او را تحریک می‌کند که در حکومت شاهی من‌حیث بخشی از دورنمای سال ۲۰۳۰، برای زنان کامیابی‌های را بدست آورد که از زاویهٔ دید به زن یک گام بزرگ بسوی پیشرفت و مدرنیته خواهد بود.



مفاهیم غربی و عدم موجودیت شریعت اسلامی در جوامع ما به نبود حاکمیت شوهر منتج شده و آنرا از مفهوم اصلی آن منحرف میسازد، مفاهیم غربی که به جوامع ما دخیل ساخته شده است و دید آن از زن، مرد و خانواده، فاصله میان مسلمانان و دید درست از مفهوم حاکمیت شوهر را زیاده‌تر ساخته است. پس موضوع یا به محور نفع زن می‌چرخد که او را به مساوات با مرد دور از دیکتاتوری مرد ذهنیت سازی می‌نمایند تا او را در مقابل مرد و مبارزه با او قرار دهد و یا هم موضوع نفع مرد بوده که او را برای شریک ساختن مسوولیت‌ها تحریک کرده و اینکه زندگی را تقسیم مسوولیت‌ها ببیند تا اینکه بار مسوولیت‌ها را بخاطر مرد بودن خود به عهده گیرد این سبب شده است که مرد ازدواج را نپذیرفته و از گرفتن مسوولیت فرار نماید که زن از او بهره برداری می‌نماید و بر او فشار می‌آورد که بر او مصرف نموده و از او مواظبت نماید، و در عین حال او زندگی را تقسیم نمودن این مسوولیت‌ها پنداشته نه بهره برداری از یکدیگر. بلی این مفکوره‌های غربی زندگی را به یک شرکت مشابه ساخته است که مساوات مال و بدن در آن در نظر گرفته شده است، بدون در نظر داشت توانایی‌ها و مهارت‌های هر دو طرف.

سنت‌های موجوده در جوامع ما این مفاهیم بیشتر عمیق ساخته است مانند وظیفه گرفتن زنان قبل از عروسی جهت کمک به شوهرش در ایجاد یک خانواده، چون به خانم خانه من حیث یک کسیکه در پیشرفت اجتماع و خانواده اش سهم نداشته به دید نفرت و پستی نگریسته میشود. ناکامی نظام‌های تطبیق شده در جوامع ما مسلمانها در رابطه به مواظبت از مردم، ایجاد مفاهیم درست، ساخت یک سیستم قضایی عادل که در موجودیت تجاوزات بی عدالتی را ریشه کن کرده و ایجاد نظم اقتصادی درست که از محتاج و فقیر و حمایت از کسانی که غنی هستند و توانایی دارند در ایجاد بیداری در مردم اعم از مرد وزن و باخبر ساختن مردم از مسوولیت‌ها و حقوق شرعی ایشان از طریق سیستم تعلیمی و مفکوره‌های نسل آینده را میسازد از طریق رسانه‌ها که در ایجاد رای عام و باخبری عامه کمک می‌کند یا هم از طریق فقها و عالمان، ازدیاد ساحات عامه، کنفرانس‌های بزرگ، گشایش مساجد و سازمان‌های تعلیمی جهت آگاه ساختن مردم از اسلام و قوانین عادل آن که بر اساس آن الله ﷻ و رسول الله ﷺ نظام خانواده را بنا نموده است که برای جامعه قلعه محکم بوده تا قوت و پیوند آنرا نگهدارد.



تمام این ضعف‌های فکری، سیاسی و اقتصادی دروازه‌های کشتار امت اسلامی را برای غرب باز نموده است و خانواده‌های اسلامی را هدف قرار داده است که آنرا با تیرهای خویش هدف قرار میدهند تا آنرا از بین ببرند قسمیکه خانواده‌های خویش را از بین برده‌اند. ما باید بدانیم که قاعده حاکمیت شوهر در جوامع ما بسیار بشکل نامناسب آن استفاده میگردد به سبب رویه نادرست شوهر با خانمش و استفاده سو از حاکمیت خویش. این سبب شده است که زنان شریعت را مقصر دانند که مرد را اجازه مدیریت امور زن و امر دادن به او را داده است از این سبب ما صدا‌های کرکننده را میشنویم که خواهان لغو نمودن این حکم هستند چون قدرت بیشتر را به شوهر نسبت به زن داده است از همین سبب است که زن را به غلامی گرفته و توهین می‌کند! چیزی که باید بالای آن روشنی انداخته شود بی‌عدالتی قوانین است ظلم نظام قضایی و فساد راه‌حل‌های است که مشکلات فعلی را زیاد ساخته که در جوامع ما شاهد هستیم و این بنا بر حاکمیت شوهر نیست.

وضع ناگوار اقتصادی در جوامع ما، گسترش فقر و بیکاری و افزایش افراد ناتوان سبب شده است که اکثر مردان توانایی گرفتن مسولیت نفقه، اعاله و حاجات اساسی فامیل شانرا بدوش گیرند. این سبب شده است که اکثر زنان مجبور میشوند از خانه شان برای کار بیرون شده تا مسولیت را با شوهرانشان تقسیم کنند و انرژی شانرا برای بدست آوردن حاجات ایشان در مقابل اولاد و فطرت ایشان به مصرف رسانند. پس آیا این مسله حاکمیت شوهر بر زن است که باید ملامت گردد یا هم دولت است که توانایی رعایت امور مردم را دارا نمی‌باشد و بر آنها فشار می‌آورد که در حق خویش ظلم نمایند و آنها را نمیگذارد که امور شرعی خویش را انجام دهند؟ ما باید بر این موضوع زیاد فکر کنیم تا نشود که ما را شیطان وسوسه کند تا ما فکر کنیم که اسلام در هر مکان زمان قابلیت تطبیق را ندارد. بلکه این موضوع ما را به فهم و درک مسولیت‌های فردی، جمعی و دولت‌رهنمایی نماید که هر کس دارای مسولیت مشخص بوده و هر کس در انجام آن کوتاهی می‌کند مسول می‌باشد چی فرد باشد و چی دولت؟



د: آیا حاکمیت شوهر، برای زن ظلم است یا رحمت؟

تغییر در درک مفاهیم قرآنی (میثاق غلیظ)، (الموده)، رحمت، السکن، سکینت، اطمینان و شریک ساختن احساسات با یکدیگر تا اینکه هر کدام برای دیگر پوش و لایه باشد مفهوم حاکمیت شوهر بر زن را قسمی ساخته تا تنها از بُعد مادی آن دیده شود مانند نفقه و افضلیت، لیکن دقیق تر آنست که تمام قوانین الله ﷻ برای بندگان عدالت، رحمت و منصفانه میباشند. حاکمیت شوهر به معنی حذف کردن شخصیت زن در خانواده و یا هم در جامعه نیست این برای تنظیم نقش او همراه با مرد در خانواده می‌باشد که در مطابقت با فطرت و ظرفیت طبیعی خلقت آنها می‌باشد چون الله بعضی را بر بعضی برتری داده است پس الله ﷻ مرد را بر زن در طاقت و عقل برتری داده است که بر او توانایی حاکمیت میبخشد که بر او واجب میگرداند موارد همچو حمایت، حفاظت و صیانت نفس، عاطفه و جسد، و نفقه از اموال خویش از مهر شروع الی ضمانت خوردن و نوشیدن و لباس و مسکن، و اشراف بر زن در امر به معروف و حسن و نهی از منکر و بر تعلیم زن تعهد نماید رویه نیک با او تحقق عدل و انصاف برای زن با پیروی از رسول الله صلی الله علیه و سلم در تعامل با زوجش:

«خیرکم خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی» (صحیح)

بهترین شما بهترین برای اهل خویش است و من برای اهل خویش بهترین هستم.

اگر الله ﷻ مرد و زن را در خصوصیات فزیکتی از هم متفاوت ساخته است پس مسولیت ها و محاسبه آنها را نیز متفاوت ساخته است، چنانچه رسول الله ﷻ می‌فرماید:

«فالرجل راع فی اهله و هو مسول عن رعیته»

مرد نگهبان اهل خویش است و از اهل خویش مسوول است.

و مسئولیت او شامل نگهداری از خانواده اش بوده امن ساختن آنها از ترس و از گرسنگی سیر شان گرداند و آنها را مصوون سازد تا آنها خود را در امن و محفوظ احساس کنند. همچنان



باید خانم خویش از دید شخصیت، وجود، حجاب، دین، خون حفاظت و حمایت نماید، پس چی کدام عزت برای زن بزرگتر از عزت است که الله ﷻ برای زن بخشیده است و کدام تقدیر برای او بهتر از تقدیر است که شرع برای او داده است، و کدام پاداش برای او بهتر است اینکه مخالف فطرتش باشد، در معصیت ربش قرار گیرد، و در مفکوره‌های دروغین مساوات و آزادی زندگی کند که انسان‌ها برایش ساخته است و یا اینکه با عزت و فرمانبرداری از احکام رب زندگی نماید؟ پس آیا حاکمیت شوهر برایش مرحمت و نعمت الله ﷻ نیست که به زنها ارزانی داشته است و از ما خواسته است تا در مقابل نعماتش شکر گذار باشیم و الله ﷻ را حمد گوئیم، پس این چی است میان ما که می‌خواهیم این نعمت را با چیزی سبکتر و پست‌تر از آن تبادل کنیم.

حاکمیت مرد بر زن به معنی این نیست که شخصیت زن را حذف نموده یا خدشه دار سازد یا به گوشه کشاند بلکه از او در امور که او را الله ﷻ مسوول ساخته است باید مشوره گرفته شود. همچنان حاکمیت شوهر بر زن به معنی دیکتاتوری و ظلم نیست بلکه زن مسلمان حق این را دارد که تمام تصامی را با شوهرش مشوره نموده تا با هم یکجا مدیریت خانواده را به پیش ببرند، پلان نمایند که چگونه پول را به مصرف رسانند، و در مقابل شوهر قرار گیرد اگر خلاف اوامر الله ﷻ به پیش میرود پس زندگی متحلی داد و گرفت است و زن صالحه با شوهرش با نصیحت و مشوره کمک می‌کند و برای ما مثال خوب رسول الله ﷺ است که ازواج ایشان همیشه با او مشوره میکردند به استثنا موارد که در شرع ذکر شده است بهترین مثال مشوره ام سلمه در صلح حدیبیه بود که در نظر گرفته شد. گرچه حق تصمیم‌نهایی در مورد خانواده نزد مرد محفوظ است و زنان باید صلاحیت خویش را در مورد مخالفت بشناسند چون با شناخت حقوق و صلاحیت‌های خویش عمل خویش را کنترل نموده میتواند و شق نمی‌کند تا سخن را بقبولاند و موضوعات میان خود و شوهرش را پیچیده‌تر سازد، مشکلات ایجاد نماید و خود را از الزامیت خویش بیشتر به تکلیف نماید تنها به خاطر که خود را در قید و خاشع احساس کرده است اکثر مشکلات وقتی در زندگی متحلی به وقوع می‌پیوندد که یک طرف از حدود شریعت عبور کرده تا بر طرف دیگر غالبیت حاصل کند پس حاکمیت شوهر در خانواده به معنی راندن کشتی است که موجودیت چندین کپیتان کشتی منجر به شنا کشتی در روی آب گردد که تصمیم‌نهایی را سرکپیتان و فرد



مسئول می‌گیرد.

با این هم شوهر باید از این موقف سو استفاده نکند و با خانمش بد رفتاری نکرده و حقوقش را پایمال ننماید. و خانم میتواند به ولی خویش اعم از پدر، برادر، اقارب و یا سیستم عدلی شکایت کند در صورتیکه شوهرش با او در حقوقش کوتاهی کرده باشد و انجام نداده باشد با او محاسبه گردیده و الله هیچ چیز ذره از خیر و شر را بدون محاسبه نمیگذارد.

حاکمیت شوهر بر خانواده با انحلال عقد ازدواج از بین نمی رود پس اگر زن را طلاق میدهد بعد از آن نیز باید نفقه زن و اولاد خویش را پرداخت کند از آنها حمایت کند. تحصیل، فکر و کردار آنها را متوجه بوده و امور آنها را به پیش برد و در حق آنها تصامیم گیرد. حاکمیت شوهر قسمیکه قبلا یاد آوری شد من حیث یک مسولیت شرعی بالای مرد باقی میماند و از زن مسلمان نیز چنین خواسته میشود که باید بعد از جدا شدن از شوهر باید به اولاد خویش مفهوم اطاعت از پدر را بشکل درست فهمانده و نباید بعد از جدا شدن از شوهر خویش تمام فامیل از هم بپاشد بلکه زن مسوول است تا به اولاد های خویش مفاهیم ناب اسلامی را فهمانده همچون اطاعت از الله اطاعت از والدین، راست بودن همایشان، و به شکل درست همایشان رفتار کند و به اولاد های خود بفهماند که ولی آنها پدر ایشان است و او بالای ایشان حقوق دارد و نباید به آنها درس نفرت و سرکشی و عدم اطاعت از پدر را به آنها بدهد.

هـ: ما امت واحد هستیم و نیازمند یک خانواده مستحکم هستیم

اسلام به خانواده من حیث یک هسته جامعه و جز اساسی امت اهمیت میدهد به این اساس شریعت قوانین زیاد را در این مورد وضع کرده است تا از ثبات، استحکام و جماعت فامیل اطمینان حاصل گردد و اینکه باید روابط میان اعضای فامیل (شوهر، زن و اولاد) به اساس تقوی الله ﷻ و در نظر داشت اوامر و نواهی او ﷻ حسنه و نیک باشد. پس ایجاد مفاهیم درست جهت تنظیم امور اعضای فامیل به تلاش، عزم، استقامت، صبر و قربانی نیاز دارد چون نقشه وسیع که علیه خانواده های مسلمان ترتیب گردیده است تا وقتی تعقیب خواهد شد و به پیش خواهد رفت که امت اسلامی به یک اراده قوی به متوقف کردن و از بین بردن این نقشه اقدام نکنند. این واقع



نخواهد شد مگر با ایجاد مفاهیم درست و عمیق در مورد اسلام، افکار و قوانین آن و اینکه آنرا من حیث یک حق و عدالت قبول کنیم و هر چیز غیر آن را باطل بپنداریم. پس این یک مکلفیت امت اسلامی در مورد خانواده، زن و اطفال است تا حقوق شرعی را فهمیده با آنها کار صورت گیرد، و الزامی ساختن اسلام بالای آنها. مثلا مفهوم حاکمیت شوهر باید در جوامع ما ریشه‌ی‌ی گردد و باید در مورد آن افراط و تفریط صورت نگیرد چون این مفهوم استحکام خانواده را نگهدارنده در بین اعضای آن روابط نیک و واحد بودن آنها را تضمین می‌کند در میان خانواده نقش‌ها را تنظیم می‌کند و از قیومیت و حمایت اطمینان می‌دهد و مفهوم وحدت تحقق پیدا می‌کند که ما در پی آن هستیم در خانواده، بعد در جامعه و در بالاخره در میان امت اسلامی. روابط خانوادگی که با عاطفه، سکونت و شفقت بنا می‌یابد به شکل طبیعی و فطری به اطفال انتقال می‌یابد که خود را در یک فضای مناسب برای تربیه درست فکری و روانی مملو از دوستی احترام و اخلاق نیک می‌بینند. پدر باید در مقابل زن و اولاد‌های خویش دیکتاتور نباشد لیکن باید یک نگبان امور و حمایت‌کننده آنها باشد. و همچنان زن نباید در فامیل خویش سرکش باشد و باید به آنها خدمت کند امور آنها را رعایت و مداوم به آنها فکر کند. نتیجه این فضا، تربیه اولاد با مفاهیم اسلامی در یک فضای مملو از تقوی الله تعالى، دوستی و مرحمت. چون میان تمام اعضا نصیحت، راستی و مشوره حاکم می‌باشد. مسوولیت ما من حیث زنان و مادران اینست که دستیاران خویش را تا این حکم را بجا کرده و آنرا با صبر و بردباری آنرا انجام دهیم. ما باید سیستم حمایتی این مفهوم بزرگ باشیم و بهترین راه خود را ملزم ساختن به آن می‌باشد که در نفسیه و خلق ما جا گیرد و با حالت خود آنرا نشان دهیم تا بالای اطفال مان اقارب و کسان دور و بر مان تاثیر گذار باشد و این برای شوهران مان آسان خواهد بود که با ما تعامل نمایند و رویه نیک داشته باشند.

نبودن حاکمیت شوهر یا درست نفهمیدن آن و یا درست استفاده نکردن آن ما را ملزم می‌سازد تا برای دوباره آوردن طرز زندگی اسلامی و ایجاد دولت کار کنیم که تطبیق‌کننده قوانین شرعی باشد و از آنها محافظت کند.

اگر حاکمیت شوهر تنها یک حکم فردی هم باشد ایجاد روابط میان زن و شوهر و اولاد و

نتایج مادی و قضایی آن باید مارا بسوی تطبیق یک نظام بکشاند تا آنرا تطبیق که الله ﷻ خواسته تا انرا حمایت تطبیق و پیشکش به شکل نماییم که الله ﷻ خواسته و هدف را که او ﷻ داشته بدست آوریم. ما به نظام اسلامی نیاز داریم که از عقیده مان سرچشمه گرفته و ما به آن ایمان داریم که ما را بیشتر قوت میبخشد و ما را بیشتر مصمم و متحرک میسازد تا در یک مبارزه فکری و سیاسی دخیل باشیم و تا برای بیداری این امت کار کنیم و بیرق آنرا برافراشته سازیم حرف آنرا واحد سازیم و شریعت رب را تطبیق نماییم.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ الْبُأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾

[قیامه: ۳۶]

آیا گمان برده‌اید که داخل بهشت می‌شوید بدون آن که به شما همان برسد که به کسانی رسیده است که پیش از شما در گذشته‌اند؟ (شما که هنوز چنین رنج‌ها و دردهائی را ندیده‌اید و باید چشم به راه تحمل حوادث تلخ و ناگوار در راه کردگار باشید و بدانید: نخست رنج سپس گنج) زیان‌های مالی و جانی (و سداوند و مشکلات، آن چنان ملت‌های پیشین را احاطه کرده است و) به آنان دست داده است و پریشان گشته‌اند که پیغمبر و کسانی که با او ایمان آورده بوده‌اند (هم‌صدا شده و) می‌گفته‌اند: پس یاری الله کی (و کجا) است؟ (لیکن الله ﷻ هرگز مؤمنان را فراموش ننموده است و پس از تعلیم فداکاری به مؤمنان و آبدیدگی ایشان که رمز تکامل است، به وعده خود وفا کرده و بدیشان پاسخ گفته است که) بیگمان یاری الله نزدیک است.

نسرین بوظافری

عضو دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر



متن سخنرانی نهم

حزب التحریر - سرزمین

مبارک فلسطین

روابط زن و شوهر در زندگی از نظر اسلام

حمد و ثنا الله ﷺ را که در کتاب عالی مرتبه‌اش چنین فرموده است:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِمَتِّقِينَ إِمَامًا﴾

[فرقان: ۷۴]

پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنایی چشمانمان باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان

رسول الله ﷺ نیز فرمودند:

«لو كنت أمرا احدا ان يسجد لاحد لامر المرأة ان تسجد لزوجها» (رواه ابن ماجه)

اگر قرار بود که به کسی دستور می‌دادم تا به کسی دیگری سجده کند؛ البته که به زن دستور می‌دادم تا به شوهر خود سجده کند.

هم‌چنان فرمودند:

«من سقى امرأته الماء اجر» (مسند ابن حنبل)

کسی که بر خانم خود آب می‌دهد، برایش اجر است.

مشکور آن خدای بزرگ هستیم که ما را یاری رسانید تا در این سرزمین با چنین مردمانی گردهم بیایم و روی یکی از موضوعات خیلی‌ها مهمی که تأثیر عمیق روی جامعه اسلامی - که شامل روش زندگی خانوادگی، زندگی میان زن و شوهر و اهمیت ایجاد آن‌ها بر اساس اسلام است - بحث و گفتگو نماییم.

الله ﷻ انسان را با دو جنس مخالف مرد و زن و یک ماهیت و طبیعت خلق کرده است که در کرامت‌شان هیچ تفاوتی وجود ندارد. سپس قدرت و ویژه‌گی را در آن‌ها ابداع کرد که تکمیل



کننده یک‌دیگر اند تا بتوانند نسل انسان‌ها را تنها به وسیله ازدواج ابقاء بخشند. آیات قرآن به صراحت در مورد زندگی زن و شوهری وجود دارد که معنی آن خطاب قراردادن هدفی است که به منظور حفظ نسل انسان نازل گردیده است. الله ﷻ روابط میان زن و مرد را تحت چارچوب ازدواج تنظیم کرده و آن را چون آرامش، عاطفه و علاقه و رحمت میان زوج‌ها قرار داده است. چنانچه او ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [روم: ۲۱]

از نشانه‌های (قدرت و ربوبیت) او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این (کار شگفت‌انگیز) نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند.

اسلام ازدواج را به مثابه پیمان محسوب کرده است که بر اساس آن یک خانواده یا فامیل تشکیل می‌شود. از این رو، این پیمان محکم، پیمانی خطاب می‌شود که تعهد از سوی طرفین صورت می‌گیرد. هم‌چنان به دلیل قدرت و عظمت آن "محکم" نیز گفته شده است؛ چنانچه قرآن کریم نیز در مورد پیمان‌ها در عموم یا بطور عام بحث کرده است که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ [مائده: ۱]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌های خود وفا کنید!

اما زمانی که در مورد عقد ازدواج صحبت می‌کند، الله ﷻ آن را این‌گونه شرح می‌دهد:

﴿مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [نساء: ۲۱]

پیمان محکم!



هم‌چنان می‌فرماید:

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [نساء: ۲۰]

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای باز پس گرفتن مهر زنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟! و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟! (و از این گذشته) آن‌ها (هنگام ازدواج) از شما پیمان محکمی گرفته‌اند!

بنابر این، پیمان محکم میان مرد و زن صورت می‌گیرد و این دو صاحب صلاحیت‌اند تا بطور کامل اهمیت، عظمت، حفظ و هم‌چنان انجام آن را بپذیرند. برای این‌که یک زوج بتواند زندگی خود را بصورت ثابت، استوار، آسوده، مصون و محبت‌آمیز به پیش ببرد، هریکی از طرفین باید از وجایب و مکلفیت‌های خود در برابر یکدیگر واقف باشد و حقوق خود را بشناسند تا نباید حق یکدیگر را نقض کنند یا این‌که بیشتر از آنچه جواز دارد، درخواست یا طلب نماید. سنت ناب محمدی ﷺ به حقوق ازدواج در احادیث زیادی اشاره کرده است؛ طوری‌که در حدیث ابن عباس رحمه الله علیه آمده است که گفت: زنی نزد رسول الله ﷺ آمد و به وی گفت: ای رسول الله ﷺ! حق شوهر بالای خانم چیست؟ وی ﷺ فرمودند:

«أَنْ لَا تَمْنَعَنَّ نَفْسَهَا مِنْهُ وَ لَوْ عَلَى قَتَبٍ، فَإِذَا فَعَلْتَ كَانَ عَلَيْهَا إِثْمٌ»

این‌که نفسش را از وی منع نکند؛ اگرچه بر سر زین اسپ باشد؛ اگر منع کرد این عمل او گناه است.



هم‌چنان فرمودند:

«آن لا تعطی شیئا من بیته الا باذنه»

و این‌که خانم نباید بدون اجازه شوهر از خانه‌اش چیزی را به کسی بدهد.

ازدواج بنیاد تشکیل یک خانواده مسلمان و سپس جامعه اسلامی است. به این دلیل، اسلام روی این ساختار پرفیض و برکت توجه خاص کرده است. بناءً طبق حدیث ذیل اسلام مرد را وادار نموده تا خانم صالحه را به همسری برگزیند:

«اربع من السعاده: من ضمنها المرأة الصالحة»

چهار چیز سبب سعادت انسان می‌گردد که یکی از آن زن صالحه است.

هم‌چنان می‌فرماید:

«الدنيا كلها متاع و خير متاع الدنيا المرأة الصالحة»

دنیا همه‌اش متاع است و بهترین متاع دنیا زن صالحه است

حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه می‌فرماید که رسول الله ﷺ فرمود:

«تنكح المرأة الاربع لمالها و لحسبها و الجمالها و لدينها فاطفر بدات الدين تربت يداك»

زن به خاطر چهار چیز نکاح کرده می‌شود: به خاطر مالش، نسبش، زیبایی‌اش و دینش. پس زن دین‌دار را انتخاب کن تا دست‌هایت خاک‌آلود گردد.

وی ﷺ در مورد انتخاب همسر نیز فرموده است:

«خيرالنساء التي تسره اذا نظر، و تطيعه إذا امر، و لا تخالفه في نفسها و لا مالها بما يكره»

(رواه احمد)

بهترین زنان زنی است که هنگامی‌که شوهرش بر وی نگاه می‌کند او را خوشحال می‌سازد،



زمانی که او را دستور می‌دهد، از وی اطاعت می‌کند و هیچ وقت در برابر آرزوها و خواست‌های او قرار نمی‌گیرد.

بناءً بهترین زن همانست که هنگامی شوهرش بر وی نگاه می‌کند با چهره و ظاهر آراسته او را خوشحال می‌سازد، هنگامی که او را با موارد غیرممنوعه دستور می‌دهد، اطاعت می‌نماید و هیچ وقت علیه خواست‌های او قرار نمی‌گیرد و یک شخص خیلی دوستانه می‌باشد و شوهر خود را با دنیای از محبت می‌بیند. این همان زنی است که رسول الله ﷺ در مورد او صحبت کرده.

«الا اخبرکم بنسائکم من اهل الجنة؟ الودود الودود العوود، التي اذا ظلمت قالت: هذه

یدی فی یدک، لا اذوق غمضا حتی ترضی»

ترجمه: آیا در مورد زنان تان که اهل بهشت اند برای تان خبر ندهم؟ دوست داشتنی، زایا و خوش برخورد و کسی که هرگاه مورد ظلم قرار گیرد، می‌گوید: دستم به دستت، تا این که تو راضی نشوی راحت نخواهم بود.

این زن با دیانت صالحه متعهد بر آنچه هست که در قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ آمده است؛ وی وجیبه خود و هم‌چنان تعهدات خود را بر این مسؤلیت‌ها به‌خوبی می‌داند تا بتواند بر کسب رضایت الله ﷻ و مقام جنت که به اندازه زمین و آسمان بزرگ است، دست پیدا کند. خانواده‌ی یک زن باید مبنی بر محبت، وفاداری و خوشی بنا یابد.

بناءً اگر باد غرب بر این وادی بوزد تا آن را متأثر سازد، خانم این خانواده مسلمان می‌داند که چگونه آن را مهار کند و در برابر آن استادگی نماید، نه این که از آن متأثر گردد. غرب هیچ‌گاهی بر این ماموریت خود نقطه توقف نخواهد گذاشت، ترحمی نخواهد کرد و فعالیت‌های خود را هم کاهش نخواهد داد تا این که بنیاد رابطه خانواده را بشکند و روابط خانواده‌های مسلمانان را تضعیف نماید؛ ازین رو می‌خواهند جامعه اسلامی را دگرگون کنند.

زندگی زن و شوهری مبنی بر تشریک مساعی و منفعتی که غرب بر آن باور دارد، نیست؛ بلکه این رابطه مبنی بر بنیاد مصاحبت است. بدین معنی که این زوج یکی دیگر را در تمام ابعاد



زندگی همراهی می‌کنند و بر همدیگر آرامش خاطر یا سکینت هدیه می‌دهند. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ [اعراف: ۱۸۹]

و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.

امنیت همان سکینت است که نیت و هدف نهفته در عقب ازدواج به شمار می‌رود. بناءً این همسفر بودن در مسیر زندگی، بانی سعادت، برکت و امنیت و هم‌چنان آرامش خاطر می‌شود. شریعت اسلامی آن را چنان‌که در فوق تذکر یافت، به‌وضوح بیان کرده است. خانم و شوهر؛ هر دو بر یکدیگر حقوقی دارند. حقوق شوهر بالای خانم در این قول الله ﷻ بیان شده است:

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [بقره: ۲۲۸]

و برای آنان، همانند وظایفی که بردوش آن‌هاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده.

بناءً الله ﷻ مرد را دستور داده است تا با خانم خود به وجه احسن رفتار نماید؛ چون آرام‌کننده و سکینت‌بخش روح و وروان و خیر و برکت زندگی است. مرد نباید در برابر وی خشن باشد؛ بلکه باید در تکلم و حرف زدن مهربان بوده، هیچ‌گاه با وی زشت و خشن رفتار نکند، همیشه در تهیه غذا با وی همکاری کند و خواهان راحتی و آسودگی بر وی باشد.

مصرف و هزینه کردن بالای زن نیز یکی از وجایب زن بالای مرد است. بناءً جواز ندارد تا مرد در خرید لباس و خوردونوش بالای خود مصرف کند؛ ولی زن را در حاشیه قرار دهد. مرد طوری که بالای خود مصرف می‌کند، بالای خانم خود نیز مصرف نماید. الله ﷻ در این مورد می‌فرماید:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾ [طلاق: ۷]

آنانی که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند.

حاکم ابن معاویه القشیری از پدر خود روایت می‌نماید که گفت: من گفتم ای رسول الله



ﷺ، حقوق خانم‌ها بالای ما چیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند:

**«ان تطعما اذا طعمت و تكسوها اذا اكتسبت او اكتسبت و لا تضرب الوجه و لا تقبح
ولا تهجر الا فى البيت»** (رواه ابوداود)

اگر شما چیزی خوردید، به آن‌ها نیز دهید؛ اگر لباس گرفتید، به آن‌ها نیز لباس گیرید و بر روی آن‌ها نزنید، آنها را توهین نکنید و آن‌ها را جز در خانه ترک نکنید.

بادر نظر داشت این مسئله، زن نباید کار کند تا مصارف خود را بدست آورد؛ چون برای شوهر وی الزامی است تا نیازهای او را از قبیل غذا، لباس و مسکن تهیه نماید. این‌ها تنها مثال‌های اندکی اند که اینجا اشاره شدند. رسول الله ﷺ در حجه‌الوداع ما را دستور داد تا از زنان خود حفاظت نمایم:

«اتقوا الله فى النساء»

در امور زنان خود از الله (ﷻ) بترسید!

«خیرکم خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی»

بهترین شما کسی است که با خانواده خود رفتار نیک دارد و من از بهر رفتار با خانواده‌ام، از بهترین شما هستم.

رسول الله ﷺ در رفتار خود با خانواده‌اش بهترین بود؛ چون وی با اعضای فامیل‌اش بازی می‌کرد، با آن‌ها مهربان و دوستانه بود، تبسم را بر لبان خانم‌اش می‌آورد و با مادر مؤمنان، حضرت عایشه رضی الله تعالی عنهما مسابقه می‌کرد و با چنین روشی با آن‌ها نزدیک بود. رسول الله ﷺ و اصحاب وی در خانه با همسران‌شان کمک می‌کردند و این کار را نشانه کمی و کاستی در شخصیت خود نمی‌دیدند.

زنان با در نظر داشت طبیعت و سرشت‌شان دوست دارند تا از سوی همسران‌شان ناز داده شوند. رسول الله ﷺ نیز چنین می‌کردند و این موارد را در رفتار خود با همسران‌شان مدنظر



می‌گرفتند؛ چنانچه حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها را ناز و محبت می‌دادند.

«یا عائش یا عائش هذا جبریل یقرئک السلام»

ای عایشه، ای عایشه! جبرئیل برای تو سلام می‌دهد.

هم‌چنان رسول الله ﷺ عادت داشتند که او را "یا حمیراء" یعنی ای حمیرا! خطاب می‌کردند که حالت پائین‌تر از "سرخ" است که برای زنان سفیدچهره با رخساره‌های سرخ استفاده می‌شود. شوهر باید زن را در حالی که خسته باشد، به آرامش و خوشحالی سوق دهد. ما این روش را در سیرت رسول الله ﷺ داریم؛ هنگامی که صفیه رضی الله تعالی عنهما با رسول الله ﷺ در مسیر سفر بود و در آن روز مشکل داشت، بناءً بسیار به آهستگی راه می‌رفت، به همین خاطر وقتی که گریان می‌کرد، رسول الله ﷺ با او خیلی با مهربانی رفتار می‌کردند و او را نوازش می‌دادند. رسول الله ﷺ را گفت: شما من را در قاطری سوار کردید که آهسته راه می‌رود. رسول الله ﷺ دست‌های خود را بردند و اشک‌های او را پاک کردند و او را دلداری و تسلی می‌دادند.

رسول الله ﷺ هیچ وقت شوخی با همسران‌شان را فراموش نمی‌کردند و آن‌ها را خوش‌نگه می‌داشتند؛ چنانچه حضرت عایشه رضی الله عنهما می‌گوید: هنگامی که از آن‌ها (همسران‌شان) سوال شد که رسول الله ﷺ با آن‌ها چگونه رفتار می‌کند، گفتند: «کان یدخل بساما ضحاکا» یعنی هنگامی که با ما روبرو می‌شود، با چهرهٔ خندان روبرو می‌شود.

شوهران باید نقش پای رسول الله ﷺ را در زندگی زناشوه‌ری تعقیب کنند. یکی از مواردی که در زندگی زن و شوهر نیاز است، عشق‌بازی و رفتار عاشقانه با زن است. چنانچه حضرت علی رضی الله عنه عادت داشت که با حضرت فاطمه رضی الله عنها رفتار محبت‌آمیز و تن‌نازی می‌کرد. روایت است که حضرت علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنه یکی از روزها وارد اتاق خانم خود، فاطمه دختر رسول الله ﷺ شد و دید که خانم‌اش مسواک اراک استفاده می‌کند؛ بناءً خواست با او عشق‌بازی کند و این شعر را زمزمه کرد:

«ای اراک! تو بُرئدهٔ دهان او (خانم ام) شدی

ای چوب درخت اراک! نمی‌ترسی از این‌که من تو را می‌بینم



اگر تو میان آن‌های بودی که قرار بود با آن‌ها جنگ کنم، بدون شک با تو می‌جنگیدم

ای مسواک! هیچ کسی قبل از تو از نزد من جان سالم بدر نبرده است»

اسلام مرد را صاحب صلاحیت گردانیده است تا کشتی زناشویی را در بحر زندگی رهبری و هدایت کند. این صلاحیت به منظور حفاظت است؛ نه دیکتاتوری. این مسئله خارج از دوست داشتن اوست و هیچ ارتباطی با توهین و ظلم در برابر او ندارد. یک خانم مسلمان مواظب اطراف و اکناف خانه‌اش باشد؛ چون وی مسئول حفاظت از آن است، نه مانند خدمتکاری که غرب آن را تعریف می‌کند. زن مسلمان حافظ و مسئول است تا زندگی و امور خانه را با عشق و توازن مدیریت نماید و تحت مراقبت شوهر خود به مثابه ملکهٔ مهربانی زندگی کند. هم‌چنان، شوهرش نیازهای او را بدون اینکه خانم‌اش کار کند، برآورده می‌سازد، کارهای خانه را نظارت نموده و مراقب خواست‌های شوهر و اطفال‌اش می‌باشد؛ هم‌چنان، اولادهای خود را با دنیای از عشق و محبت تربیت می‌نماید.

اسلام برخی از مسئولیت‌های مشخص را بالای خانم نیز گذاشته است، از قبیل: اطاعت شوهر، حفظ عزت و دارایی شوهر، عدم رفتن به خانهٔ کسی که شوهرش دوست ندارد و اخذ اجازه هنگام رفتن به بیرون. رسول الله ﷺ فرمودند:

«ما استفاد امر و مسلم فائده بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمه تسره اذا نظر اليها و

تطعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله»

مرد مسلمان بعد از اسلام فایدهٔ بهتر و برتر از زوجه و همسر مسلمانی به دست نیاورده، هنگامی که او را می‌بیند، وی را خوشحال و شاد گرداند و هنگامی که دستوری به او می‌دهد، اطاعت نماید و در غیاب او خود و مال وی را مراقبت و محافظت نماید.

همه از این امر واقف هستیم که زنان در عصر رسول الله ﷺ از شوهران‌شان اطاعت می‌کردند و رسول الله ﷺ در مورد آن‌ها فرموده است:

«ان الله قد غفر لها بطاعه زوجها فطوبى لها ثم طوبى»

الله ﷻ او را به سبب اطاعت از شوهرش بخشید؛ پس خوشا به حالش خوشا به حالش!

و این بشارت برای هر خانمی است که از این سنت پیروی می‌نماید. اطاعت مشروع خانم از شوهر مساوی به ثواب جهاد و نماز جماعت است و شما باید بدانید که این ثواب بسیار با عظمت است. اینست روابط میان خانم و شوهر و اینست زندگی زناشویی در اسلام؛ طوری نیست که غرب آن را به گونهٔ میدان جنگ تعریف می‌کند که یکی غالب و دیگری مغلوب باشد. به اساس این دیدگاه، که هدف غرب است، شالودهٔ خانواده سرنگون می‌گردد. اگر موردی اتفاق بیفتد که آرامش و سکون این رابطه را به خطر بیاندازد، اعضای خانواده باید زوج را کنار هم بنشانند تا چالش را حل نموده و سعی نمایند تا خوشی و آرامی را در زندگی آنها دوباره برگردانند؛ نه این‌که هر یکی موقوف‌گیری کنند تا این فاصله، چالش‌ها و دوری‌ها را بیشتر سازند.

بیشتر مشکلاتی که میان زن و شوهر لاینحل باقی مانده و منجر به ویرانی زندگی زناشویی گردیده است، هیچ عامل دیگری ندارد، جز ترک قوانین اسلامی و جایگزینی آن با فردگرایی و افتخار نمودن بر گناه. این موضوع خود می‌تواند به مثابهٔ عامل اصلی جهت حل منازعات و بحران‌ها در خانواده محسوب گردد.

اسلام انسجام خانواده را تشویق و از هم گسیختگی آن را حرام گردانیده است. هم‌چنان کشمکش‌ها را به بهترین وجه با تطبیق طریقهٔ الهی، نه با روش سرمایه‌داری و فردگرایی حل نموده است. قوانین شرعی روابط میان مرد و زن و حتی روابط میان پدر و فرزند را نیز مصون نگهداشته است. اسلام سعی کرده تا این رابطه از بین نرود. ازین‌رو، تعیین جزا برای هر تخطی‌کننده‌ای رابطه وجود دارد.

رولا ابراهیم

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر



متن سخنرانی دهم

دفتر مطبوعاتی مرکزی

حزب التحریر

خلافت؛ قلعه مستحکم حفاظت از خانواده

السلام علیکم ورحمته الله وبرکاته!

۱. معرفی: خواهران عزیز و مهمانان گرانقدر! جای بسا خوشی و افتخار است

که امروز در میان شما هستم و این جماعت ممتاز را خطاب قرار می‌دهم. خواهران عزیز، یکتن از پروفیسوران خانواده سوییسی به اسم گاستون‌جاز، که جمهوری ترکیه را به ارتباط انهدام خلافت عثمانی بازدید کرده بود، اظهار داشت: «همانگی اعتقادات دینی در این سرزمین، آخرین مقر دولت با شکوهی که توسط نظام الله ﷺ حکم‌روایی می‌شد، یکی از قوی‌ترین کانون خانواده را در جهان به دنیا آورد و این هستی یک زندگی سیاسی و عامه را تأسیس نمود که مثل آن در تاریخ هیچ ملتی تا اکنون دیده نشده است.»

هنگامی که ما هم چون کلمات تحسین‌آمیز را به ارتباط طبیعت بی‌نظیر خانواده مسلمان می‌شنویم، که این امت زمانی از آن لذت می‌بردند و آن نیز شگفتی ملت‌های دیگر بود و سپس وقتی ما به وضعیت اسفبار واحدهای خانواده خود امروز نگاه می‌کنیم، قلب‌های ما را به درد می‌آورد و ما مشتاق برای بازگشت به دولتی می‌شویم که قوت و همانگی خانواده مسلمان دوباره من حیث یک ویژگی مشخص این امت اسلامی قرار بگیرد. لیکن نائل شدن به این هدف بزرگ هیچ‌گاهی از طریق اصلاحات تدریجی قوانین ازدواج یا تغییرات اندک در قوانین اساسی ما یا فراخوانی برای لایحه حفاظت از زنان یا سیاست‌های دیگری حکومت برای حفاظت کردن خانواده یا توسط ترتیب‌دادن کمپاین‌های آگاهی‌دهی، سیمینارها و یا کنفرانس‌ها برای نجات خانواده، تحقق پیدا نمی‌کند.

هیچ‌کدام از این اقدامات نمی‌تواند باعث ایجاد و حفاظت از واحدهای قوی و همانگی خانواده در داخل امت اسلامی شود. آیا ندیده‌ایم که تمام این ابتکارات و استراتژی‌های تطبیق شده در سرزمین‌های ما به‌نحوی برای نائل شدن به این هدف به ناکامی انجامیده‌اند؟ و این به‌خاطری‌ست که تمام تلاش‌ها جهت خطاب‌کردن به یک نقطه اساسی به نتیجه نرسیده‌اند و آن

این‌که یک جدایی کلان میان اهداف باشکوه و اصیلی اسلامی، که ما به‌عنوان مسلمان خواهان کسب آن برای ساختار خانواده خود می‌باشیم و محیطی از قوانین و ارزش‌های غیراسلامی که ما و جوامع ما را احاطه کرده و تحت نظام‌هایی که ما زیر چتر آن امروزه زندگی می‌کنیم، وجود دارد. این ترکیب متضاد باعث تباهی می‌شود؛ نه باعث آبادی؛ چون همین ترکیب از اهداف و مفاهیم متضاد است که هرگز باعث شگوفایی نظم خانواده نمی‌شود؛ هم‌چنان خانواده در تحت رژیم‌ها و نظام‌هایی که به‌عنوان سپر خانواده عمل نمی‌کنند؛ بلکه ازدواج و مفهوم مادر بودن را از بین برده و باعث جدایی واحد خانواده از طریق قوانین و پالیسی‌های خویش گردیده‌اند.

۲. یک دولتی که خالصانه بر اساس اسلام بنا شود، نیازمند ایجاد خانواده‌های مستحکم است: خواهران عزیز، با توجه به این مسایل، نجات خانواده نیازمند بیشتر از برطرف کردن آن را در این لبه‌ی از مشکلات داشته و این ضرورت به تغییر از ریشه تا اساسی از ساختار سیاسی و نظام‌ها در سرزمین‌های ما، تحول جامعه از بنیاد، ارزش‌ها و قوانین در داخل جوامع از طریق تأسیس یک دولت را دارد که به شکل واقعی از اهمیت اساسی حفاظت از حرمت ازدواج قدردانی نموده، مقام و جایگاه مادری را بلند برده و باعث ایجاد و حفاظت از واحدهای خانواده سالم شود. این مسئله باید در قوانین و اصول، پالیسی‌ها و نظام تظاهر پیدا کرده و گنجانیده شود تا به شکل عملی این دیدگاه را به واقعیت مبدل سازد؛ در حالی که اکثر سیاست‌مدارها این را در شعار می‌گویند؛ ولی در عمل پیاده نمی‌کنند.

خواهران عزیز! این تصور باشکوه تنها توسط دولتی می‌تواند درک شود که خالصانه بر اساس عقیده اسلامی بنا شده و به‌صورت جامع تمام قوانین شرعی اسلامی را مورد اجراء قرار می‌دهد؛ چون او تنها ذات الله ﷻ است که از همه چیز با خبر و دانا است. او بهتر می‌داند که چگونه امور زن و مرد، حقوق و مکلفیت‌های آنان را به گونه‌ای تنظیم نماید که باعث بدست آمدن خوشی و کامیابی برای واحد خانواده و تمام اعضای آن شود. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [نور: ۵۱]



(ولی) هنگامی که مؤمنان را به الله (ﷻ) و پیامبرش (ﷺ) فراخوانند تا میان‌شان دآوری کند، سخن‌شان جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ اینان همان رستگارانند.

خواهران عزیز! این دولت که خالصانه بر مبنای اسلام بنا شده و تمام عقاید، ارزش‌ها و قوانین آن را مورد اجراء قرار می‌دهد، خلافت بر منهج نبوت-نظام الله ﷻ است. این همان دولتی است که واقعاً می‌داند و کاملاً این نقش قلعه بودن خانواده را به آغوش می‌کشد و باعث ایجاد ازدواج‌های قوی و هماهنگ و واحدهای خانواده می‌شود. چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«و الإمام راعٍ و مسئول عن رعیتہ»

امام (حاکم) محافظ بوده و در برابر افرادش مسئول است.

این رهبری اسلامی و دولت است که اصول و قوانین خانواده و اجتماع اسلامی را از یک مجموعه از تعهدات و قوانینی که توسط اندک مسلمانان متدین پیروی می‌شود، به یک مجموعه از ارزش‌ها و مقررات تبدیل نموده که بعداً این امر به یک نورم تمام اجتماع مبدل گشته، بالای توده در میان مردم فراگرفته شده و یک قانونی می‌شود که افراد زندگی روزمره خود را به اساس آن به پیش می‌برند. این ذریعه قوانین اساسی و نظام‌های آن که باعث پرورش، اجراء، ترقی، تأکید و حفاظت از خانواده اسلامی و مقررات آن در داخل جامعه می‌شود، بدست می‌آید. به همین خاطر، امام غزالی رحمت الله علیه، یک تن از علمای والامقام و برجسته گفته است: «حقیقتاً که نظام زندگی اسلامی مربوط به اسلام در موجودیت یک سلطان (خلیفه) تابع، درست عمل می‌کند.» پس چگونه خلافت قلعه خانواده می‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش، می‌خواهم به سه نکته مهم در گفتگوی خود اشاره کنم:

الف) خلافت باعث به بارآوردن تقوی در جامعه می‌شود که جزء اساسی برای حفاظت خانواده به حساب می‌رود: اولاً خواهران، این تنها دولت خالصانه بر مبنای اسلام است که باعث به بار آوردن تقوی و خداترسی در داخل جامعه می‌شود تا این‌که دنبال کردن امیال، هوی و هوس‌های زیان‌آور فردی که منشای آن مفکوره‌های آزادی‌های لیبرال و مساوات جندر است.

این تقوی و مفهوم جواب‌گویی به رب (الله ﷻ) در هر عمل و امیدواری برای رفتن به جنت اوست، که خط مقدم دفاعی بوده و جزء اساسی برای پرورش و حفاظت از واحدهای مستحکم خانواده می‌باشد. به این دلیل؛ چون آن یکی از نیروی محرک نهایی برای اعمال صالح، انجام تعهدات از جانب الله ﷻ و اطاعت از محدودیت‌ها و قوانین او می‌باشد؛ به همین دلیل است که پیامبر ﷺ تقوی را به‌عنوان رأس تمام امور و مجموعه تمام خوبی‌ها معرفی نموده است.

خواهران عزیز! این تقوی است که یک فرد را وا می‌دارد تا در وقت تعامل با جنس مخالف از در حیا (عفت) پیش‌آمد نموده و در وقت ملاقات با آن‌ها چه در حیات عامه، خصوصی و یا آنلاین، تمام قوانین اجتماعی را رعایت کرده، برای حفظ پاکدامنی و عفت خود دنبال ازدواج شرعی باشد و خود را از هر عمل و یا شرایطی دور نگه کند که در آن تصور نزدیک شدن به حرام بوده و یا هم باعث ایجاد تردید و سوءظن به شخصیت او به‌منظور حفظ عزت‌اش شود. در حقیقت همین تدابیر است که روابط خارج از ازدواج را به حد اقل آن می‌رساند. هم‌چنان این تقوی است که یک فرد را انگیزه می‌دهد تا همسر را بر مبنای دین‌داری و رفتار صالح و نیک او جستجو نماید تا باشد که ازدواج آن‌ها یک رابطه‌ای بر اساس همراهی و مصاحبت باشد؛ اما در کشورهای غربی ازدواج یک مشارکت تجارتي است که بر اساس مادیات و توقعات پولی استوار است.

این تقوی است که من‌حیث سرشت، خانواده را موفق و یکجا باهم پیوند می‌دهد و هر عضو این خانواده را انگیزه می‌دهد تا مکلفیت‌ها و حقوق دیگران را با حوصله‌مندی، سعی و کوشش و شفقت رعایت و اجراء نموده و در اجرای اعمال صالح و تقوی همکاری نماید؛ از خودخواهی و فردگرایی اجتناب ورزیده و در عوض برای چیزی که به زندگی زناشویی و خانوادگی بهترین باشد، عمل نماید و آن مشمول چیزهای لازم برای بدست آوردن آرامش در ازدواج باشد و یا هم اجتناب از طلاق؛ سپس این مرد را به غیرت می‌آورد که با خانم‌اش رفتار نیک داشته، زحمت و تلاش به خرج دهد تا برای خانواده‌اش نفقه پیدا کرده و نقش خود را به‌عنوان محافظ همراه با محبت، توجه، مهربانی و رحمت انجام دهد؛ نه با ترس و خشونت. تقوی زن را انگیزه می‌دهد تا از شوهر خود اطاعت نماید، مکلفیت‌های خانه خود را به سر رساند و دادن



توجه زیاد، وقت و دقت در تربیت و پرورش فرزندان انجام دهد. این امر جوان را انگیزه می‌دهد تا از والدین و بزرگان خود اطاعت نموده، به آن‌ها احترام و توجه داشته و یک زندگی زیبا و هماهنگ خانوادگی را نیز ایجاد کنند.

خلافت این مفهوم اساسی تقوی را در داخل جامعه از طریق تطبیق اسلام رشد می‌دهد که شهروندان‌اش را با ارزش‌های والای دین به شمول ارزش‌های مربوط به زندگی خانوادگی احاطه نموده و به صورت مداوم به مردم تذکر اطاعت از الله ﷻ را می‌دهد. به‌طور مثال: بخش نظام تعلیمی خلافت، ماده ۱۷۱ و ۱۷۲ مسوده قانون اساسی حزب التحریر برای خلافت بیان می‌کند که هدف سیاست تعلیمی همانا تشکیل طرز تفکر و منش اسلامی بوده و بلندبردن فهم اسلامی مردم در ارتباط به امور زندگی آن‌ها می‌باشد. از این‌رو، نظام تعلیمی دولت، اصلاحات اخلاقی و فهم قوانین اجتماعی اسلامی و تعهدات آن را به شهروندان‌اش تزریق خواهد کرد که شامل عرصه ازدواج و زندگی خانواده نیز می‌شود. به این ترتیب، جامعه به‌عنوان کل پابند شریعت و عقیده شده و محبت به قوانین آن پیدا کرده و فساد و رفتار فاسد را به تمام اشکال و معنی رد می‌کند؛ حال آن‌که اجرای قوانین اسلامی توسط نظام‌های سیاسی و قضایی خلافت، کسانی را مجازات خواهد کرد که از حدود یا خط قرمز عبور و تجاوز می‌کنند.

برعلاوه، سیاست رسانه‌یی خلافت قسمی که در مسوده قانون اساسی دولت نیز مفصل بیان گردیده، از مصلحت اسلام حمایت نموده که این امر شامل کار برای ساختن جامعه اسلامی قوی و مسنجم شده و با هر آن نظریه فاسد مبارزه نموده؛ در حالی که هر آن نیکی و خوبی را انتشار و تصدیق می‌نماید؛ از وسایلی؛ چون اخبار، مجلات، تلویزیون، رادیو، رسانه آنالین، کنفرانس‌ها و سایر ابزار به منظور نائل شدن به این هدف کار گرفته خواهد شد. این همه باعث پرورش تقوی و ارزش‌های اصیل و با شکوه اسلامی در داخل دولت خواهد شد که من حیث محافظ اصلی برای خانواده خدمت خواهند کرد.

ب) خلافت جامعه را مبنی بر دیدگاه درست از روابط میان زن و مرد سازمان می‌دهد که منجر به نائل شدن تعاون میان هردو جنس و حفاظت واحد خانواده گردد: ثانیاً خواهران، خلافت به‌عنوان قلعه خانواده با تنظیم نمودن جامعه بر مبنای دیدگاه درست از روابط میان زن و



مرد عمل می‌کند که منتج به همکاری و تعاون در میان دوجنس شده؛ هم‌چنان از واحد خانواده حفاظت می‌نماید. خواهران عزیز، نظام اسلام جامعه‌ای را ایجاد می‌کند که به هدف دنبال کردن رضایت الله ﷻ به پیش رفته که حفاظت از عزت مرد و زن را مقدس پنداشته و محافظت از حرمت ازدواج برای آن غیرقابل مذاکره می‌باشد.

خلافت از طریق نظام تعلیمی، رسانه و تطبیق و اجرای جامعه از قوانین و ارزش‌های نظام اجتماعی اسلام دید عامه و اجتماع را به سوی روابط میان مرد و زن اداره و کنترل نموده و دیدگاه علاقمندی جنسی و شهوت را دور نموده و آن را به هدف اصلی غریزه جنسی و منفعت برای جامعه، ازدواج و تولید نسل سوق می‌دهد. این موضوع در برگیرنده ترویج مقام زن به حیث عزت و شرف و اهمیت حیا و پاکدامنی آن می‌باشد. از این رو، دولت هرگونه امتعه‌ساختن مخرب جنسی زنان یا جامعه و یا ترویج هر نوع روابط فاسد و غیراخلاقی را خواه در تبلیغات، رسانه، ادبیات و یا آنلاین منع قرار خواهد داد. در پهلوی این، خلافت خمار و جلاباب را من حیث لباس حیات عامه زنان، خواه مسلمان و یا غیرمسلمان باشد، قرار خواهد داد تا از ظاهر شدن عورت و زیبایی آن‌ها در حیات عامه جلوگیری شده و کمک خواهد کرد تا روابطه خالص میان زن و مرد تأمین گردیده و باعث حفاظت از عفت آن شده و دید مقام زن را به عنوان عزت و شرف حفظ خواهد کرد.

دولت هم‌چنان نقطه پایان را به موضوع اختلاط آزاد(خلوت) مردان و زنان که در حال حاضر در مکاتب، دانشگاه‌ها، کلب‌های رقص شبانه و شراب‌خانه‌ها و دیگر محلات، هم‌چنان خانه‌ها جریان دارد، خواهد گذاشت که اکثراً منجر به روابط خارج از ازدواج می‌شود و در عوض موضوع جدایی را تا حد امکان در میان مردان و زنان در حیات عامه، خواه در موسسات آموزشی، نظام ترانسپورت، مکان کار و وظیفه، شفاخانه‌ها و سایر موقعیت‌های دیگر تطبیق خواهد کرد. این جدایی و افتراق میان مردان و زنان حتی ساحة معماری بخش خانه و مسکن را نیز متأثر خواهد نمود و زنان قادر خواهند بود که از زندگی خانگی‌شان در خانه دور از نظر مردان نامحرم، در فضای باز لذت ببرند. این موضوع را در حرم زنان در زمان حاکمیت خلافت عثمانی شاهد بودیم که به عنوان واحدهای جداگانه زندگی برای زنان خانگی دور از نظر مردان



تنظیم و اعمار نموده بودند.

به‌طور مثال: آسلی سنجر نویسنده ترکی، در کتاب خود می‌نویسد: «نویسنده زنان اروپایی آن زمان به ارتباط تقوی و توجه داشتن زیاد در هنگام تعامل میان مردان و زنان در خانواده مسلمان عثمانی در نوشته‌های‌شان توصیف می‌کردند که چطور مردان به صورت قطعی در ارتباط به محیط زنانه از حرم چنان پابند به قوانین و اصول بودند که اگر شوهر یک زن مسلمان حتی اگر آن خلیفه هم می‌بود، فکر داخل شدن به حرم خانه خود را نمی‌کرد؛ هرگاه بوت زنان را در دهن دروازه حرم می‌دید که بیان‌گر موجودیت زنان مهمان در داخل خانه بود، به آن احترام می‌گذاشتند.»

در پهلوی این همه، خلافت به‌صورت خیلی شدید، مشمول کمک‌پولی هرگاه ضرورت باشد، به ازدواج تشویق و حمایت می‌کند. به‌طور مثال: هرگاه به قرن هشتم دوران حاکمیت عمر بن عبدالعزیز خلیفه آن زمان نظر بیندازیم، وی در بودجه دولت بخشی را برای کسانی در نظر گرفته بود که برای ازدواج نمودن نیاز داشتند. برعلاوه، اسلام برای عمل زنا و فحاشی مجازات سنگین را تجویز کرده است که این موضوع اکثراً توسط سیکولران مورد حمله قرار می‌گیرد. هرچند شدت مجازات انعکاس‌دهنده جدیت اسلام در ارتباط حفاظت از ازدواج و واحد خانواده است که این‌ها به‌عنوان بازدارنده قوی و خط قرمز برای محافظت از خانواده عمل می‌کنند. عثمان بن عفان صحابه پیامبر ﷺ فرمود: «حقیقتاً که الله ﷻ صلاحیتی را به حاکم برای نابودی چیزی می‌دهد که توسط قرآن نابود شده نمی‌تواند.»

خواهران، تمام این‌ها باعث می‌شود که یک جامعه خالص و عفیف، زینت داده شده توسط حیاء به وجود آید که تعامل در میان دوجنس به شیوه واقع شود که برای جامعه مفید باشد و زنان دارای یک زندگی فعال در حیات عامه باشند و احترام به آن‌ها افزایش یافته و باعث کاهش خشونت خانوادگی گردیده و زندگی خارج از زناشویی به حداقل آن رسیده، اعتماد در میان زوج‌ها پرورش یافته و بدگمانی و سوءظن حذف گردد. تمام این‌ها باعث تقویت رابطه زناشویی شده و تمامیت واحد خانواده را حفظ می‌کنند.

ج) نظام‌های خلافت از انجام نقش، حقوق و مکلفیت‌ها در زندگی خانواده جهت بدست

آوردن آرامش در ازدواج و هماهنگی در ساختار خانواده حمایت می‌کند: ثالثاً خواهران، خلافت قلعه خانواده است؛ چون نظام‌های آن از اجرای حقوق، مکلفیت‌ها و نقش خانواده و زناشویی در اسلام از مردان و زنان حمایت نموده تا آرامش در ازدواج و هماهنگی در واحد خانواده بدست آید.

به‌طور مثال: خلافت با استفاده از نظام تعلیمی و رسانه خود فهم واضح و درست از قوانین شرعی اسلام را در درون جوانان و شهروندان به ارتباط مسئولیت‌های مجزای دوجنس در داخل زندگی خانواده تفهیم می‌نماید. طور نمونه: درس در فقه اسلامی در برنامه درسی و آموزشی خود بیان نموده که دولت دیدگاه درست از مکلفیت‌های مرد را به‌عنوان محافظ خانواده که باید با خصوصیات مهربانی، توجه و شفقت بالای خانم و فرزندان‌اش متمایز باشد، ایجاد می‌کند. این درس هم‌چنان فهم اهمیت و مسئولیت‌های زن را به‌عنوان نقش اساسی آن‌ها مانند مادران و خانمان، هم‌چنان شرکت‌کنندگان حیاتی برای پیشرفت و سلامتی اجتماع و جامعه تفهیم می‌کند. برعلاوه، در مرحله متوسطه آموزش مکتب شاگردان مونث به‌علاوه مطالعه مضامین عمومی، مثلاً فرهنگ اسلامی، ریاضیات و ساینس؛ هم‌چنان برای‌شان زمینه انتخاب مضمون خانوادگی (خانگی) فراهم خواهد شد که بتوانند در بخش‌های مرتبط به تربیت و نگهداری اطفال و مدیریت زندگی خانه تخصص بگیرند. مثلاً در زمان حاکمیت خلافت عثمانی، کورس در مدیریت خانواده (خانه) در مرحله متوسطه مکتب دختران تدریس می‌شد و این موضوع در کتاب آسلی سنجر نیز بیان گردیده که: «زنان عثمانی معلومات دقیق ارائه شده، اعم از خصوصیات یک خانه خوب، چطور محافظت شود، گرم شود، روشن شود، ادویه و فارمسی خانه برای تداوی بیماری که به خانواده سرایت نموده، آماده‌سازی غذای با کیفیت و خوب، تدارک تغذیه درست برای اطفال و مسن‌ها، آداب میزبانی مهمانان و بودجه و حساب خانواده، تمام این‌ها به شیوه موثر به شاگردان تدریس می‌شد تا برای مسئولیت‌های زندگی بعد از ازدواج آماده باشند.»

هرچند خلافت نه تنها که شهروندان‌اش را به ارتباط قوانین زندگی خانواده آموزش خواهد داد؛ بل آن‌ها را به شکل عملی در اجرای مکلفیت‌ها و نقش آنان حمایت خواهد نمود. به‌طور مثال: ماده ۱۵۳ مسوده قانون اساسی حزب التحریر برای خلافت اظهار می‌دارد که: «دولت باید



برای تمام افراد حامل تابعیت دولت تضمین کار را بدهد.» این تعهد بر خلافت بر مبنای حدیث از پیامبر ﷺ می‌باشد.

«و الإمام راعٍ و مسئول عن رعیته»

امام (حاکم) محافظ بوده و در برابر افرادش مسئول است.

از این رو، خلافت هر مرد را در انجام تعهدات آن برای تأمین نفقه برای فامیل اش حمایت خواهد کرد که این امر مشمول تأمین بودجه از خزانه‌داری آن، اهدای زمین‌های کشت شده و ترتیب دادن آموزش‌ها برای کسانی که نیازمندی به استخدام دارند تا قادر به تأمین نفقه در زندگی‌شان شوند. تمام این خوبی‌ها از برکت طبیعت نظام اقتصادی اسلام است که باعث ایجاد اقتصاد کامگار می‌شود.

به‌طور مشابه، خلافت زنان را برای انجام نقش اساسی آنان من حیث مادران صاحب اختیار و قدرت خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که آنان همواره از لحاظ مالی مشکلی نداشته باشند و هیچ‌گاهی در برابر مکلفیت‌های اساسی نسبت به فرزندان و به علت فشار اقتصادی برای گرفتن کار مجبور به مصلحت‌نشوند. از این رو، محاکم خلافت هر آن زنی را مورد حمایت قرار خواهد داد که شوهر آن نتواند برای او و فرزندان‌اش تأمین نفقه بکند و بنابر ظرفیت و توان وی، او را مجبور به اجرای این تعهد می‌کند و اگر از این امر سرپیچی نمود، وی را مجازات می‌کند. نوشته‌ها از کتاب‌های حقوق دانشمندان اسلامی در جریان خلافت عباسی موجود اند. مثلاً: تشریح می‌کنند که چطور زنان علیه شوهران‌شان به‌علت عدم تأمین درست نفقه و اعاشه برای آن‌ها شکایت می‌کردند و چطور قاضی پرداخت را اجراء می‌نمود. در شرایطی که شوهر زن فقیر باشد و یا هیچ اقارب مرد نداشته باشد که برای وی تأمین نفقه بکند، پس بالای دولت خلافت واجب است که برای وی نفقه بدهد؛ چرا که پیامبر ﷺ فرموده است:

«من ترک مالا فلاهله ومن ترک دینا او ضیاعاً فالی و علی» (رواه مسلم)

هرگاه یک مسلمان فوت کند و از وی مال باقی بماند، مال برای وارثین وی می‌رسد و هرگاه



قرضی و یا وابسته‌ی از وی باشد، ما از آن مواظبت خواهیم کرد.

تمام این امور تضمین شده تا افراد از ترس فقر مجبور نشوند که مقدار خانواده خود را محدود سازند؛ بل خلافت خانواده‌ها را تشویق و ترغیب خواهد کرد که تا تعداد فرزندان بسیار داشته باشند، با این علم که برای آن‌ها نیز برای همیشه تأمین نفقه شود.

خواهران عزیز! خلافت یگانه نظامی ست که مقام مادری را به موقعیت معتبر در جامعه که شایسته‌ی آن می‌باشد، رجعت می‌دهد. به‌طور مثال: "جولی پردو" یکی از سیاحان و تاریخ‌دانان قرن نهم در کتاب خود به ارتباط مقام مادر در تحت سایه نظام اسلامی تحت عنوان "شهر، سلطان و رفتار خانوادگی ترک‌ها در سال ۱۸۳۶م" چنین نوشته: «یکی از ویژه‌گی یکسان در رفتار ترک‌ها احترام و محبت آنان به نویسنده موجودیت‌شان است... مادر یک الهام الهی است؛ هم‌رای او مشورت می‌شود، به او اعتماد می‌شود، از او با کمال احترام و مهربانی شنیده می‌شود، تا آخرین ساعت زندگی مورد احترام قرار می‌گیرد و با مهر و عاطفه و پیشیمانی بالای قبر از وی یادآوری می‌شود.»

خواهران، در پهلوی این همه، نظام قضایی خلافت نقش مهمی را در حفظ وحدت و هماهنگی زندگی زناشویی و خانواده ایفاء می‌کند؛ رویکرد عدم تحمل را در قبال خشونت خانوادگی خواهد داشت و جنایت‌کاران را به شدت مجازات خواهد کرد؛ به‌عنوان یک حائل در برابر ازدواج اجباری ایستاده خواهد شد و با دیدگاه‌ها و شیوه‌های سنتی غیراسلامی، که به واحد خانواده صدمه بزند، به شدت عمل می‌نماید و به‌عنوان داور مهم برای حل منازعات خانوادگی و زناشویی به‌طور مؤثر و سریع جهت جلوگیری از مشکلات و گنبدیده‌شدن آن خدمت خواهد کرد؛ با تضمین دسترسی به عدالتی که منصف و آزاد باشد. در واقعیت میزان عدالت و حفاظت از حقوق و مکلفیت‌های زناشویی، که زمینه آن از طریق نظام قضایی خلافت میسر بود، حتی زنان غیرمسلمان در خلافت عثمانی قسمی که در اسناد قضایی آن عصر درج است، ترجیح می‌دادند تا به قرارداد ازدواج‌شان مطابق به اسلام و با استفاده از قاضی محاکم برای مراجعه به نارضایتی آن‌ها استفاده شده تا این که به اساس اقدامات دینی خودشان مراجعه کنند.

خاتمه: خواهران عزیز، از لابلای گفته‌های مان به یقین آشکار است که تنها دولت خلافت



به‌عنوان قلعهٔ حقیقی خانواده خدمت خواهد کرد و باعث تقویت و حفاظت آن از تمام جوانب خواهد شد. به‌همین ملحوظ، عالم شناخته شده، امام غزالی رحمت الله علیه بیان داشته: «دین بنیاد است و سلطان محافظ آن. چیزی که دارای بنیاد نباشد، خواهد ریخت و چیزی که محافظ نداشت، از دست خواهد رفت.»

بناءً خواهان، اگر واقعاً خواهان نجات خانواده از تباهی هستید؛ پس لازم است که با مراجعهٔ جدی تمام توجه و وقت تان را صرف تأسیس دوبارهٔ این دولت بزرگ کنید؛ اگر خواهان نجات اخلاق و عفت و پاکدامنی فرزندان مان هستید؛ پس واجب است که برای از سرگیری حاکمیت اسلامی توسط نظام الله ﷻ کار و مبارزه نمایید و اگر می‌خواهید یک نسل آینده، واحدهای خانواده و یک جامعهٔ مملو از درست‌کاری و ارزش‌های اصیل اسلام ایجاد کنید، پس لازمی و ضروری است که تمام کوشش‌های تان را جهت بازگشت این قلعهٔ دین بدون اندک تعطیل به‌کار برید.

پس از طرف حزب التحریر ما شما را فرامی‌خوانیم که با این دعوت با شکوه یکجا شده تا دولت خلافت مجلل را تأسیس نمایید تا یک‌بار دیگر وضعیت خانواده‌های مان را منبع فخر برای این امت قرار داده و خانواده باید منبع افتخار و خوشی باشد؛ نه منبع غم و اندوه. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[جائیه: ۱۸]

سپس تو را بر شریعت و آیین حقی قرار دادیم؛ از آن پیروی کن و از هوس‌های کسانی که آگاهی ندارند، پیروی مکن!

دکتور نسرین نواز

رئیس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر



پایان سخن

خواهران نهایت عزیز! اولاً می‌خواهم این کنفرانس و کمپاین را که تحت عنوان "خانواده: چالش‌ها و راه‌حل‌های اسلامی" راه‌اندازی شده بود، با ابراز سپاس و قدردانی از پروردگار منان پایان دهم که ما را یاری نمود تا آن را مؤفقانه به پایان برسانیم. هم‌چنان، می‌خواهم از تمام شما عزیزان برای حضورتان در کنفرانس امروز و تمام برادران و خواهران که به طور خستگی‌ناپذیر به شمول اعضای دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر، حزب التحریر-ولایه تونس و عالم جلیل‌القدر شیخ عطاء بن خلیل ابوالرشته امیرحزب التحریر که در راستای بهبود این کنفرانس تلاش به خرج دادند، ابراز قدردانی نمایم. **اللهم صلِّ علی رحمت بی‌پایانش را شامل حال‌تان نموده و پاداش خیرتان دهد.**

خواهران گرمی! امروزه مشاهده می‌نماییم که وحدت و هم‌بستگی نظم خانواده در حال از هم‌پاشیدن است. ارزش‌های لیبرال دموکراسی، مادی‌گرایی، فمینیستی، قوانین و نظام‌های کفری و غیره اعتقادات و سنت‌های غیر اسلامی که در جوامع ما گسترش یافته و از سوی کفار توسط حکام سرزمین‌های اسلامی بر ما تحمیل گردیده‌اند، باعث گردیده تا خانواده‌های ما تکه‌تکه شده و در گرداب سردرگمی، بی‌نظمی و دل‌سردی و بی‌اعتمادی دست و پا می‌زنند. تمام این بدبختی‌ها برای مردان، زنان، اطفال و امثالهم را به ارمغان آورده شده است که برای جوامع ما کوهی از مشکلات را ایجاد کرده است. در کنار این همه، این رژیم‌ها می‌خواهند با اقتباس، ترویج و تحمیل عقاید مزخرف و مهلک با یک خواست شدید از طریق نظام‌های آموزشی، رسانه‌ها، سازمان‌های زنان و سیاست‌های دولتی در سرزمین‌های مان وضعیت خانواده‌های ما را در معرض نابودی و هلاکت قرار دهند.

خواهران معزز! ما به هیچ‌وجه نمی‌توانیم در برابر این ارزش‌های مهلک لیبرال-غربی که ساختار زندگی خانوادگی را به نابودی کشانده است، خاموشی اختیار نماییم و به آن‌ها اجازه بدهیم تا وارد ساختار اجتماعی جوامع ما گردد. جوئل کوتکین یک‌تن از استادان مطالعات



شهرنشینی در دانشگاه چپمن- کالیفورنیا نوشته است: «در دهه‌های آینده موفقیت از آن فرهنگ‌های خواهد بود که جایگاه ارزش‌های خانوادگی را حفظ می‌کنند.» خواهران من؛ شکی نیست که اگر ما به طور مؤثر به این بحران‌ها انگشت انتقاد نگذاریم، پس بی‌گمان شکستی خواهد بود که جوامع و نسل‌ها آینده ما طعم تلخ آن را خواهند چشید. این بدان معنی است که ما نمی‌توانیم به این مشکلاتی که هر روزه در حال افزایش است، غالب آییم و همچنان آن را در مورد جایگاه و آروزهای ما در استراتژی‌های گذشته که نتوانسته اند در کشورهای جهان حل نمایند، چنگ بزنیم. ما باید فوراً به این کار اقدام جدی نموده و برای دستیابی به یک راه‌حل مثبت و جامع برای این بحران در واحد خانواده تلاش به خرچ دهیم.

فلهذا، این امر مستلزم این است که نخست ما باید اسلام را به عنوان یک دین جامع و کامل همراه با تمام ارزش‌ها، قوانین و نظام اجتماعی آن بپذیریم که دارای یگانه راه‌حل درست در خصوص حل بحران خانوادگی بوده و مفاهیم ارزشمندی را در خود دارد که به طور مؤثر رابطه بین زن و مرد را به وجه احسن آن تنظیم و حقوق و جایب زناشویی را به گونه‌ای مشخص می‌سازد که واحدهای مستحکم خانوادگی را ایجاد و از آن به طور شاید و باید حفاظت می‌کند. اقتباس از هرگونه شیوه زندگی دیگر (به غیر از اسلام) در ساختار خانواده و جوامع ما منجر به ناکامی می‌گردد. از این‌رو، بر ما لازم است تا هرگونه باورها، رسوم و عنعنات و یا هم شیوه‌های زندگی غیر اسلامی را کنار گذاشته و اصول، ارزش‌ها و نظام‌های اسلامی مربوط به ازدواج و زندگی خانوادگی را به خود، خانواده، جوانان و جوامع خویش مشتاقانه و به طور کامل آموزش دهیم. در کنار این، لازم است حسب توان خویش تلاش نماییم تا فضایی را در خانه‌ها، مکاتب و جوامع خود ایجاد نماییم؛ به طوری که مفهوم تقوی، عشق و اطاعت از حدود و اوامر الله ﷻ در آن به یک اصل (اسلامی) تغییر یافته و رضایت‌ش در موارد فوق جستجو گردد که این امر انشاء الله شخص مؤمن را به مسیری جهت می‌دهد که تبدیل به یک شوهر، خانم، فامیل، پسر، دختر و یک مسلمان خوب و فوق‌العاده گردد.

ثانیاً خواهران عزیز، بر ما لازم است تا در مقابل هرگونه تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های حقوق زنان و یا هم دولت‌هایی که به منظور سیکولرسازی و لیبرال‌سازی ازدواج

و قوانین خانوادگی در سرزمین‌های اسلامی انجام می‌دهند و یا هم تلاش می‌کنند تا افکار و اهداف پوچ و باطل غربی‌شان را در جوامع ما نهادینه سازند، که جز به تجزیه و از هم گسیختگی خانواده نمی‌انجامد، مخالفت شدید خود را اعلام نموده و در برابر آن سرسختانه مبارزه کنیم. در کنار این، لازم است تا دروغ، تحریف و شیطنت‌های سیکولارها و فمینیست‌ها را مبنی بر قوانین اجتماعی و خانوادگی اسلامی، که مکارانه ادعا می‌کنند قوانین و مقررات اسلامی برای زنان، خوانوده و اجتماع زیان‌آور است و در عوض می‌خواهند تا بی‌نظمی اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی؛ از جمله از هم گسیختگی واگیر خانوادگی، خشونت‌های خانوادگی و بی‌توجهی به حقوق اطفال را توسط افکار سیکولری، لیبرالی و فمینیستی پوچ‌شان ترویج نمایند (نه تنها در زبان؛ بلکه عملاً) رد نماییم.

در نهایت خواهران عزیز، ما باید این را بدانیم که تنها با تأسیس نظامی می‌توانیم خانواده را از فروپاشی نجات نجات دهیم که به ازدواج و زندگی خانوادگی یک نوع قداست و ارزش واقعی می‌بخشد. هیچ‌گونه دولت، رهبری و نظامی به جز خلافت واقعی اسلامی بر منهج نبوت وجود ندارد که عقاید، ارزش‌ها و قوانین آن دارای این‌گونه طرز دید باشد و یاهم دارای یک چشم‌انداز و طرح جامع باشد که بتواند چگونگی پرورش و حفظ ازدواج‌های شاد و واحدهای قوی خانوادگی به وجه احسن آن تنظیم نماید. بناءً، خواهران عزیز، به عنوان خواهر شما در حزب التحریر از شما می‌خواهم تا با ما در دعوت به اسلام ملحق شده، تلاش به خرج دهید، پیام حق را به همه کسانی که می‌شناسید برسانید و از نفوذ و ظرفیتی که الله ﷻ برای شما ارزانی داشته استفاده نمایید تا باشد که این دولت با شکوه و در عین حال دژ خانواده را تأسیس نمایم، دولتی که در قدرت خود از هر وسیله ممکن برای درمان اختلافات در واحد خانواده استفاده نموده و با تمام معنی محافظ آن بوده و یک بار دیگر قدرت و هماهنگی خانواده‌های ما را منبع خرسندی برای ما و ویژگی مشخصه این امت می‌گرداند. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾



و هر کس الله (ﷻ) و پیامبرش (ﷺ) را اطاعت کند، و از الله (ﷻ) بترسد و از مخالفت فرمانش
بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

دکتر نسرین نواز

رئیس بخش زنان در دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر

در میان زنان بهترین شما کسی است که رفتار نیکو با زنان

سرپرستی مردان

تخدام زنان

تساوی جندر

از دواج

آن هالپس برای شما و برای آن ها هستید

حقوق و قوا

محبت و رحمت
ن نگاه کردن

مادر بودن

خانواده

چالش ها و راه حل های اسلامی

فردگرایی

حکومت اسلامی و

توفعات از ازدواج

سیکولر ساختن قوانین

آدرس ها:



<http://www.hizb-ut-tahrir.info/pe>



WomenandShariah



دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

